کتاب هفته

ISSN:1029-3345

یکشنبه ۳۰ آذر ۱۳۸۲
۲۶ شوال ۱۴۲۴، ۲۱ دسامبر ۲۰۰۳
شماره ۱۵۹، پیاپی ۵۳۶
۳۲ صفحه، ۱۰۰ تومان

www.ketabehafteh.com

به خاطر افسانه ها

گفت‌وگو با علی‌اشرف درویشیان

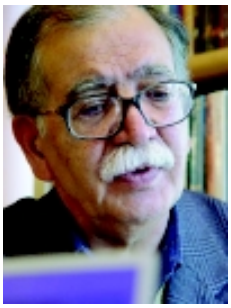

من الان دو کار بزرگ را با هم انجام می دهم. یکی فرهنگ افسانه های مردم ایران و دیگری «داستان های محبوب من» است که جلد اول و دوم قبلاً منتشر شده و جلد سوم و چهارم آن زیر چاپ است

علی‌اشرف درویشیان پس از انتشار آثاری چون «آبشوران»، «فصل نان»، «سلول ۱۸»، «سال‌های ابری» و... چندی است که تحقیق و پژوهش در ادبیات عامه را که میراث گرانقدر نیاکان در جوامع امروز است، شروع کرده و کتاب «قصه‌ها و متل‌های کردی» در همین راستا قابل ارزیابی است. مجموعه دیگری که درویشیان با همکاری رضا خندان (بهابادی) تدوین و منتشر کرده «فرهنگ افسانه‌های مردم ایران» است که تاکنون دوازده جلد آن را انتشارات کتاب و فرهنگ به بازار فرستاده و مجلدات دیگری از آن نیز در دست انتشار است.

او می گوید: فکر می‌کردیم فرهنگ افسانه‌ها را می‌توانیم در حدود دوازده جلد تمام کنیم ولی الان پانزده جلد شده که دوازده جلد منتشر شده و سه جلد هم آماده انتشار است.

۱۰

فرهنگ نگاری؛ مشکلات، راهکارها

سابقه فرهنگ نویسی در ایران به قرون سوم، چهارم و پنجم می‌رسد

گفت‌وگو با غلامرضا علی بابائی؛ مؤلف فرهنگ سیاسی «آرش»

غلامرضا علی‌بابائی؛ فرهنگ‌نگار، مؤلف و مترجم قریب به بیست سال است که در زمینه فرهنگ‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، تاریخ روابط خارجی ایران و نیز تاریخ ارتش ایران به کار تألیف و ترجمه مشغول است. فرهنگ ۷جلدی علوم سیاسی که در سال ۱۳۶۷ چاپ و منتشر شد و به فاصله کوتاهی به چاپ دوم رسید، به تحقیق ، گسترده‌ترین دانشنامه‌ای بود که در این حوزه به دست علاقه‌مندان رسید. مکمل این دانشنامه فرهنگ تاریخی- سیاسی ایران و خاورمیانه بود که در ۴ جلد در سال ۱۳۷۴ منتشر شد.

حاصل تجارب دو دهه گذشته و نیز تحقیقات میدانی وسیع، در چاپ و انتشار فرهنگ سیاسی آرش خلاصه می‌شود که به مدد منابع معتبر موجود، تألیف و در آستانه سال تحصیلی به دنیای کتاب عرضه شد.

با او درباره فرهنگ‌نویسی در ایران و جهان و آخرین کتابش «فرهنگ سیاسی آرش» به گفت‌وگو نشسته‌ایم.

۲۰

از سفیران کتاب در رسانه ها

گزارش دومین جشنواره رسانه و خبرنگاران برگزیده کتاب

۶

کارگاه

توانایی‌های نویسنده

زهرا تابشیان

۹

ریشه ها

به تور کشاندن مخاطبان

www.write 4 kids.com

۸

گزارش

زنده مثل زاینده رود

نخستین جایزه ادبی اصفهان

۱۷

جنبه های بین المللی نشر ایرانی

موضوع حضور کتاب ایران در خارج آنقدر گسترده است و پرداختن بدان چنان ضروری که به نظر می‌رسد با چند گزارش، سمینار یا نامگذاری در هفته کتاب، نتوان راهکارهایی برای رفع مشکلات آن ارائه کرد یا حتی بدان پرداخت. با مجید جعفری اقدم کارشناس توسعه نشر بین‌الملل گفت‌وگوی مشروحی انجام داده‌ایم که قرار بود در ایام هفته کتاب منتشر شود اما پاسخ‌های دقیق و موشکافانه ایشان و نیز احاطه و دقت نظرشان در حوزه نشر بین‌الملل متقاعدمان کرد که مشروح گفت‌وگو در فرصتی مناسب‌تر بعد از هفته کتاب (که گستره توزیع نشریه هم سراسری است) منتشر شود.

جعفری اقدم هم‌اکنون مشاور معاونت امور فرهنگی است.

۱۳

www.memfox.com

واژه ها چگونه به داستان های کودکان جان می دهند؟

در این مطلب کاربردی این نکات را می خوانید:
نیاز به شخصیت‌های عالی، درگیری‌های شورانگیز، داستان را نمایش بدهید، فقط تعریف نکنید، توجه به دورنمای موضوع، بلند خواندن ضروری است، ریتم بیشترین جذابیت را دارد، جسارت را بالا ببرید، تعلیم دیدن از یک استاد و یاد بگیریم که چطور قانع نباشیم.

۸

... یعنی تعریفی از خودم

۱۶

انتشار کتاب ایران توسط نشر گالیمار فرانسه

۲

انتشارات پیرسون

۲۲

خبر

تجلیل از پژوهشگران برتر حوزه دین

دبیر شورای برنامه ریزی دین پژوهان کشور اعلام کرد پنجمین همایش تجلیل از پژوهشگران برتر حوزه دین یازدهم دی ماه امسال در مشهد مقدس برگزار می شود.

محمدجواد صاحبی در گفت وگو با خبرنگاران در قم افزود: تاکنون ۳۰۰ اثر پژوهش دینی به دبیرخانه این همایش رسیده که ۱۳۰ اثر آن منطبق با رویکرد فراخوان بوده و از بین ۲۲ اثر به عنوان پژوهش های برتر در حوزه دین معرفی خواهد شد.

وی یادآور شد: این آثار در زمینه های مباحث حقوقی، آزادی و حقوق بشر، پرسش ها و شبهات در جامعه علمی ایران و خارج و مسائل اقتصادی انتخاب شده است.وی اضافه کرد: امسال این همایش به دلیل مصادف شدن با آغاز جشن های میلاد حضرت امام رضا(ع) با حضور اندیشمندان حوزه و دانشگاه و علمای بزرگ قم و مشهد در جوار حرم مطهر آن حضرت برگزار می شود.

رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی:

خوانندگان با ممیزی مشکل دارند، نه نویسندگان

نماینده تهران در مجلس ششم و عضو کمیسیون فرهنگی مجلس با اشاره به ممیزی کتاب و اینکه گفته می شود این مسأله عاملی برای رکود حوزه نشر و کتاب است، گفت: «ممیزی یک امر معمول است و هیچکس نیست که بگوید همه چیز را می شود در هر کتابی نوشت.» وی افزود: «نکته اساسی اینجاست که اشکال سر حد و حدود و نوع سلیقه هاست و الا شاید در هیچ کشوری هم در دنیا این طور نباشد که همه چیز، مجاز باشد و منتشر شود چرا که بالاخره هر جایی قانونی دارد.»

تجلیل از دکتر حسن حبیبی

فرهنگستان های جمهوری اسلامی ایران از مقام علمی و فرهنگی دکتر حسن حبیبی تجلیل کردند.

گزارش این مراسم که در سازمان ایرانی مجامع بین المللی در تهران برگزار شد، در شماره بعدی کتاب هفته درج خواهد شد.

موافقت رئیس جمهوری با تأسیس بنیاد جلال آل احمد

بزودی بنیادی با عنوان بنیاد جلال آل احمد به منظور ترویج افکار و آثار این نویسنده ایرانی تأسیس خواهد شد.

شمس آل احمد، نویسنده و پژوهشگر با اعلام این مطلب گفت: رئیس جمهوری نیز با تأسیس این بنیاد موافقت کرده است ولی هنوز مشخص نیست کدام نهاد با سازمان دولتی در این راه پیشقدم شود.

وی به قول مساعدت بسیاری از نویسندگان و اهل فکر برای تأسیس بنیاد مذکور اشاره و اظهار امیدواری کرد، هر چه زودتر این کار فرهنگی که جنبه ملی هم دارد، صورت گیرد.

پیشنهاد پورنجاتی در مورد مشکل مالیات ناشران

احمد پورنجاتی رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس از روند رسیدگی به معافیت مالیاتی ناشران و پدیدآورندگان کتاب انتقاد کرد و خواستار پادرمیانی رئیس جمهور برای حل این مسأله شد.

نماینده مردم تهران در این باره گفت: اگر بنا باشد در این حوزه گام های جدی برداشته شود، شخص آقای خاتمی باید پادرمیانی کند، زیرا ترکیب دولت ما با توجه به اعضای آن، بیشتر به نفع بخش های صنعتی، تولیدی و خدماتی است تا بخش فرهنگی و آموزشی.

پورنجاتی روند فعالیت ها و تلاش های مجلس ششم برای معافیت مالیاتی پدیدآورندگان کتاب را تشریح کرد و گفت که این فعالیت ها به دلیل عدم همراهی دستگاههای مالیاتی تاکنون به ثمر نرسیده است.

همایش آموزه های مولانا

مراسم افتتاحیه همایش «جمع مشتاقان مولانا، آموزه‌های مولانا برای انسان معاصر» در تالار علامه امینی دانشگاه تهران برگزار شد.

احمد مسجدجامعی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در سخنانی گفت: نظام ایران الگوهای معنا آفرینی چون مولانا زیاد دارد؛ اما گویی جهان ندای همساز مولوی را بیش از سایر نواها می شنود و به آن پاسخ می دهد. وی افزود: این موج نشانگر نیازهای انسان امروز است.در ابتدای این همایش نیز دکتر اعوانی، رئیس بنیاد حکمت و فلسفه و عضو هیأت رئیسه این همایش با اعلام این مطلب که مولانا ما را از گسیختگی و تشتت رهایی می بخشد و به عرفان و مقام وحدت و اتصال با حضرت حق می رساند، گفت: ما امروز بیش از هر زمان دیگر به مولانا احتیاج داریم، طوری که نیاز ما به عرفان، هزاران بار بیش از تکنیک غرب است.

انتشار کتاب ایران توسط نشر گالیمار فرانسه

مؤسسه انتشاراتی گالیمار (Gullimard) فرانسه «کتاب ایران» را منتشر خواهد کرد.

محمد بقایی (ماکان) در گفت وگو با خبرنگار کتاب هفته ضمن اعلام این مطلب گفت: «این کتاب توسط مؤسسه گالیمار که از مشهورترین کارتل های انتشاراتی جهان است منتشر خواهد شد.»

وی افزود: «کتاب ایران با همکاری حامد فولادوند، ناصر تکمیل همایون، محمود روح الامینی و بنده در ۳۵۰ صفحه حاوی مطالبی درباره کشورمان تهیه شده است که به معرفی تاریخ، آداب و رسوم، فرهنگ، آیین ها، جاذبه های جهانگردی، اوضاع اجتماعی گذشته و حال، طبیعت، تنوعات جغرافیایی، شهرهای مختلف، بناهای تاریخی و... می پردازد.»

بقایی ادامه داد: «این کتاب که تا پایان سال جاری خورشیدی به زبان فرانسوی منتشر می شود، از جمله آثاری است که مؤسسه گالیمار در مورد کشورهای دارای تمدن و فرهنگ کهن منتشر می کند.»

وی گفت: «آثار نفیسی که تاکنون از سوی این ناشر تحت عنوان بررسی تمدن ها منتشر شده از بهترین امکانات و صنعت چاپ بهره برده که از جمله می توان به «کتاب مصر»، «کتاب یونان»، «کتاب چین» و «کتاب هند» اشاره کرد.»

گفتنی است این آثار به ۱۲ زبان زنده دنیا ترجمه شده و در سراسر جهان در اختیار علاقه‌مندان قرار می گیرد.

کتاب جنگ همه استان ها تدوین می شود

برای همه استان ها کتاب استان در جنگ تدوین می شود.

رئیس بنیاد حفظ آثار و ارزش های دفاع مقدس کشور در ایلام با اعلام این خبر گفت: مقدمات تدوین کتاب استان در جنگ در برخی استان های کشور فراهم شده و در تعدادی از استان ها آماده چاپ است.

سردار افشار از پایان بررسی، مطالعه و تعیین ۳ هزار نقطه با حوادث مهم دفاع مقدس در کشور خبر داد و افزود: یادمان دفاع مقدس در ۴۰۰ نقطه جدید با داشتن حوادث مهم جنگ پیش بینی شده است.

رئیس بنیاد حفظ آثار از نقش نیروهای مردمی در جنگ به عنوان مهمترین عامل تأثیرگذار در اقتدار نظامی نام برد و افزود: در حال حاضر برای حفظ آمادگی دفاعی همچنان به تقویت روحیه مقاومت مردم نیاز هست.

سردار افشار تأکید کرد: ارتقای روحیه دفاعی و تقویت نظامی بیشتر کشور نیاز به سرمایه گذاری دارد.

وی در پایان با تقدیر از خدمات سرهنگ سلطانی، سرهنگ محمدزاده را به عنوان رئیس جدید بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس استان ایلام معرفی کرد.

آشنایی با بورس در کتاب های درسی

سازمان بورس اوراق بهادار قصد دارد آشنایی با بورس را در فصول درسی دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان قرار دهد. دبیرکل بورس اوراق بهادار گفت: در پی مذاکرات صورت گرفته با وزارت آموزش و پرورش مقرر شد که یک صفحه در دوران ابتدایی و ۳ تا ۴ صفحه نیز در فصول درسی دانش آموزان راهنمایی به بازار سرمایه اختصاص یابد.

برندگان سومین دوره جایزه گلشیری

برگزیدگان نهایی سومین دوره جایزه هوشنگ گلشیری طی مراسمی جمعه گذشته، انتخاب شدند.

بنیاد فرهنگی هوشنگ گلشیری در مراسمی از ساعت ۱۶ تا ۱۸ روز جمعه ۲۸ آذر ۱۳۸۲ در فرهنگسرای نیاوران برندگان این دوره جایزه گلشیری را در چهار بخش رمان، رمان اول، مجموعه داستان و مجموعه داستان اول معرفی کرد.

به برندگان علاوه بر جایزه نقدی، تندیس ویژه و لوح تقدیر نیز اهدا شد.

آمار صدور مجوز کتاب در هفته منتهی به ۱۹ آذر

آمار موضوعی صدور مجوز کتاب در هفته منتهی به ۱۹ آذر اعلام شد.

به گزارش دبیرخانه هیأت نظارت بر اجرای ضوابط نشر کتاب مجوز قبل از چاپ امضا شده ۳۲۵ عنوان (۶/۶۰ درصد کاهش نسبت به هفته قبل) به این شرح است: کمک درسی و آموزشی (۳۰/۷۶ درصد)؛ ادبیات (۲۹/۸۴ درصد)؛ دین و فلسفه (۱۷/۰۷ درصد)؛ دانشگاهی (۷/۰۷ درصد)؛ علوم اجتماعی (۱۶/۴۶ درصد)؛ روان شناسی (۶/۱۵ درصد)؛ علوم سیاسی (۲/۹۲ درصد)؛ تاریخ و جغرافیا (۳/۶۹ درصد).

ضمناً در هفته مزبور تعداد ۳۰۵ عنوان کتاب چاپ شده (اعم از چاپ اول یا چاپ های بعدی) در دبیرخانه هیأت نظارت بر اجرای ضوابط نشر کتاب اعلام وصول شده که این تعداد نسبت به هفته قبل ۱۳/۶۳ درصد کاهش نشان می دهد.

اطلاع رسانی شفاف و ارتباط دوسویه، آرمان ماست
سال نشست مطبوعات و رسانه‌ها با مردم ۱۳۸۲
پایگاه اطلاع رسانی
www.prcm.gov.ir
آخرین اخبار حوزه فرهنگ، هنر و ارشادات
راهنمای مراجعان
ارسال نظرها و پیشنهادها
آشنایی با ساختار و قوانین وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
پیوند با سایر پایگاه‌های اطلاع رسانی فرهنگی
پیام گیر ۳۹۸۲۹۹۷
ارتباط بی واسطه با مسئولان
تلفن گویا ۳۹۸۲۹۹۹
راهنمای ارتباطی با تمامی حوزه‌های فرهنگی

کوتاه

۷۰ نویسنده جلسه نقد و بررسی یکی از کتاب‌های دفاع مقدس را در شهر قصر شیرین برگزار کردند.

دومین همایش ادبی دفاع مقدس به همت بنیاد حفظ آثار و ارزش های دفاع مقدس و با حضور حسین اسرافیلی و عباس مشفق کاشانی در تالار خاقانی خانه فرهنگ تبریز برگزار شد.

کارشناس کتاب سازمان آموزش و پرورش استان سمنان اعلام کرد: در این استان به ازای هر دانش آموز پنج کتاب وجود دارد این رقم نسبت به سرانه کشوری دو کتاب بیشتر است. وی سرانه کتاب به ازای هر دانش آموز در کشور را حدود سه کتاب عنوان کرد و اظهار داشت: در آموزشگاههای این استان ۷۲۵ هزار جلد کتاب وجود دارد.

دهمین کنگره سراسری شعر و قصه طلاب به مدت دو روز در بهمن ماه امسال در شهر قم برگزار می شود. این کنگره قرار است در روزهای ۲۹ و ۳۰ بهمن ماه سال جاری در محل حوزه هنری قم برگزار گردد.

سومین جشنواره سراسری ادبیات داستانی بسیج در کرمان برگزار شد. «نادیان» رئیس ستاد جشنواره ادبیات داستانی بسیج به روند برپایی این جشنواره اشاره کرد و افزود: فراخوان این جشنواره از استانداه سال گذشته آغاز شد و تا پایان مهلت مقرر بیش از ۹۰۰ اثر داستانی از سراسر کشور به دبیرخانه این جشنواره رسید.

معاون فرهنگی و هنری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی گفت: طبق تحقیقات انجام گرفته در سطح استان سهم کتاب به عنوان یک کالای فرهنگی در سبد هزینه مردم ۳۰۰ تومان در ماه است و این مبلغ بسیار اندک می باشد.

سرپرست اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی رباط کریم خواستار احداث حداقل ۶ کتابخانه دیگر در این شهرستان شد. علی جعفری گفت: در صورت راه‌اندازی این تعداد کتابخانه برای هر ۲۰ تا ۵۰ هزار نفر یک کتابخانه فراهم می شود.

مسؤول امور فرهنگی اداره ارشاد دورود گفت: شهر یکصد هزار نفری دورود تنها یک کتابخانه عمومی دارد که به هیچ وجه جوابگوی نیاز این شهر نیست.

امسال مرحله نهایی جشنواره شعر رضوی با حضور یکصد نفر از شاعران برگزیده کشور در مشهد برگزار خواهد شد.

خانم مرادی مسؤول کتابخانه عمومی منجیل گفت: کتابخانه عمومی منجیل از معدود مراکز فرهنگی این شهر است که در سال ۱۳۶۹ تأسیس شده و در حال حاضر حدود ۹۰۰۰ جلد کتاب در موضوعات مختلف دارد و که جوابگوی اقشار مختلف خصوصاً دانش آموزان و دانشجویان است.

جایزه ادبی پروین اعتصامی

نخستین دوره جایزه ادبی پروین اعتصامی با مشارکت معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری و همیاری مجامع ادبی ایران و کشورهای همسایه، ۲۵ اسفندماه سال جاری، همزمان با سالروز تولد پروین اعتصامی برگزار می شود. به گزارش دبیرخانه جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در این برنامه که با هدف تقدیر از تلاش های بانوان اهل قلم اجرا می شود، تألیفات برتر حوزه ادبی زنان نویسنده، شاعر، پژوهشگر و منتقد، شناسایی و معرفی خواهد شد.در این دوره کتاب هایی که برای نخستین بار در سال ۱۳۸۱ چاپ و انتشار یافته اند، مورد توجه و بررسی قرار می گیرند.

شهرکتاب گلدیس بازگشایی شد

فروشگاه بزرگ شهر کتاب گلدیس با همکاری مؤسسه نشر افق بازگشایی شد.
در این فروشگاه بیش از ۵۰۰۰عنوان کتاب در موضوع های رمان، شعر، داستان، سیاست، روانشناسی، آموزشی و... موجود است. شهر کتاب گلدیس در فلکه دوم صادقیه واقع شده است.

کوتاه

به مناسبت گرامیداشت یاد و خاطره دانشجویان شهید دانشگاه اراک، مراسم شب شعر و خاطره در سالن هشتم شهریور این دانشگاه برگزار شد.

در این مراسم، ۲ تن از شاعران برگزیده کشور سروده های خود را قرائت کردند.

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی یزد با اشاره به فعالیت ۶۱ باب کتابخانه عمومی در استان یزد گفت: در مجموع یک میلیون و ۱۲۰ هزار جلد کتاب، در کتابخانه های این استان وجود دارد.

غیاثی افزود: از ۴۹۰ هزار عضو رسمی کتابخانه های عمومی یزد، ۳۱ هزار نفر از اعضای فعال بود که از این تعداد ۱۵ هزار و ۷۶۳ نفر زن هستند که نشانگر علاقه مندی زنان به مطالعه کتاب بیش از مردان این خطه است.

رئیس نهضت سوادآموزی استان چهارمحال و بختیاری گفت: نخستین کتابخانه سیار استان ویژه سوادآموزان و کم سوادان در شهرستان شهرکرد راه اندازی شد. فرج الله اعرابی در گفت وگو با ایرنا افزود: در این کتابخانه یک هزار و ۵۰۰ جلد کتاب با موضوع های ادبیات، تاریخی، داستانی و علمی وجود دارد که به صورت سیار و با شرایط عضویت توزیع می شود.

جشنواره بزرگ شعر رضوی در تالار هنرهای زیبای قوچان برگزار شد.

به همت اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی مسجد سلیمان نخستین نمایشگاه بزرگ کتاب در صحلای نماز جمعه این شهرستان برپا شد.

نمایشگاه کتاب در کتابخانه عمومی بابلسر برپا شد. در این نمایشگاه یک هزار عنوان کتاب با تخفیف ۲۰ درصد به خریداران عرضه می شود. همچنین در کتابخانه عمومی بخش فریدون کنار بابلسر نمایشگاه کتاب ترتیب یافت.

در ۱۳۰ آموزشگاه دائش نمایشگاه کتاب برپا شد. در این نمایشگاهها ۱۵ هزار جلد کتاب با تخفیف ۳۰ درصد به دانش آموزان عرضه شد. همچنین برای تجهیز کتابخانه آموزشگاهها، بیش از ۵ هزار جلد کتاب با تخفیف ۷۰ درصد در اختیار دبیرستان های تالش قرار گرفت.

آیین تجلیل از خادمان نمونه نشر کتاب در سالن خواجه نظام الملک جاران برگزار شد. در این آیین کتابداران، کتابخوانان، همیاران، کتابفروشان و ناشران نمونه کتاب معرفی شدند و هدایایی دریافت کردند.

از سوی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گنبد کاووس نمایشگاه کتاب در کتابخانه های عمومی این شهرستان برپا شد.

توضیحات یک مقام آگاه پیرامون صدور مجوز کتاب

در پی انتشار برخی اخبار و انتقادات در زمینه صدور مجوز کتاب در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، یک مقام آگاه در معاونت امور فرهنگی این وزارتخانه در گفت وگوی اختصاصی با خبرنگار کتاب هفته گفت: «روند صدور مجوز کتاب به این شکل است که صدور مجوز ۵۰ درصد کتاب ها ظرف مدت یک روز، ۲۰ درصد طی یک هفته و ۲۰ درصد دیگر نهایتاً دو هفته ای به طول می انجامد.»

این مقام آگاه در معاونت امور فرهنگی با اشاره به اینکه صدور مجوز کتاب بر اساس طبقه بندی موضوعی است گفت: «کتاب های فلسفی، مذهبی و ادبی احتیاج به زمان بررسی بیشتری دارند چون نیازمند مطالعه دقیق هستند برای این دسته از کتاب ها، از دو هفته ممکن است طولانی تر شود چون نیازمند یک سری استعلام ها از مراکز و مکان های مختلف است.»

وی افزود: «گاهی وقتی اعلام می شود که ناشر باید اصلاحیه ای در کتاب صورت دهد، ناشر آن اصلاحیه را دیر می آورد که خود یکی از عواملی است که باعث طولانی شدن مجوز می شود و این شامل ۵ درصد کتاب ها می شود.»وی در پایان تصریح کرد: در مجموع ۹۵ درصد کتاب ها از یک روز تا دو هفته منتظر مجوز می مانند و در مورد ۵ درصد بقیه به دلایل مختلف که اشاره کردم ممکن است طول بکشد. با این حال اگر خود ناشر یا نویسنده همکاری بیشتری داشته باشند زمان اعطای مجوز کوتاه تر می شود.

آثار نهایی جایزه یلدا

پنج مجموعه داستان نهایی جایزه ادبی یلدا معرفی شدند. دبیرخانه دومین جایزه ادبی یلدا، پنج اثر راه یافته به مرحله نهایی داوری در حوزه مجموعه داستان کوتاه را به شرح زیر اعلام کرد: (به ترتیب حروف الفبا)
آفتاب، مهتاب (شیوا ارسطویی)؛ آن طرف خیابان (جعفر مدرس صادقی)؛ خش خش تن برهنه تاک (خسرو حمزوی)؛ خنده در خانه تنهایی (بهرام مرادی)؛ صندلی کنار میز (میترا داور).

پنج اثر برگزیده داوران در حوزه رمان در اطلاعیه بعدی اعلام خواهد شد. مراسم معرفی آثار برگزیده امروز (یکشنبه سی آذر) همزمان با شب یلدا در تالار فرهنگ برگزار می شود. در این مراسم از آقای عبدالرحیم جعفری بنیانگذار انتشارات امیرکبیر، به پاس یک عمر فعالیت حرفه ای خلاق و تأثیرگذار در صنعت نشر تقدیر به عمل خواهد آمد و علاوه بر آن جایزه ویژه ای نیز در حوزه نقد ادبی اهدا خواهد شد.

فراخوان انجمن ایرانی تعلیم و تربیت

انجمن ایرانی تعلیم و تربیت از پژوهش های مربوط به تعلیم و تربیت و رشته های وابسته تقدیر و نسبت به معرفی و انتشار آنها اقدام می کند.

این انجمن از پژوهشگران، استادان و دست اندرکاران تعلیم و تربیت دعوت کرده است تا مقالات پژوهشی خود را در حدود ۲۰ صفحه تایپ شده ۸۴به همراه چکیده فارسی و ترجمه چکیده به زبانی بین المللی (ترجیحاً انگلیسی)، تا آخر بهمن ماه ۸۲به نشانی تهران - خیابان ایتالیا، نبش خیابان قدس، پلاک ۱۲۸، واحد ۵ و یا پست الکترونیکی IRSOC-eduyahoo.com ارسال کنند.

نمایشگاه «ایسپا» در علامه

به مناسبت هفته پژوهش نمایشگاهی از دستاوردهای فرهنگی و علمی مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) در دانشگاه علامه طباطبایی برگزار شد.

یوسف واحدی مسؤول این نمایشنامه در گفت وگو با خبرنگار کتاب هفته با اعلام این مطلب افزود: این نمایشگاه به مناسبت هفته پژوهش از شنبه ۲۲ تا چهارشنبه ۲۶ آذرماه برپا بود.

وی همچنین گفت: در این نمایشگاه آثاری از تألیفات و تحقیقات این مرکز به نمایش در آمد.

«روز کتابدار» از سال آینده در تقویم رسمی کشور

مسؤول دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه های عمومی کشور از تلاش این مرکز برای گنجاندن روز «کتابدار» در تقویم رسمی کشور از سال آینده خبر داد.

منصوره حسینی در گفت وگوی اختصاصی با خبرنگار کتاب هفته در این باره گفت: «دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه های عمومی کشور در نظر دارد که روزی را به نام «روز کتابدار» نامگذاری کند، البته یک روزی را هم در نظر گرفته ایم ولی باید قبلاً به شورای فرهنگ عمومی پیشنهاد کنیم تا همچون روزهای «معلم» یا «پرستار»، در آن روز از مقام کتابداران تجلیل شود. ما این برنامه را دنبال می کنیم و امیدواریم برای سال آینده در تقویم رسمی کشور ثبت شود.»

وی درباره نقش و جایگاه کتابداران در جامعه گفت: «واقعیت آن است که این قشر در تمام طول سال زحمت می کشند و اطلاع رسانی می کنند و در خدمت کتاب و مردم هستند ولی توجه ویژه در یک روز از هفته کتاب کافی نیست و دردی از آنها دوا نمی کند. در واقع پاسخگوی زحمات آنها نخواهد بود.»

کتاب جشنواره مطبوعات کودکان و نوجوانان منتشر شد

کتاب ششمین جشنواره مطبوعات کودکان و نوجوانان، در روزهای آخر جشنواره منتشر شد.

در این کتاب شعر، مقاله و داستان هایی با عناوین «تمام خواب های من»اثر جعفر ابراهیمی (شاهد)، «به سادگی خاک و آب» از بایک یک طلب، «سرآغاز کودک نویسی در مطبوعات ایران»، نوشته سیدفرید قاسمی، «دوازده سالگی»نوشته محسن چینی فروشان، «قطار رفت و برگشت بوانات - هری پاتر...» از هوشنگ معمارزاده چاپ شده است.

مهمانی دیوها نقد می شود

نهمین نشست نقد مخاطبان کتاب ماه کودک و نوجوان به نقد و بررسی کتاب «مهمانی دیوها» اختصاص دارد. در این نشست که امروز (۳۰ آذر) برگزار می شود، جعفر توزنده جانی نویسنده کتاب و عده ای از نوجوانان حضور خواهند داشت.

این جلسه ساعت ۱۵ تا ۱۷ در محل خانه کتاب برگزار خواهد شد.

اخذ مالیات از مؤلفان پایان می یابد

دستورالعمل موضوع ماده ۱۲ آیین نامه اجرایی تبصره ۳ ماده ۱۳۹ اصلاحی قانون مالیات های مستقیم مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ (معافیت موضوع بند ل) به امضای وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور رسیده است و از این پس اخذ هرگونه مالیات از مؤلفان غیرقانونی است.

مهدی حجوانی رئیس هیأت مدیره انجمن نویسندگان کودک و نوجوان که در نشست مطبوعاتی این انجمن به مناسبت سالگرد تأسیس آن و ارائه گزارش پژوهش سیاست های دهه ۸۰ سخن می گفت، افزود: طبق قانون مالیات های مستقیم، مؤلفان از مالیات معاف بودند. اما به دلیل نبودن دستورالعمل اجرایی به طور غیرقانونی از آنان مالیات اخذ می شد.

تصحیح خبر

در شماره ۱۵۲، صفحه ۲۱، خبر مصدومیت عبدالرحیم جعفری یا تیتر «مدیر انتشارات امیرکبیر در بیمارستان آراه بستری شد» چاپ شد که متأسفانه کلمه اسبق از تیتر و متن خبر افتاده بود.
گفتنی است عبدالرحیم جعفری بنیانگذار انتشارات امیرکبیر و مدیر سال های دور این مؤسسه است.

خبر

کانون توسعه فرهنگی کودکان و یک کتابخانه روستایی

به همت «کانون توسعه فرهنگی کودکان» و با حمایت مالی «انجمن یاری سوئد» کتابخانه روستای «گلین» از توابع سنندج گشایش یافت.

این کتابخانه دومین کتابخانه «کانون توسعه فرهنگی کودکان» در استان کردستان است. نخستین کتابخانه این کانون مردمی، در خردادماه امسال و روستای «اورامان تخت» افتتاح شد.

پژوهشگران حمایت مالی می شوند

معاون اول رئیس جمهوری از برقراری حمایت های مناسب مالی برای پژوهشگران کشور خبر داد.

به گزارش دفتر امور رسانه های ریاست جمهوری دکتر عارف، معاون اول رئیس جمهوری و رئیس شورای پژوهش های علمی کشور در جلسه اخیر این شورا گفت: با تصویب آیین نامه داخلی صندوق حمایت از پژوهشگران از سوی این شورا، پژوهشگران کشور از وام، تسهیلات و حمایت های مالی با شرایط مناسب برخوردار خواهند شد... وی با تأکید بر لزوم شفاف سازی حمایت های مربوط به پژوهش و پژوهشگران گفت: باید راهکارهای مناسبی اتخاذ شود تا مسأله پژوهش در کشور به عنوان ضامن تحقق توسعه مورد توجه کافی قرار گیرد.

شورای پژوهش های علمی کشور در این جلسه ضمن تصویب آیین نامه داخلی شورا، آیین نامه صندوق حمایت از پژوهشگران را نیز به تصویب رساند و مقرر کرد این آیین نامه به مدت یک سال به صورت آزمایشی به اجرا درآید. این شورا همچنین ضمن بررسی گزارش اهداف و راهبردهای فناوری و پژوهش در برنامه چهارم توسعه کشور، مقرر داشت به منظور تحقق اهداف برنامه چهارم سهم اعتبار تحقیقات کشور بر اساس تولید ناخالص ملی؛ در بخش دولتی دو درصد و در بخش خصوصی یک درصد پیش بینی شود.

گلباران مزار بزرگان ادب و هنر

انجمن شاعران ایران در هفتمین سفر جمعی خود بر مزار شاعران آرمیده در امامزاده طاهر(ع) کرج حاضر شدند و مزار شاعران و نویسندگان فقید معاصر ایران را گلباران کردند.

به گزارش رسیده از انجمن شاعران ایران، این سفر در روز جمعه ۲۱ آذر و با عنوان «تاقله های شعر» انجام شد که طی آن جمعی از شاعران معاصر از جمله محمدرضا عبدالملکیان، ساعد باقری، مصطفی رحماندوست، محمدرضا محمدی نیکو و تعدادی از اعضای دفتر شعر جوان حضور داشتند. در این سفر مزار احمد شاملو، هوشنگ گلشیری، احمد محمود، غلامحسین بنان و چند تن از بزرگان موسیقی گلباران شد.

سه هزار طرح پژوهشی در جهاد دانشگاهی به اتمام رسید

معاون پژوهشی و فناوری جهاد دانشگاهی اعلام کرد: سه هزار طرح پژوهشی از بدو تأسیس جهاد دانشگاهی تاکنون خاتمه یافته است.

به گزارش جهاد دانشگاهی، حمیدامین سلیمانی اظهار داشت: در حال حاضر بیش از ۶۰۰ طرح تحقیقاتی در کشور توسط محققان جهاد دانشگاهی در حال اجراست که حدود هفت درصد کل پژوهش های مطالعاتی تحقیقاتی کشور را شامل می شود.

خبر

نظر اتحادیه ناشران درباره نمایشگاههای کتاب مدارس

سخنگوی اتحادیه ناشران برگزاری نمایشگاههای کتاب مدارس را در افزایش شمارگان کتاب مؤثر ندانست.

سخنگوی اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران به ایرنا گفت: برگزاری نمایشگاههای کتاب تأثیری در افزایش شمارگان کتاب کودک و نوجوان نداشته است.

حسن کیایان افزود: اگر در این مدت ۱۱ سال به هر کودک یک کتاب داده می شد، ضمن رونق نشر کتاب کودک و نوجوان شمارگان کتب بزرگسال نیز افزایش می یافت.

روبات جست‌وجوگر در کتابخانه

گروهی از محققان ژاپنی روباتی ساخته‌اند که با دریافت یکسری دستورالعمل از اینترنت به افراد کمک می کند تا از راه دور به صورت مجازی به جست‌وجوی کتاب در کتابخانه بپردازند.

این روبات که ابعادی حدود ۵۰ در ۴۵ سانتیمتر دارد، دارای چرخ است و مجهز به دوربین دیجیتال و دست و بازوی مکانیکی است.

کوتاه

صد و نهمین نشست کتاب ماه ادبیات و فلسفه با عنوان «عبدالقاهر جرجانی و نظریه ادبیات» با سخنرانی دکتر مهدی محبتی در ساعت ۱۷ روز ۲۵ آذر در محل خانه کتاب برگزار شد.

به همت دفتر مجامع و فعالیت‌های فرهنگی، مراسم تجلیل از خدمات خانم شهرزاد مالک کارشناس ارشد برگزار شد. در این برنامه که در دفتر معاونت امور فرهنگی با حضور علی اصغر رمضانپور برگزار شد، به ایشان لوح تقدیر اهدا شد.

همایش علمی تخصصی پژوهش با حضور ۴۰۰ تن از مدیران پژوهشی، پژوهشگران و محققان بسیجی ۲۵ آذر ماه در دانشگاه تربیت مدرس برگزار شد. دکتر لطفعلی بختیاری رئیس سازمان مطالعات و تحقیقات بسیج در گفت وگو با خبرنگاران با بیان این مطلب افزود: در این همایش علاوه بر برپایی نمایشگاه دستاوردها، آثار پژوهشی و معرفی طرح‌های برتر، ۲ پروژه علمی - پژوهشی جدید به شرکت کنندگان معرفی شدند.

یاسر هشترودی نویسنده و خبرنگار جنگ، در سفر ششم خود همراه با رضا برجی و محمدعلی میرزایی به عراق، با اسناد و عکس های تازه‌ای از جنگ ایران و عراق به تهران بازگشت. هشترودی در این باره گفت: خاطرات و روایت‌های مربوط به دفاع مقدس میراثی جاودان برای نسل‌های بعدی ما خواهد بود.

دومین جشنواره مستازین، مبتکران و نوآوران دانشجو و طلبه بسیجی، شاهد و ایثارگر سراسر کشور ۲۷ آذرماه در تالار علامه امینی دانشگاه تهران برگزار می شود.

انتشارات تیمورزاده حائز رتبه اول ناشر برگزیده کتاب سال دانشجویی شد. این مؤسسه با ۴ عنوان کتاب برگزیده و یک عنوان تقدیر شده در بخش تألیف و ترجمه ناشر برگزیده دهمین دوره کتاب سال دانشجویی شناخته شد و رتبه اول را به دست آورد.

پنجمین نشست با سرآمدان ادبیات جهان کانون ادبیات ایران که به بررسی آثار و اندیشه شاعر، نویسنده و هنرمند نامدار هند، «رابیند رنات تاگور» اختصاص داشت در فرهنگسرای دانشجو برگزار شد.

پاتوق فرهنگی کتاب ما در راستای برگزاری جلسات و همایش های فرهنگی - هنری امکان معرفی کتب مختلف را برای علاقه‌مندان فراهم کرده است. در این جلسات ناشران، مؤلفان و مترجمان، کتاب‌های خود را در حضور علاقه‌مندان معرفی خواهند نمود و به سوالات حضار پاسخ خواهند داد.

رئیس مجلس : مؤلفان و مترجمان مشکلات جدی دارند

مؤلفان و مترجمان مشکلات جدی دارند.

رئیس مجلس همچنین گفت: «با توجه به شمارگان و تعداد کتاب‌هایی که موجود است و همچنین میزان کتاب خریداری شده و مصرف شده و با مقایسه سطح تحصیلاتی که در جامعه خودمان داریم و تعداد نیروهای اهل دانشی که در جامعه وجود دارد، همه این مسائل گویای آن است که هنوز فرهنگ شفاهی بر جامعه ما حاکم است و فرهنگ کتابخوانی با توجه به نسبت جمعیت کشور ما اندک است.»

رئیس مجلس در ادامه خطاب به دست‌اندرکاران این حوزه گفت: «ما باید بتوانیم مترجمان و مؤلفان خودمان را تشویق کنیم و آنها را ترغیب نماییم تا به این کارمقدس دلگرم شوند.» کریبی با برشمردن روش‌های تشویق مترجمان و مؤلفان گفت: «اول امکانات مالی و تسهیلاتی که ما می توانیم برای این قشر قائل شویم و معافیت آنها از یکسری مسائل و دوم اینکه نویسندگان و مؤلفان احساس کنند که از ثمره کار آنها استفاده و بهره‌برداری شده است.»

وی افزود: «این قشر باید احساس کنند که مطالب آنها در مراکز دانشگاهی، تحقیقی، حوزوی، پژوهشی و مراکز علمی کاملاً مطرح می شود و به خاطر زحماتی که می کشند، زحماتشان هدر نمی رود.»

وی افزود: «من بارها دیده‌ام که برخی مؤلفان و مترجمان مشکلات جدی دارند و حتی وام‌هایی گرفته‌اند که قدرت پرداخت آنها را نداشتند و یا نوشته‌هایی را به رشته تحریر درآورده‌اند اما قدرت چاپ آن را نداشتند.»

رئیس مجلس شورای اسلامی در ادامه با اشاره به بحث ممیزی در حوزه کتاب گفت: «ممیز در حوزه کتاب می باید دقت به خرج دهد و با توجه به دقت و مراقبتی که صورت می گیرد این قدر فعالان حوزه نشر را در این مسیرها نبرند و نیاورند. ضمن اینکه می باید دقت شود تا احتمالاً کتاب‌هایی که مطالبش با فرهنگ دینی و فرهنگ مردم ما تضاد دارد انتشار نیابد. و الا نقد و انتقاد و ضعف در هر نوشته‌ای هست، اما چیزهایی که بنیادها را متلاشی می کند ممیزی باید در آنجاها رعایت شود. در کنار آن البته حرمت ها باید نگهداری شود و هم از برخی سختگیری ها پرهیز کنیم و هم سرعت کار افزایش یابد تا مؤلفان و نویسندگان از پله ها نروند و بیایند.»

پژوهش‌های فرهنگی برگزیده سال معرفی شدند

مراسم ششمین دوره داخلی و هشتمین دوره بین‌المللی پژوهش فرهنگی سال با معرفی برگزیدگان داخلی و خارجی در روز پژوهش، در تالار وحدت برگزار شد.

در ابتدای این همایش محمد سمیعی، رئیس پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، گزارشی از پژوهش فرهنگی سال ارائه کرد و در ادامه دکتر علی محمد کاردان پژوهشگر پیشکسوت حوزه فرهنگ، سخنانی درباره فرهنگ پژوهش به عنوان ضرورت پژوهش فرهنگی ایراد کرد.

سپس دکتر کیکوسا کورایی، پروفسور روشن رحمانی و دکتر روبرت لانگر پژوهشگران برگزیده از ژاپن، تاجیکستان و آلمان به معرفی پژوهش های خود پرداختند.

در ادامه مراسم احمد مسجدجامعی پیرامون فعالیت هشت ساله هفته پژوهش گفت: در طی این سال‌ها به فضاهای جدیدی در پژوهش دست یافتیم که این فضاها به شیوه‌های جدید، آئین نامه‌های چگونگی پژوهش و ارزیابی پژوهش‌ها و تبیین جایگاه پژوهش در نظام متحول امروز جامعه نیاز دارند.

مسجدجامعی در ادامه افزود: تجربه‌های پژوهش در علوم انسانی باید ضبط و ثبت شوند و تداوم پیدا کنند.

وی در پایان با تأکید بر توجه به پژوهش‌های ملی اظهار کرد: در حال حاضر توجه بیشتر به پژوهش‌های فراگیر و ملی احساس می شود، چون این پژوهش‌ها، ظرفیت های جدیدی ایجاد می کنند و استفاده از فعالیت های پژوهشی را در برنامه‌ریزی ها افزایش می دهند.

در پایان این مراسم جوایز پژوهشگران برگزیده و پژوهشگران تشویقی توسط احمد مسجدجامعی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، دکتر کاظم معتمدنژاد، استاد علوم ارتباطات، دکتر علی محمد کاردان پژوهشگر و محمد سمیعی رئیس پژوهشگاه فرهنگی، هنر و ارتباطات اهدا شد.

پژوهش‌های برگزیده

الف- بخش داخلی

اجتماعی:

-تأثیر فضای سایبرنتیک بر هویت اجتماعی، بهزاد دوران، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس

- طرح ملی پیمایش ارزش ها و نگرش های ایرانیان، محسن گودرزی، عبدالعلی رضایی، علوم تربیتی

- تبیین ماهیت تعلیم و تربیت اسلامی و دلالت های آن برای برنامه های درسی، جمیله علم‌الهدی، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس

دینی

-معیارهای فهم و نقد حدیث در تفسیر المیزان، شادی نفیسی، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس

هنری

-خانه شعر ایران، فروغ رادمان، پایان نامه

کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران

-طراحی باغ کبوترخانه در پارک جمشیدیه تهران، سعید هادی‌زاده کاخکی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران

ب- بخش بین‌الملل

-کتاب‌های درسی در دوران انقلاب ایران. کیکوسا کورایی، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه سوفیا (توکیو-ژاپن)

افسانه‌های مردم فارسی زبان (تاجیکستان، افغانستان و ایران)، پروفسور روشن رحمانی، استاد دانشگاه دولتی ملی تاجیکستان

-پیران و زیارتگاههای زرتشتیان در ایران شیعه مذهب، روبرت لانگر، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه هایدلبرگ از آلمان

پژوهش‌های تشویقی

الف- بخش داخلی

اجتماعی

-بررسی اولویت‌های ارزشی جوانان روستایی و عوامل مؤثر بر آن، سیامک شهابی

-گرایش جوانان به انواع موسیقی در شهر اصفهان، وحید قاسمی

ادبی

-تحلیل گرایش‌های عمده رمان‌نویسی از انقلاب اسلامی تا امروز (۷۸-۱۳۵۷)، حسین هاجری پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس

-درآمدی بر ریخت‌شناسی قصه‌های عاشقانه، محمود رضایی‌راد

دینی

-بررسی جهت گیری‌های مردم تهران (سکولاریسم، پلورالیسم و بنیادگرایی)، اسماعیل بلالی

-نگرش جوانان به دین، مژگان عظیمی هاشمی

فرهنگ مردم

-کردان پارس و کرمان، دکتر جمشید صداقت کیش

رسانه

-بررسی نقش تبلیغات تجاری تلویزیون در شیوه زندگی، محمدرضا رسولی، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی

تاریخ

-سلطنت شیعی- مبانی و نظریه‌ها، محسن طباطبایی‌فر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم

-امامیه در عصر سلجوقیان (۵۸۹-۴۴۹ه.ق)، سید محمدحسین منظورالاجداد، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس

-ایران در عصر ناصری در مواجهه با ارکان سه‌گانه مدرنیته، سیمین فصیحی، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه شهید بهشتی

جغرافیا

-تحلیل توزیع فضایی و مکان‌یابی کتابخانه‌های عمومی با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی شهر کرمان، مهدیه زنگی آبادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس

-تحلیل ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی ناحیه مسکونی سیروس تهران، حمید صابری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

کتاب

کتاب توس

نقد و بررسی کتاب توس (۳) به کوشش محسن باقرزاده توسط انتشارات توس منتشر شد.

این کتاب که در ۱۵۰۰ صفحه و به بهای ۲۹۵۰ تومان منتشر شده است دربرگیرنده مطالبی از ایرج افشار، فریدون بدره‌ای، محمود روح الامینی، اقبال یغمایی و... است.

به مناسبت سالگرد شهادت امام جعفر صادق(ع) و ولادت حضرت معصومه(س)

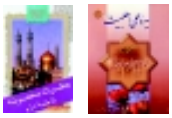

تازه‌ترین‌ها درباره بزرگمرد صادق(ع) و بزرگ بانوی معصومه(س)

دانش‌آموزان پژوهشگر در یزد تجلیل شدند

سومین جشنواره پژوهشگران جوان کشور با هدف تجلیل از دانش آموزان برگزیده در مرکز تربیت معلم شهید پاک‌نژاد یزد برگزار شد.

مدیر روابط عمومی سازمان آموزش و پرورش استان یزد در گفت وگوی اختصاصی با خبرنگار کتاب هفته با اعلام این مطلب گفت: «در مراسم مذکور، از ۲۵۰ دانش آموز برتر کشور در زمینه‌های مطالعه، تحقیق و پژوهش تقدیر شد.»

گفتنی است جشنواره پژوهشگران جوان کشور به مدت سه روز در یزد برگزار شد.

رضا حیاتبخش

داد و ستد اطلاع رسانی

دنیا، همیشه شگفت‌انگیز بوده و کار نشر و فرهنگ و دستاوردهای فکری بشر، در زمینه های مختلف هم همیشه شگفتی آفرین و مشکل ساز بوده. اینکه می‌فرمایید چرا به این کار رو کردم نمی‌دانم، به زمان‌های دور بر می‌گردد. شاید یکی، یک وقتی تشویقم کرد. شاید تصادفی بود. شاید به فرموده بزرگی، هر کسی به طبنت و طبیعت و درون خود رو می‌کند و شاید هم عللی دیگر، ولی یک مطلب گفتنی است، برای کسی که سالیان درازی را به همراه جمعی در این شهر در همین راستا، در خدمت آموزش و اداره بعضی فعالیت‌های فرهنگی بوده، در قالب گروه فرهنگی، در ادامه راه چه کاری بهتر از این می‌توانست باشد؟ ناگفته نماند از کار قبلی راضی بودم و به شدت علاقه‌مند و تا حدودی هم موفق. گو اینکه رضایت این طرف مهم نیست، باید رضایت مردم را دید اما حاصل کار مطلوب بود و نتایج آن را گاهی هر روز به چشم می‌بینید. دانش‌آموختگان نوجوان دیروزی به انسان‌های معتبر و مؤثر در رشته‌های مختلف و امروزی.

ما رفتگان این راه دراز هستیم چه خوب و چه بد، چه راضی و چه ناراضی حالا نمی شود دبه درآورد. ولی در سال های اخیر چند بار- از شما چه پنهان - داشتند پشیمانم می کردند، آن هم مواقعی بود که در اتاق ها و راهروهای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برخوردهای نابخته و تند بعضی آقایان را با ناشران می دیدم. میل داشتم بیایم و برنگردم. ناشر ناچار بود به لحاظ شرایط زمانی با دقت اثر را از نظر اجتماعی و اقتصادی ارزیابی نماید و با نویسنده یا مترجم مسائل را حل کند بعد هم با ویراستار، کار حروفچینی را زیر نظر داشته باشد و بعد در تهیه فیلم و زینک که هر کدام به تنهایی کاری است و بخصوص در این مرحله کلی ظریف کاری و دقت لازم می آید و بالاخره تهیه طرح جلد، تهیه مصالح که در این سال ها موضوع کاغذ و مقوا دیگر نیاز به توضیح ندارد. و سرآخر چاپ و صحافی. یعنی در جریان ساخت یک کتاب کلی برخورد با آدم های مختلف در شرایطی که باز تازه کار شروع می شود. کتاب وارد بازار می گردد و ارتباط با پخش‌هایی که فقط در تهران متمرکزند و در شهرستان ها هم دست دارند. حالا در این میان با ارشاد کنندگان هم مسأله داشته باشید و فرض هم بر آن باشد که مسائل قابل حل باشد اما با آرامش و دلسوزی ارشادت نکنند! ببینید دیگر چه حالی به آدم دست می دهد.

اصولاً فروش کتاب در شهرستان ها مشکلات بیشتری دارد. یکی از کارهایی که باید پیرامون آن در ایران - به مانند بسیاری از کشورهای دیگر - فکری کرد و آن هم فکر اساسی، موضوع پخش کتاب در سراسر مملکت است. طوری که شغل کتابفروشی در شهرهای کوچک هم بتواند اداره شود، نیازهای مردم را برطرف کند.

مردم ما بعد از تحولات اجتماعی سال های اخیر و جابجایی ها با انگیزه های گوناگون به شدت نیاز به مطالعه و تفکر دارند. نیاز به مسائل تربیتی و آشنایی های وسیع تر در ارتباط با امکانات شهری... گاهی وقت ها می بینیم که ما راه رفتن خودمان را مثل این که فراموش کرده ایم. پیاده شدن و سوار شدن اتومبیل، گفت و شنود با همدیگر و خیلی چیزهای دیگر میدان شهرداری رشت در بسیاری از ساعات روز و شب تماشایی است، شکی نیست که هر پدیده‌ای به خیلی عوامل دیگر مربوط است. خلاصه کلام اینکه، آشنایی با آداب زندگی امروزی آرامش می طلبد و امنیت خاطر می خواهد که در سایه اطلاع رسانی میسر است. کتاب و مطالعه می تواند یک گوشه کار را بگیرد.

کتاب های منتشر نشده نه تنها در زمینه هنر، بلکه در بسیاری از زمینه ها می تواند بالقوه موجود باشد. هر رشته برای خود جا و مقام خاصی را دارد و در مجموع مورد نیاز جامعه است. مثلاً امروز تب کامپیوتر دنیا را گرفته و توجه جوان ها را جلب کرده است. این گروه عظیم هم کتاب می خواهند، کتاب های مورد علاقه خودشان را هم می خواهند. در گیلان نویسندگان و پدیدآورندگان کتاب زیاد هستند، مراجعه روزانه این طور نشان می دهد. باید آثار جدید به گونه ای آماده شوند که قابل چاپ و مورد پذیرش خریداران کتاب باشند و نه تنها در گیلان بلکه در تمامی ایران قابل پخش باشد تا در انبارها گیر نکنند. کتاب های مناسب آماده برای چاپ، امروز سرمایه می برد و سرمایه هم اگر گردش نداشته باشد یعنی توزیع کتاب خوب نباشد کار نشر کند یا متوف می شود. یکی از راههای جلوگیری از توقف کتاب، معرفی کتاب های ارزنده ناشران گیلانی است از طریق مراکزی چون اداره کل ارشاد و بویژه صدا و سیما و امور اجتماعی استانداری و ادارات ذیربط. مرسوم است در مدارس و ادارات به مناسبت هایی از اشخاص تجلیل به عمل می آورند، در مواردی که نوبت به کتاب به عنوان هدیه می رسد - که کم می رسد- می توانند از کتاب های ناشران گیلانی هم استفاده نمایند که خود آغاز آشنایی است. از جمله محاسن این کار معرفی پدیدآورندگان گیلانی به مردم منطقه و نقد و بررسی آثار منتشر شده در جمع علاقه مندان به کتاب است.

با توجه به آمار جمعیت جوان و رقم مردم باسواد استان به نظر می رسد که برای بالا بردن سطح اطلاع عمومی و تخصصی جوانان، اختصاص دادن برنامه هایی از سوی صدا و سیما برای معرفی کتاب های روز کشور و ناشران گیلانی، از غریب ماندن کتاب در قفسه های کتابخانه ها جلوگیری می شود. چه مانعی دارد صدا و سیما به کتابفروشی ها برود و تازه ترین کتاب های رسیده از تهران را معرفی کند و مردم را در جریان کتاب های روز قرار دهد. ممکن است بگویند با این کار تبلیغاتی می شود برای کتابفروشی ها. آیا ترسمان از آن است که اگر مصرف کتاب و مطبوعات و ارقام فروش این کالا هم در کنار فروش مرغ و گوشت و نان و بعضی رقم های مصرفی بالای استان قرار گیرد - که هرگز قرار نمی گیرد - فروشندگان کالاهای فرهنگی ثروتمند بشوند. اگر کتابفروشی های معتبر و ثروتمند داشته باشیم ممکن است به انواع بنگاه دارها بربخورد. اگر کتابفروشان و ناشران رقمی از مصرف روزانه مردم را در اختیار داشته باشند جامعه ضرر خواهد کرد. در جوامع پیشرفته داد و ستد اطلاع رسانی یا بهتر بگوییم هزینه های مصرف روزانه را به خود اختصاص می دهد به همین دلیل است که شمارگان کتاب های آنها گاهی از چند صدهزار و چند میلیون تجاوز می کند و شمارگان کتاب های ما در جامعه شصت و چند میلیونی از ۲ تا ۳ هزار تجاوز نمی کند.

● مدیر انتشارات هدایت- رشت

شهنام آصفی

گفت‌وگو با علی شهسواری: شاعر، نویسنده تنکابنی

علی شهسواری از شاعران و نویسندگان جوان تنکابنی است. ساده و صمیمی می‌نویسد و به شعر سپید گرایش دارد. او تا به حال، دو مجموعه شعر منتشر کرده است. تأمل او در کتاب‌های ادبی و نقد ادبی، از دیگر خصوصیاتی است که در آثارش جریان دارد. «تنکابن» امروز، از دید او، شهری فرهنگی با مخاطبانی اهل کتاب و مطالعه است. به نظر این شاعر، مسؤولان فرهنگی باید بیش از پیش، فرهنگ و اهل فرهنگ تنکابن را جدی بگیرند و راههای گسترش فرهنگ و مطالعه را در این سامان، هموار سازند. آنچه می‌خوانید، محصول گفت‌وگویی با این شاعر و کتاب‌شناس جوان است.

چرا کتاب و ادبیات را انتخاب کردید؟

چون با این دو، احساس همزیستی دارم. از سال‌های کودکی تا به امروز، هر چه خواسته‌ام از کتاب یافته‌ام و البته معتقدم که این روند (مطالعه) باید ادامه داشته باشد.

در اهمیت و نقش کتاب در زندگی، خیلی‌ها سخن گفته‌اند. سخنانی در جای خود ارزشمند و قابل توجه. در حوزه ادبیات که من نوعاً بیشتر به آن توجه دارم، در سال‌های اخیر، آثار نسبتاً خوبی منتشر شده است که می‌تواند برای همه علاقه‌مندان قابل توجه باشد اما به دلایلی، این عده از مخاطبان نمی‌توانند از انتشار کتاب‌های مورد علاقه خود، اطلاع دقیق و به موقع پیدا کنند...

پیش از آنکه من بپرسم، شما باب سخن را در این زمینه باز کردید، اگر ممکن است، درباره اهمیت اطلاع‌رسانی در فرهنگ مکتوب توضیح بیشتری بدهید، بخصوص در شهرستان‌ها...

قطعاً اگر حرفی هم برای گفتن باقی مانده باشد، در جغرافیای فرهنگی شهرستان‌ها قابل طرح است زیرا در تهران، هیچگونه ضعفی از نظر اطلاع‌رسانی وجود ندارد.

دوستداران فرهنگ مکتوب همه جا هستند

یکسری روزنامه و مجله و رسانه شفاهی مرتب تبلیغ می‌کنند که فلان جا نمایشگاه کتاب است یا ناشری، فلان کتاب را منتشر کرده و الخ... و درجای خود این نوع اطلاع‌رسانی در مرکز، قابل بررسی است و در اکثر مواقع هم خوب جواب می‌دهد. شما حساب کنید اگر بخش اندکی از این اطلاع‌رسانی در شهرستان‌های ما متمرکز شود، چه اتفاقی می‌افتد. آن وقت دیگر کتابخانه‌های شهرستان نمی‌توانند درهای خود را بر کتاب‌های تازه ببندند و نقش خود را جدی نگیرند...

در این صورت، ممکن است مثل برخی از کشورهای خارجی، در سوپرمارکت‌ها هم شاهد فروش کتاب باشیم و...

بله. در شهرستان‌ها این ظرفیت واقعاً وجود دارد. طالبان فرهنگ مکتوب در یک نقطه متمرکز نیستند، اما باید این نکته را هم در نظر داشت که صرفاً انبوه‌سازی شهرستان‌ها از کتاب، مشکلی را حل نمی‌کند، حتی اگر با اطلاع‌رسانی اندکی هم توأم باشد. به اعتقاد من در شهرستان هم مثل مرکز، باید برای کتاب خوب تبلیغ کرد، اگر قبول کنیم که کتاب، کالایی فرهنگی است، حتماً می‌پذیریم که باید برای تبلیغ به موقع آن، هزینه‌ای صرف کنیم. در رسانه‌ای مثل صدا و سیما، برای انواع کالاها تبلیغ می‌شود و عده‌ای «تیزر» می‌سازند. این در حالی است که هیچ وقت ندیده‌ایم برای کتابی، آگهی پخش کنند، بجز در مواردی که ناشر، از سرمایه‌داران و مؤسسه‌های شناخته شده است و چاپ کتاب، کار اصلی‌اش نیست...

از «تنکابن» امروز بگویید، شهری با ویژگی‌های خاص خودش و...

شهر بدی نیست. اینجا هم مثل خیلی از جاهای دیگر، سفره فرهنگ گسترده است. اما گرد آوردن این سفره، بیهمتان اندکی وجود دارد، شاید به این دلیل که در تدارک این سفره و فراهم کردن امکانات برای حضور نسل امروز فرهنگ، غفلت و کوتاهی شده است. خود من چندی پیش کتاب شعر خودم را با عنوان «گرگ‌ها رستوران نمی‌روند» در کنار خیابان فروختم! از این جهت که مخاطبم را مستقیماً می‌دیدم، لذت می‌بردم اما باید پذیرفت که دغدغه فروش و توزیع و... آدم را از خلاقیت و مرحله آفرینش دور می‌کند. شما حسابش را بکنید. دیگر شاعران و نویسندگان جوان شهر هم مثل خودمن، با این گرفتاری مواجه هستند، با مثلاً سرمایه گذاری خود شاعر و نویسنده در چاپ اثرش که از آن حکایت هاست. روی هم رفته می‌توان گفت تنکابن، با پشتوانه عظیم فرهنگی‌اش نیازمند عنایت بیشتر مسؤولان و تصمیم گیرندگان فرهنگی است و هر چقدر این فاصله بیشتر باشد، استعدادهای آن، خطرپذیرتر می‌شود.

وضعیت نشر کتاب در شهر شما چگونه است؟

چند ناشر فعال در استان وجود دارد که برخی از آنها، هر از گاهی از ما تنکابنی‌ها هم سراغی می‌گیرند. البته طبیعی است که مشکلات امروز ناشران در هزینه‌های نسبتاً بالای چاپ، دشواری توزیع و... بر ارتباط آنها با جماعت شاعر و مؤلف، اثر منفی می‌گذارد و اگر ناشر، بخواهد در طول سال، ملأه اثر منتشر کند، این مشکلات، فرصت و جرأت کار را از او سلب می‌نمایند و او سالانه فقط همان چهار عنوان کتاب را منتشر می‌کند تا پروانه نشرش باطل نشود. در جایی مثل تهران، شانس توزیع کتاب بیشتر است اما در اینجا کار خیلی با وقفه به جلو می‌رود و گاه به ایستایی می‌رسد چون کتاب به موقع به دست مخاطبش نمی‌رسد و ناشر هم حق دارد به سرمایه‌اش فکر کند. البته منظور من، آن دسته از ناشرانی است که بیشتر هدف و نیت فرهنگی دارند وگرنه ناشرانی که از لحظه اول، در اندیشه دستیابی به سود باشند، اصولاً با پیش نمی‌گذارند. نه در تنکابن که در همه جای کشور، وضع همین است.

اما از یک نکته نباید به سرعت عبور کرد و آن توانمندی‌های نهفته در تنکابن است. کتابفروش‌های ما خود اهل قلم و نظر هستند، پس هر کتابی را نمی‌آورند و سعی می‌کنند با توجه به شناخت خود، آثار نسبتاً خواندنی را به مشتری‌های خود توصیه کنند. این اتفاق شاید در کمتر جایی بیفتد، به کرات دیده‌ام که کتابفروش، حکم کسی را دارد که کالای دیگری را می‌فروشد و بیش، فقط فروختن است اما در تنکابن، علاوه بر داد و ستد مالی میان مشتری و کتابفروش، داد و ستد فکری هم انجام می‌گیرد.

موضوع دیگر، درخشش آثار ادبی و فرهنگی مردم استان و اهل فرهنگ تنکابن در سطح کشور است. یک زمانی صفحات فرهنگی و شعر مطبوعات کشور، در تصرف این جماعت بود. حالا هم اگر این طور نباشد، لااقل هر چند روز یک بار، قطعه شعر و داستانی از یک اهل قلم شناخته شده این سامان یا جوانی که به تازگی وارد حیطه ادبیات شده، در گوشه و کنار روزنامه‌ها می‌بینیم و بعضاً با آثاری قوی مواجه می‌شویم. این موضوع، نشان می‌دهد که وجود مشکلات حرفه‌ای نمی‌تواند سد راه آدم‌های خلاق باشد، مهم این است که خسته نشویم و یا اصطلاحاً راه را از نیمه برنگردیم.

عبدالله عربی

دومین جشنواره رسانه و خبرنگاران برگزیده کتاب

از سفیران کتاب در رسانه ها

تولید ۴۰ هزار عنوان کتاب در سال

محمدعلی شعاعی معاون امور فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در مراسم دومین جشنواره رسانه و خبرنگاران برگزیده کتاب همزمان با آخرین روز از یازدهمین دوره هفته کتاب گفت: امیدواریم سال آینده سومین جشنواره رسانه و خبرنگاران برگزیده توسط انجمن خبرنگاران که در حال تأسیس است برگزار شود.

در این مراسم که با حضور احمد مسجدجامعی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و جمعی از دست اندرکاران مطبوعات در هتل لاله تهران برگزار شد، محمدعلی شعاعی معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی طی سخنانی به جایگاه رسانه و خبرنگاران در حوزه کتاب اشاره کرد و گفت: پدیدآورندگان کتاب همواره مطالبی را که درباره کتابشان در رسانه ها منتشر می شود دنبال می کنند و این نکته باعث ایجاد ارتباط خبرنگاران رسانه ها و پدیدآورندگان کتاب است.

همچنین این ارتباط باعث می شود تا پدیدآورندگان کتاب نسبت به چاپ مطالبی که در رسانه ها منتشر می شود، نوعی اعتماد به دست آورند و اثر خود را متناسب با نیازها و واکنش ها منتشر کنند.

معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به جریان سازی های سیاسی در دوره های مختلف گفت: آیا ما می توانیم جریان فرهنگی هم بسازیم؟ این سؤالی است که جوابی برای آن ندارم. اما می دانم یکی از نکاتی که می تواند بین جهان رسانه و دنیای نشر ارتباط برقرار کند و باعث شکوفایی اقتصاد دنیای نشر شود، ایجاد جریان های فرهنگی است که موجب توسعه کتابخوانی و مصرف کتاب می شود. این جریان سازی فرهنگی کاری است که از رسانه ها انتظار آن می رود.

شعاعی ضمن دعوت از خبرنگاران و متخصصان در امر رسانه به این نکته اشاره کرد که معاونت فرهنگی از هر پیشنهادی در جهت جریان سازی فرهنگی استقبال می کند. وی گفت: در حال حاضر تنها خبرنگاران بخش فرهنگی - هنری رسانه ها به امر کتاب می پردازند در حالی که کتاب علاوه بر جنبه فرهنگی دارای جنبه های سیاسی، اقتصادی، حقوقی و غیره است که می تواند با یک نگاه بین رشته ای یا چند روشی مواجه شود.

شعاعی پس از بیان این مطلب که در ایران مرحله تولید و پدیدآورندگی کتاب به دلایل سنتی بسیار قابل توجه است و با تولید ۴۰ هزار عنوان کتاب در سال توانسته ایم در ردیف هشتم تولیدکنندگان کتاب در سراسر جهان باشیم، افزود: اما در مراحل اطلاع رسانی، توزیع و نهایتاً در مصرف کتاب موفق نبوده ایم.

وی با طرح این سؤال که در سال های اخیر شاهد افزایش آمار تولید اخبار مربوط به کتاب بوده ایم ولی چرا افزایش مصرف کتاب نداشته ایم گفت: شاید مطرح شود که نظام توزیع خوب نیست و البته این درصدی از پاسخ است اما همه پاسخ نیست.

وی در ادامه اظهار داشت: من می خواهم وظیفه و رسالت رسانه را بار دیگر مطرح کنم، چرا که تولید انبوه کتاب و ماندن آن در انبارها به بخش خصوصی و دولتی فشار می آورد و موجب کند شدن چرخه ارتباط بین پدیدآورنده و مخاطب می شود که در اینجا می توان از رسانه کمک خواست.

۱۰۳ نشریه کتاب در ۲۵ سال

در ادامه این مراسم سیدفرید قاسمی پژوهشگر مطبوعات به دعوت ناگهانی مجری برنامه سهیل محمودی در جایگاه حاضر شد و دقایقی درباره خبرنگاران کتاب صحبت کرد. قاسمی گفت: تا بهمن سال ۱۳۵۷، ۳۵ نشریه کتاب در ایران منتشر شد و از بهمن ۱۳۵۷ تا نیمه سال ۱۳۷۶، ۵۱ نشریه کتاب منتشر شد و از آن تاریخ تا به امروز بدون احتساب نشریه های موسمی، نمایشگاهی و جشنواره ای ۵۲ نشریه کتاب متولد شده است. وی در ادامه گفت: تا شهریور امسال حدود ۱۲ هزار خبر، مقاله، گزارش و گفت وگو در «کتاب هفته» چاپ شده است و تا پایان سال این رقم به عدد ۲۰ هزار خواهد رسید که تقریباً بی سابقه است.

این پژوهشگر در ادامه صحبت هایش گفت: جمع عزیزی به نام خبرنگاران کتاب در حال شکل گیری است که این اتفاق حاصل تلاش در سال های اخیر است، چرا که قبلاً حرفه ای به نام خبرنگار کتاب نداشتیم و اگر

کار خلاقی را که در بخش کتاب وجود دارد، در هیچ بخش دیگر از زمینه های مطبوعاتی نمی توان یافت

کسانی هم بودند که نقد یا معرفی کتاب در مطبوعات انجام می دادند، این عمل کار سوم یا چهارم آنها بود و در همین جا باید گفت که ما در موقعیت مناسبی هستیم که باید با خودباوری و کوشش قدم های مؤثرتری را در این حوزه برداریم.

لذتی که از خبرنگاری کتاب می بریم

علی دهباشی به عنوان یکی از پیشکسوتان معرفی کتاب در مطبوعات دیگر سخنران مراسم جشنواره رسانه و خبرنگاران برگزیده کتاب بود.

دهباشی گفت: از آن سال های اول دبستان عشق به مطالعه کتاب آنچنان در من شور گرفت که سرنوشت آینده من را تا به امروز رقم زد.

همیشه اول سال تحصیلی سعی می کردم آخر از همه بروم تا بتوانم کتاب ها را سرکلاس بخوانم. حتماً شما هم تجربیات مشابهی را داشتید، مثلاً خرید کتاب قسطی. یادم نمی رود پیاده رفتن تا میدان مخبرالدوله و پرداخت قسط ماهی ۵ تومان به انتشارات نیل تا ۲۰ تومان شود و صاحب کتاب هشت جلدی برگ کاهی ژان کریستف شوم و اولین شوق هایی که با چند جلد کتاب، کتابخانه شخصی به وجود آوردیم.

دهباشی بعد از بیان این تجربیات و ذکر خاطرات گفت: همه اینها ما را از آن سوی کتاب به این سو کشاند و حقیقتاً آرزو می کنم ای کاش در آن سو بودم؛ آدم علاقه مندی که اگر یک روز جلوی دانشگاه نمی رفت خوابش نمی برد. به هر دلیل خودمان را جلوی دانشگاه تهران می رساندیم و داخل کتابفروشی ها پرسه می زدیم تا کتاب ارزان قیمتی را پیدا کنیم و بخریم و بعد به خانه برویم و عشقمان این بود که یکی از نویسندگان مورد علاقه یا مترجم مورد علاقه را در یکی از کتابفروشی ها ببینیم و این علاقه به کتاب است که ما را دور هم جمع کرد.

این نویسنده در ادامه صحبت هایش با مخاطب قرار دادن خبرنگاران کتاب گفت: شاید کار در حوزه کتاب به نسبت زمینه های دیگری که در عرصه کار مطبوعاتی وجود دارد کمترین ارج را داشته باشد. اما چه چیزی به رغم وجود ناملایمات این انگیزه را به وجود می آورد تا این طیف گسترده خبرنگاران در حوزه کتاب همچنان پیگیر باشند؟

دهباشی در جواب این سؤال گفت: من تصور می کنم کار خلاقی را که در بخش کتاب وجود دارد، در هیچ بخش دیگر از زمینه های مطبوعاتی نمی توان یافت. در این حوزه نویسنده نقد، خبرنگار یا مسؤول صفحه دنیایی را به روی مخاطب باز می کنند. این لذتی که خبرنگار و نویسنده در حوزه کتاب و یا معرفی کننده کتاب از کارشان می برند با هیچ کدام از لذت های دیگری که در عرصه های دیگر مطبوعات وجود دارد قابل مقایسه نیست.

دهباشی در پایان گفت: من امیدوارم ناشران ما که سوی دیگر برخورد ما با مسأله کتاب هستند، به این ارزش ها پی ببرند و به خبرنگاران کتاب، نویسندگان و منتقدان کتاب نگاه دیگری داشته باشند و فکر نکنند با دادن یک نسخه کتاب مسأله حل می شود و باید بدانند این آغاز راه است. همراهی ناشر با صفحات کتاب مطبوعات در درجه اول موجب رشد و اعتلای این صفحات و در نهایت موجب تغییراتی در فرهنگ کتابخوانی است.

در انتظار تأسیس انجمن خبرنگاران کتاب

در ادامه مراسم بیانیه هیأت داوران دومین جشنواره رسانه و خبرنگاران کتاب توسط داود صفایی دبیر جشنواره قرائت شد:

دومین جشنواره رسانه و خبرنگاران حوزه کتاب برپا شد و مثل دوره نخستین همچنان خبرنگاران در حال آزمون و خطا در گزینه ها و شیوه های اطلاع رسانی چندسویه در موضوع کتاب هستند.

گرچه آنچه که در این یکساله در قبال پدیده تولید، نشر و مطالعه کتاب در رسانه ها به تحریر درآمده است گویای گامی به جلو نسبت به سال نخستین است. با این همه هیأت داوران بسی امیدوار است که تا جشنواره بعدی آثار تولیدی در حوزه و عرصه های مختلف کتاب خود را با مؤلفه ها و نشانه های متعارف موضوعی و نیز فرم ها و ساختارهای حرفه ای تر روزنامه نویسی نزدیک تر کند و حتی پیشی گیرد.

نشانه های این حرکت و جهش، شکل گیری انجمن خبرنگاران کتاب است که دوران نهایی تأسیس قانونی خود را می گذراند و مشارکت آنان در انتخاب خبرنگاران این دوره، نمونه ای از انسجام و هویت یابی حرفه ای این گروه از خردورزان عرصه قلم است.

هیأت داوران فرصت را مغتنم شمرده و پیش از اعلام نتایج نهایی چند نکته را یادآور می شود.

الف) عمده آثار رسیده بیشتر به حوزه نویسندگان و مترجمان عنایت دارد و از دیگر حوزه های نشر و نوشته نظیر ویراستاری، مشکلات نشر و ناشران، رابطه ناشر و نهادهای دولتی و خادمان نشر و در زمینه های مختلف چاپ، تصویرگری، طراحی، مؤسسات پخش، کتابفروشان، کتابداران، کتابخانه ها و حتی خوانندگان کمتر حضور و بروز در آثار و نوشته ها دارد.

ب) در میان آثار رسیده، نقش ادبیات بسیار پررنگ تر از سایر حوزه ها و موضوعات مرتبط با کتاب است. گرچه بخشی از این توجه به دلیل قوت موضوعی ادبیات است اما بی تردید عدم آشنایی خبرنگاران با دیگر موضوعات مربوط به نشر کتاب در این غفلت بی تأثیر نیست.

در پایان این مراسم توسط آقایان مسجد جامعی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، محمد علی شعاعی معاون و محمد گلبن محقق و شاعر از برگزیدگان دومین جشنواره رسانه و خبرنگاران برگزیده کتاب براساس رأی هیأت داوران که اعضای آن اسدالله امرایی، فریدون صدیقی، داود صفایی، سیدفرید قاسمی، حسین قندی، محمد قراخانلو و سیدابوالحسن مختاباد بودند تقدیر به عمل آمد و جوایزی اهدا شد.

اسامی برگزیدگان در این جشنواره به شرح ذیل است:

علی دهباشی، سردبیر مجله بخارا به پاس سال ها تلاش در معرفی کتاب در مطبوعات

عبدالرضا رضایی نبا، مدیر گروه ادب و هنر شبکه رادیو فرهنگ به سبب توجه خاص به کتاب در برنامه های مختلف رادیو

سایر محمدی به دلیل تلاش مستمر در زمینه خبررسانی و گفت وگو و معرفی کتاب و ترویج فرهنگ کتابخوانی (روزنامه ایران)

در حوزه خبر، زهرا حاج محمدی به دلیل تلاش، پیگیری در تولید و نشر اخبار مربوط به حوزه کتاب (روزنامه حیات نو)

در حوزه گفت وگو، مجید یوسفی به دلیل گفت وگوهای عمقی چالشی و پرداخت و زاویه دید مناسب (روزنامه همبستگی)

در حوزه گزارش، مرتضی قدیمی به دلیل ارائه گزارش توصیفی و گیرا (هفته نامه چهلچراغ)

در حوزه نقد، سیدعلی محمد رفیعی به دلیل نقد جامع و موشکافانه علمی و روشمند (کتاب هفته)

در حوزه بررسی کتاب حسن محمودی به دلیل بررسی موجز و تأثیرگذار در زمینه آثار ادبیات داستانی (روزنامه همشهری)

در حوزه یادداشت، محسن فرجی به دلیل رعایت اصول یادداشت نویسی و نکته سنجی و پردازش موجز و تأثیرگذار (روزنامه انتخاب)

حمیدرضا مدقق گزارشگر کتاب در شبکه خبر سیما.

گلی مقیمه

گزارشی از انتشارات شادان

رمان‌های سریالی، توجیه اقتصادی

اینجایی که من نشسته‌ام و حرف می‌زنم، چیزی حواسم را پرت می‌کند. تمام مدتی که با بهمن رحیمی، مدیر انتشارات شادان حرف می‌زدم، حواسم به دنیایی به فاصله این سو و آن سوی اتاق بود.

این طرف بالای کتابخانه رادیو ترانزیستوری قدیمی (شاید مال پدربزرگ آقای رحیمی) و طرف دیگر لب تاپ آقای رحیمی از بقایای تکنولوژی مدرن. دنیای ارتباطی به وسعت همین اتاق، شاید هم کمتر! و کوچکتر و کوچکتر. اما دنبال این حرف را که بگیریم می‌رسیم به قصه نشر با همین تناقض‌ها در گذشته و امروزش. قصه‌ای که راوی در هر سرزمینی به لهجه‌ای روایت کرده است. از کتیبه‌های سنگی گرفته تا پوست و پاپیروس و... امروز هم کتاب‌های الکترونیکی که در ایران از آن خبری نیست، مثل خیالی از تکنولوژی‌های دیگر. بگذریم این قصه سر دراز دارد!

همین چاد در کتابخانه‌ای که رادیو ترانزیستوری خاک می‌خورد، کتابهایی را می‌بینم که هیچ‌یک را نخوانده‌ام یاسمین، بر بال باد، تکه‌های گمشده و... همه مهر انتشارات شادان خورده‌اند. بعضی از کتاب‌ها مثل یاسمین به چاپ چهاردهم، هم رسیده‌اند.

اگر بخواهیم بگوییم کتاب‌ها از کدام دسته هستند، می‌گوییم رمان، اما چگونه رمانی؟ رمان‌های عامه‌پسند. البته این نامی است که رحیمی بر آن می‌گذارد و موضوعات آن را عموماً خاطرات دور و یا مسائل و مشکلات روز می‌داند.

انتشارات شادان سال ۷۸ تأسیس شده است و مدیر آن از وضعیت نشرش در این پنج سال راضی است و معتقد است در زمینه کاری‌اش موفق بوده است.

مخاطب

مخاطبان کتاب‌های منتشرشده از سوی انتشارات شادان طیف سنی خاصی ندارند. رحیمی می‌گوید: «از دختر ۱۴ ساله گرفته تا خانم ۷۵ ساله ممکن است آن را بخوانند.» مدیر انتشارات شادان خوانندههای رمان‌هایش را بر اساس طیف فکری می‌شناسد نه از لحاظ سنی. جماعتی که به ادبیات ساده یا عامه‌پسند علاقه‌مند هستند.

«شادان قبلاً کتاب‌های خارجی را هم چاپ می‌کرده است اما الان به دلیل ساده‌خوانی و بی‌حوصلگی خواننده‌ها، کمتر کارهای ترجمه چاپ می‌شوند. این گروه از خوانندگان رمانی را دوست دارند که اگر در اواسط کار چند صفحه‌ای از آن را از سر بی‌حوصلگی رد کردند، داستان کتاب از دستشان خارج نشود و دیگر اینکه لازم نباشد یک جمله را دو بار بخوانند یا روی آن فکر کنند، در حقیقت رمان‌های سریالی.»

انجمن «رمان‌خوان‌های کوچک» که دو سالی از تأسیس آن می‌گذرد ۲۰۰۰ عضو دارد و یکی از راههای تبلیغاتی این انتشارات است. و تبلیغات دیگر: فرستادن هدایا. کاتالوگ‌های تبلیغاتی و پیام‌های کوتاه برای اعضای انجمن که باعث شود آنها در دسته خوانندگانش بمانند.

نشر یا صنعتی کلخانه‌ای

از پنج- شش دست‌نوشته‌ای که هفتگی به دفتر شادان می‌رسد کارهایی انتخاب می‌شوند که پیش‌بینی شود فروشش خوب خواهد بود و دیگر اینکه جزو داستان عامه‌پسند باشند. رحیمی می‌گوید: «نشر یک صنعت کلخانه‌ای نیست، من برای نشرم توجیه اقتصادی دارم. صنعت نشر ایران با توجه به تمام تزریقات از جمله سوبسید و خرید کتاب توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صنعت مرده‌ای است. کسانی می‌توانند دوام بیاورند که خط کاری مشخصی داشته باشند. در عین حال این صنعت، تجارت محسوب نمی‌شود.»

صادرات

کتاب‌های نشر شادان از طریق واسطه به اروپا و بیشتر آمریکا صادر می‌شوند و آنجا طرفدارانی هم دارند. بهمن رحیمی می‌گوید: «اگر به طور مستقیم با کشورها وارد معامله شویم توانایی گرفتن وجوهش را نداریم.»

به کشورهای همسایه چطور؟

خیر. رمان‌های ما در کشورهایی مثل ترکیه و امارات و... فروش چندانی ندارند. این طور به نظر می‌رسد که قشر تحصیل کرده و کتابخوان مهاجر ایران به آمریکا رفته‌اند تا کشورهای همسایه.»

حق مالکیت مادی و معنوی

از آنجایی که ایران پیرو قانون «حق مالکیت» نیست فکر نمی‌کردم ناشری شخصاً از این قانون پیروی کند. اما جالب اینکه بهمن رحیمی برای ترجمه آثار «جوی فیلدینگ»، رمان‌نویس کانادایی، حق مالکیت پرداخت کرده است!

چرا؟

به دلیل علاقه شخصی و هم اینکه از لحاظ شرعی مشکل ندانسته باشد.

ممیزی

از انقلاب فرهنگی به بعد فقط در مورد کتاب‌های کودکان اجازه ممیزی است. اما مدیر انتشارات شادان دل پرگله‌ای دارد. بابت گرفتن مجوز نشر ما تا پانزده ماه هم گرفتار بوده‌ایم. نظارت تا حدودی مذهبی است و البته سلیقه‌ای. خیلی حرف‌ها و اعمال نباید گفته شود در صورتی که در عالم واقع اتفاق می‌افتد.»

ناشر حرفه‌ای

مسلماً هر ناشری کتاب‌هایی را که چاپ می‌کند می‌خواند، اما اینکه با چه حسی می‌خواند برای دیگران جالب است «خودم خواننده کتاب‌هایم هستم اما نه به دلیل علاقه! چون فرایند کار را می‌دانم بیشتر به جنبه‌های تکنیکی کار فکر می‌کنم. کمتر از رمان خواندن لذت می‌برم یعنی لذتی را که قبل می‌بردم، نمی‌برم.»

معرفی و فروش کتاب‌ها

شادان در شهرهای اصفهان، شیراز، تبریز و اهواز نمایندگی دارد و از طریق این نمایندگی‌ها کتاب‌ها را در شهرهای دیگر هم توزیع می‌کند: «در ماه یک بار فروش فوق‌العاده‌ای در فروشگاه انتشارات شادان برگزار می‌شود که کتاب‌ها با ۲۰ تا ۳۰ درصد تخفیف فروخته می‌شوند. از لحاظ پایگاه اینترنتی هم سایت شادان به نشانی www.shadan-pub.com به معرفی و فروش کتاب‌هامی‌پردازد. البته به عنوان یک کار اقتصادی نیست و بیشتر جنبه تبلیغاتی دارد.

به کاتالوگ‌های روی میز نگاه می‌کنم: «ناشر رمان‌های برگزیده سال» و به سؤال مدیر انتشارات جواب می‌دهم که می‌گوید شما کتاب‌های ما را خوانده‌اید؟

-خیر

- اصلاً، اهل رمان هستید؟

بله، اما کتاب‌هایی را نمی‌خوانم که همین طوری ورق بزنم.

از دفتر انتشارات که بیرون می‌آمدم همه چیز به نظرم بزرگ‌تر از حد معمول می‌رسید، اینجا همه چیز بزرگ است، انگار همین الان رنگ خورده باشد.

به یاد حرف‌های کتابفروش سر قلهک افتادم که می‌گفت: «این رمان‌ها فقط به درد خانم‌هایی می‌خورد که توی خانه نشسته‌اند. فروش زیادی نداریم فقط برای اینکه جسمان جور باشد، آورده‌ایم!»

با خودم زمزمه می‌کنم: رمان‌های سریالی.

مریم کیانی

در نخستین جشنواره نهادهای پژوهش ادبی عنوان شد:

پژوهش ادبی ،آغاز پیدا و پایان ناپیدا

نهاد پژوهشی برگزیده حوزه ادبیات فارسی کشور و پژوهشگر برتر این حوزه در نخستین جشنواره «نهادهای پژوهش ادبی» معرفی شدند.

در این برنامه مصطفی موسوی گرمارودی، دبیر علمی این جشنواره به ارائه گزارشی از نحوه برگزاری جشنواره، بررسی آثار و معرفی برگزیدگان پرداخت.

وی پژوهش را کاری سخت و دشوار دانست و گفت: اگر آغاز پژوهش پیدا و روشن است، فرجام آن ناپیداست. از این رو بسیار کم هستند کسانی که یافته‌ها را دقیق و درست می‌شناسند و به پاسداری و پایداری آن می‌کوشند.

موسوی گرمارودی در ادامه، فراهم کردن ساز و کارها و رهنمودهایی را که با آنها بتوان ایرانی باقی ماند از مهمترین رسالت‌ها عنوان کرد و افزود: اگر چنین نباشد، دیر یا زود زبان زنده و زیبای فارسی در سطوح گسترده ارتباطات از جامعه‌های پایداری تهیه خواهد شد و کاربرد زبان و ادب در فرهنگ عامه به سوی ابتذال و ناهنجاری سوق خواهد یافت.

دبیر نخستین جشنواره نهادهای پژوهش ادبی با تأکید بر اینکه زبان، ادب و فرهنگ ایران بیش از هر چیز برای زنده ماندن به پژوهش‌های کاربردی نیاز دارد، خاطرنشان کرد: به هیچ وجه بر سر انکار تلاش‌ها و دستاوردهای بسیاری که در پژوهش‌های بنیادین ادب فارسی صورت گرفته نیستیم. بی‌تردید بدون پژوهش‌های بنیادین، هرگز به پژوهش‌های کاربردی نخواهیم رسید، اما زمان سریع‌تر از برق و باد می‌گذرد.

وی در ادامه دلیل برگزاری نخستین جشنواره نهادهای پژوهش ادبی را گامی برای گذر از پژوهش‌های بنیادین به پژوهش‌های کاربردی برشمرد و افزود: هماهنگی در انتخاب پروژه‌های پژوهشی کشور و ایجاد توجه بیشتر اهل ادب به این مباحث از دیگر دلایل برگزاری این جشنواره است.

امیرفاضل اللهیان: اگر زبان فارسی را فراگیر تکنیم زبانی دیگر چیره می‌کشاید

اگر زبان و ادب فارسی را به سوی زبان و ادبی فراگیر نکشانیم، دیر یا زود زبانی دیگر برای مفاهمه جمعی چهره می‌کشاید که مقدمات آن در بسیاری از رایانه‌های خانگی خودنمایی می‌کند.

امیرفاضل اللهیان، رئیس ستاد برگزاری هفته پژوهش، در این جلسه اصلی‌ترین عنصر دستیابی به دانش و توانایی برای تحقق توسعه پایدار ملی را «پژوهش» عنوان کرد و گفت: پژوهش، یگانه عاملی است که بدون آن هیچ سیاست و برنامه‌ای نمی‌تواند خود را خالی از خلل قلمداد کند.

وی در بخش دیگری از سخنان خود اظهار کرد: اگر بپذیریم جهانی شدن هر قوم و ملتی به معنای حقیقی آن، مستلزم دانش و توانایی است و این هر دو در گرو اعتلا و گسترش فرهنگی است که بتواند عقول و عواطف را به سوی هماهنگی رهنمود شود، بی‌تردید فرهنگ پویا و دیرپای ایران به راحتی می‌تواند بار چنین رسالت عظیمی را بر دوش خود حمل کند، به شرط آنکه ادبیات خود را با تلاش پیگیر و به کارگیری استعدادهای خستگی‌ناپذیر به چنان نیرویی تبدیل کنیم که بتواند پاسخگوی نیاز جامعه به مفاهمه هر چه بیشتر در داخل و گفتمان هرچه دلپذیرتر در خارج شود.

اللهیان تحقق این امر را در گروه یافتن راهکارهای مناسب از طریق تحقیق و تخصص دانست و گفت: باید همگام با حفظ زبان، ادب و فرهنگ فارسی در برابر هجوم یک سویه فرهنگی، قدرت و کشش لازم را برای بهره‌گیری از یافته‌های دقیق و درست دیگر ملل به دست آوریم.

رئیس ستاد برگزاری هفته پژوهش در پایان ابراز امیدواری کرد پژوهشگران حوزه زبان و ادب فارسی با تلاش و فراست، پژوهش در این وادی را به سوی پژوهش‌های کاربردی متمایل کنند.

علی اشرف صادقی: بیشترین تحقیقات ادبی درباره دیوان حافظ و شاهنامه است

دکتر علی اشرف صادقی پژوهشگر و عضو

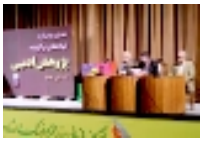

فرهنگستان زبان و ادب فارسی نیز در این جشنواره، با بیان اینکه بیشترین تحقیقات ادبی ما درباره حافظ و شاهنامه است، تأکید کرد: با این وجود در حال حاضر هنوز یک متن نهایی از مجموعه اشعار حافظ شیرازی نداریم. در چنین شرایطی چگونه می‌توانیم ادعا کنیم تحلیلی ادبی از دیوان حافظ داریم؟

وی با اشاره به اینکه استادان و پژوهشگران ایرانی به اندازه استادان غربی فراغت ذهنی و مادی ندارند، افزود: طبیعی است که باید در این مورد توقعاتمان را کم کنیم و متناسب با امکانات خود از پژوهشگران انتظار داشته باشیم، ولی اگر متناسب با همین شرایط نیز فعالیتی صورت نگیرد، جای گله باقی است.

دکتر صادقی همچنین به بررسی روش تصحیح متون، تحلیل ادبی و تحقیق در زبان‌های باستانی ایران پرداخت و گفت: ما در تحلیل ادبی نیز مانند تصحیح متون، در ابتدای راه هستیم. بسیاری از تحلیل‌های ما متکی بر چاپ‌های انتقادی از متون نیستند و بخش بسیاری از تصحیح‌ها نیز با بررسی دقیق نسخه‌ها و تدوین نسخه بدل‌نامه شکل نمی‌گیرد.

عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی تحقیقات زبانی در ایران را تحقیقی در دستور زبان، واژگان، تاریخ زبان، زبان‌های دیگر ایرانی و گویش‌های محلی برشمرد و اظهار کرد: مثلاً مقالات علمی ما درباره دستور زبان فارسی بیش از صد مقاله نیست از این رو باید تلاش کنیم کمبودهای خود را در هر یک از این زمینه‌ها جبران کنیم.

محمدسمیعی: زبان فارسی در عصر دیجیتال کاربرد ندارد

پس از آن محمد سمیعی، رئیس پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات اعلام کرد: تعداد کل واژه‌های ثبت شده زبان فارسی معادل تعداد واژگانی است که در طول پنج ماه در زبان انگلیسی ضرب می‌شود.

سمیعی با بیان این مطلب گفت: در حال حاضر یک میلیون واژه ثبت شده در زبان انگلیسی داریم که ماهانه حدود ۱۳ هزار واژه در سطح جهان به آن اضافه می‌شود.

این در حالی است که در زبان فارسی، بیش از شصت هزار واژه ثبت شده نداریم. در واقع این تعداد معادل پنج ماه زایش زبان انگلیسی است.

وی با تأکید بر اینکه ساختار زبان فارسی در دنیای اطلاعات و عصر دیجیتالی شدن، کاربردی ندارد، بر لزوم پژوهش و تولید در این عرصه تأکید کرد و گفت: اگر این میدان را از دست دهیم، در آینده زبانی به نام زبان فارسی نخواهد بود.

رئیس پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات فرایند جهانی شدن را تهدیدی برای هویت ملت‌ها دانست و اظهار کرد: در چنین شرایطی، باید فرهنگ و ادبیات را پاس بداریم و فراموش نکنیم آنچه بیش از گذشته ضرورت پژوهش‌های ادبی را نمایان می‌کند، قرار گرفتن ما در دنیای انفجار اطلاعات و دانش است.

در ادامه این مراسم هیأت علمی نخستین جشنواره نهادهای پژوهش ادبی به اتفاق آراء حسن انوشه را به عنوان پژوهشگر برگزیده در حوزه ادب فارسی و مؤسسه فرهنگ‌نگاری سخن به ریاست دکتر حسن انوری را به عنوان نهاد پژوهشی برگزیده معرفی کردند.

گفتنی است دکتر علی موسوی گرمارودی و خسرو احتشامی نیز در این نشست شعرخوانی کردند و گزارشی از مقالات دکتر عبدالله ناصح و دکتر جاوید نیز ارائه شد.

شیوه های به تور کشاندن مخاطبان

از مهمترین ابزارهای شما به عنوان یک نویسنده محفوظات لغوی و تسلط شما بر دستور زبان نیست، بلکه آنچه مهم است توانایی در مهارت شما در تحت تأثیر قرار دادن مخاطب است. ترکیب قابل توجه و بی‌نظیری از توصیفات، شخصیت پردازی و سبک به شما این امکان را می‌دهد تا از طریق حروف و کلمات چاپ شده با خواننده ارتباط برقرار کنید. دست‌نوشته بدون داشتن مهارت و ایده‌های لازم می‌تواند، طرح مهیج، شخصیت جالب و خاتمه شگفت‌انگیزی داشته باشد ولی ممکن نیست چاپ و منتشر شود. مهارت و توانایی نویسنده چیزی است که خواننده را فرا می‌خواند تا با کتاب درگیر شود و در گوشش زمزمه می‌کند: «من آماده‌ام داستانی را برای تو نقل کنم».

ناشران همواره به دنبال ایده‌ها و مهارت‌های جدید هستند. هنوز هم بسیاری از ناشران وقتی تحت فشار قرار می‌گیرند به سختی می‌توانند به طور دقیق مهارت‌ها نویسندگان ماهر را انتخاب کنند. به همین دلیل است که مهارت نویسندگی چیزی نیست که قابل یاد دادن باشد بلکه چیزی است که می‌تواند از طریق تمرین و تجربه به دست آید. ایده و مهارت شما آنجاست، در بین نوشته‌هایتان، نوشته شما می‌تواند با ایده‌هایی از آنچه که در ذهن شما است پوشیده شود.

بسیاری از تازه‌کارها تلاش بسیاری می‌کنند تا شبیه به یک نویسنده به نظر برسند. در فرهنگ لغات دقت می‌کنند و به دنبال آن هستند که لغات مشکل و فانتزی را جایگزین لغات عادی و عامیانه کنند. جملات پیچیده‌ای خلق می‌کنند مملو از توصیفاتی حاوی صنایع بدیعی و فراموش کرده‌اند که هدفشان برقراری ارتباط با کودکان است و به جای آن عاشق و خواستار شیوه و راهی هستند که جملات و کلماتشان بر روی صفحه تجلی کند.

مهم، کلمات پیچیده و مشکل نیست، بلکه مهم شیوه‌ای است که کلمات در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. ماهیت داستان، باید واقعی به نظر برسد و بیشتر اوقات از طریق کنار زدن لایه‌ها در هر تجدید نظر و چاپ جدید ایجاد می‌شود تا آنجا که به عمق مطلبی که نویسنده می‌خواهد به خواننده انتقال دهد برسد. با همان شیوه‌ای که صحبت می‌کنید، بنویسید، مهارت صحبت کردن، شما را به سوی مهارت نویسندگی، راهنمایی می‌کند.

پاتریشیا مک لاکلن به وضوح دارای مهارت‌های نویسندگی است توصیفات وی شامل کلمات عامیانه‌ای است که به صورتی به یکدیگر متصل شده‌اند که به خواننده اجازه می‌دهد تا به درون ذهن شخصیت داستان نفوذ کرده و آنچه را که او می‌بیند، ببیند. احساس خواننده آنچنان است، گویی که خود وی در فضای داستان است. همچنان‌که در داستان انتخاب شده از آرتور، برای اولین بار مشاهده می‌شود: داستان زندگی و خانه‌اش را به صورتی کتابی درآورده بود و عمو ویربزیبی و عمه الدا شخصیت‌های آن بودند. از زمانی که آرتور قدم به در ورودی خانه آنها گذاشت، تبدیل به یک شخصیت جدید شد که مشتاقانه اسیر داستان زندگی عمو و عمه‌اش شده بود. او، شیشه‌های رنگی قدیمی، راهروهای طویل و راه‌پله‌های فرسوده و نور خورشیدی که از بالا می‌تابید را یادداشت کرده، به حافظه سپرد و در ذهنش ذخیره کرده بود.

در هنگام نوشتن داستان از دید اول شخص، باید ایده‌ها و ذهنیات شخصیت اصلی داستان را بپذیرید. آنچه را که به عنوان یک فرد بالغ از آن آگاهی دارید فراموش کنید، محفوظات لغوی و طریقه و ساختار جمله‌های شخصی خود را ترک کنید.

شما دیگر به عنوان یک شخص وجود ندارید.

انگار قبلاً هیچ چیز را روی زمین ندیده‌ایم. من، فرد و سَم جلو یک جنگل مملو از درختان عجیب و غریب، سرخس‌های غول پیکر و عظیم‌الجثه، یک پرتگاه صخره‌ای در پشت سرمان و اثرانی از دود آتشفشان در جلویمان ایستاده بودیم.

در ابتدا متوجه هیچ‌یک از آنها نشده بودیم. اولین چیزی که متوجه آن شدیم این بود که یکدیگر را گرداگرد هم به صورت برهنه یافتیم.

مهارت و ایده‌های شما، می‌تواند با توجه به شخصیت اصلی و نوع داستانی که می‌نویسید، تغییر کند. ولی در هر صورت، ضروری است که اطلاعات و جزئیات دقیقی را که سبب بی‌نظیر یا غیر عادی ساختن شخصیت و یا تجربه‌ای می‌شود، یادداشت کنید. این جزئیات با آنکه معمولاً ساده و به ظاهر عامیانه هستند، داستان را واقعی می‌سازند.

در کتاب ، زمان جوانی‌ام در کوهستان، رویدادها و وقایع خاصی از زمان کودکی‌اش به یادآورده می‌شود. توصیفات به گونه‌ای است که انگار داستان از زبان یک کودک نقل شده است.

در زمان جوانی‌ام در کوهستان، به صدای آواز قورباغه‌ها در گرگ و میش گوش می‌دادیم و با صدای زنگوله گاوها از خواب بیدار می‌شدیم. گاهی یک مار سیاه به حیاطمان می‌آمد و مادربزرگم آن را با بیل می‌ترساند و اگر حیاط را ترک نمی‌کرد، آن را با بیل می‌کشت. یک بار، چهار نفری یک مار طویل مرده را به دور گردنمان انداختیم و عکس گرفتیم.

ارکان کتاب، اعم از طرح، شخصیت‌ها، محیط و توصیفات همگی حائز اهمیت هستند ولی به تنهایی قادر به ساختن ساختار جالب و توانایی نیستند.

مهارت و توانایی نویسنده، کتاب را چیزی بیشتر از کلمات نقش‌بسته بر روی صفحه ساخته، آن را تبدیل به یک داستان می‌کند. این مهارت نویسنده است که به درون کتاب، حیات می‌دهد و به آن روح می‌بخشد.

واژه ها چگونه به داستان های کودکان جان می دهند؟

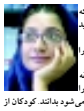

واقعاً می‌شود این طور فکر کرد که چون برای بچه‌ها می‌نویسیم کار را باید سریع به پایان برسانیم:

کودکان آنقدر یاهوشند که ما را شگفت‌زده می‌کنند.

کوچولوها، اندازه دکمه‌های یقه درخشانند! آنها می‌خواهند همه چیز را درباره مسائلی که درباره آن صحبت می‌شود بدانند. کودکان از اینکه مورد دلسوزی قرار بگیرند متنفرند. نیروی ذهنی مشوش آنها گسترش زیادی پیدا کرده؛ خیلی بیشتر از آنچه بزرگترها فکرش را بکنند. در حقیقت آنها از بزرگترهایی که آنها را نصیحت می‌کنند باهوش‌ترند.

کودکان عاشق درگیری‌های شورانگیز و کلمات مشکل هستند. آنها قافیه، ریتم و تکرار را دوست دارند و هیجان یک داستان جذاب و واقعی را می‌پسندند، چون آنها جوانند. البته کودکان یک دوره رقابتی کوتاه و سخت با هم دارند که ما باید آن را به حساب بیاوریم. اگرچه آنها یاهوش هستند و اعتماد به نفس زیادی دارند ولی حتماً به قوت قلبی دائمی نیاز دارند تا در این دنیای آشفته در آرامش باشند.

دو نمونه

اینجا بعضی چیزهایی را که بچه‌ها را به ذوق می‌آورد و ما ممکن است در داستان‌هایمان از آنها استفاده کنیم می‌خوانیم:

سر و صدا و خنده، ترس و احساس ، غذا و دوستان، اسباب‌بازی و حیوانات، احساس امنیت کردن و مورد قبول بودن، پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها، خیال‌ها و قشنگی‌ها.

در یک فهرست دیگر ما چیزهایی را که بچه‌ها به آن حس دوگانه‌ای دارند جمع کردیم:

پدر و مادر، خواهر و برادر، مدرسه، کودکان بزرگتر، به رختخواب رفتن، تاریکی، به محله‌ای جدید رفتن، آموختن مهارت‌های جدید، قبول نکردن و بعد از آن بی‌خیال و مات نگاه کردن، احساس تنهایی.

نکات ویژه‌ای که باید یادمان بماند

حالا که طبیعت کودکان را می‌فهمیم، چه چیزی باعث علاقه کودکان می‌شود و چرا ما می‌خواهیم برای آنها بنویسیم (حالا که به یک عقیده و نظر عالی دست پیدا کردیم) تصورات عملی نوشتن نیاز به ادراکی روشن دارد؛ مانند تعداد صفحاتی که مورد نیاز است و اینکه چطور با یک هنرمند کار کنیم.

منظور از فرایند چاپ این است که یک کتاب تصویری همیشه ۳۲ صفحه است و بسیاری از صفحات آن تصویر است. بنابراین ما باید عناوین غیرقابل استفاده را برای اینکه داستانمان را در کمتر از ۶۰۰ کلمه بنویسیم، حذف کنیم در داستان جای زیادی برای عناوین اضافی وجود ندارد. کودکان کوچک اغلب به عکس‌ها نگاه می‌کنند و می‌گویند: «صفحه بعد! صفحه بعد!» به سادگی می‌توان گفت که وقت زیادی برای خواندن عناوین متعدد روی یک صفحه نیست.

این مهم است که ما تصویرها را در مغزمان نگه داریم. نباید هر چیزی را در قالب کلمات بگوییم. تصاویر ممکن است به اندازه نصف داستان را برای ما بگویند. معنی‌اش این است که بیشتر آن وزن و آهنگ است. حتماً در نظر داشته باشیم که طرح داستان به تنهایی می‌تواند حاوی نکات برجسته‌ای باشد. نیاز نداریم هر چیزی را که می‌تواند در تصاویر دیده شود بنویسیم. تصویرگرها دوست دارند فضاهای سفید کتاب ما را پر کنند. اجازه بدهیم که آنها کار خودشان را انجام بدهند.

برای اینکه مقدار زیادی از موفقیت داستان ما بستگی به کار آنها دارد برای نمونه یک داستان درباره «رغ»ها: سخت است که حرف‌هایمان را در چهره مرغ‌ها نشان بدهیم و بین آنها فرق بگذاریم.

وظیفه ناشر است که تصویرگر را انتخاب کند و با او کار کند و کارها را هماهنگ کند. به نویسنده ربطی ندارد که در موضوعات تصویری دخالت کند و اصلاً مهم نیست که تا چه اندازه از تصاویری را که نویسنده آرزو دارد، تصویرگر اعمال کند. برای هر کدام از اینها (نویسنده و تصویرگر) باید فضای حرفه‌ای مناسب و احترام لازم را قائل شویم. تصور کنید که چه احساسی به ما دست خواهد داد اگر تصویرگران به ما بگویند چگونه بنویسیم.

نیاز به شخصیت های عالی

یک کتاب داستان برخلاف یک کتاب که صرفاً ریتم و آهنگ دارد و همیشه خسته‌کننده است، شخصیت‌های ترسیم‌شده‌ای دارد که در طول داستان بالا و پایین می‌روند و در نهایت با زحمت پیروز می‌شوند و در دل خواننده و شنونده، راهی باز می‌کنند. اگر خوانندگان و شنوندگان به شخصیت‌های اصلی داستان اهمیت ندهند و نتوانند به آنها تکیه کنند، داستان شکست خواهد خورد.

درگیری های شورانگیز

در شروع یک داستان ما احتیاج داریم تا جایی که ممکن است روراست باشیم. این خیلی متداول است که ما اشتباهات را غیر مستقیم بگوییم. ما باید سعی کنیم در یکی-دو جمله اول بگوییم چه کسی، چه وقت و کجا؛ و بعد درگیری‌های داستان را بیان کنیم. ما باید دردسرها و مشکلات را در طول داستان برطرف کنیم طوری که در پایان انگار مشکلی وجود نداشته است. بدون دردسرهای شورانگیز طرحی وجود ندارد. فقط آنها هستند که جذابیت دارند.

برای مثال، اگر شخصیت اصلی داستان در رسیدن به هدفش هیچ‌گاه توقف نکند، آن داستان خیلی خسته‌کننده است. اگر بچه‌ای مادرش را گم می‌کند و تلاش می‌کند که او را پیدا کند، بهتر است که مشکلات زیادی را سر راه او قرار بدهیم تا نتواند مادرش را پیدا کند و این کار را تا پایان داستان ادامه بدهیم ما به کمی هیجان در مورد شخصیت‌های اصلی داستان نیاز داریم.

داستان را نمایش بدهید، فقط تعریف نکنید

یک مثال مشهور به نویسنده‌ها می‌گوید: «نشان بده، نگو!» ما می‌توانیم به جای توصیف، تشریح، تعریف و ... آن چیزی را که اتفاق می‌افتد نمایش بدهیم، طوری که افراد حوادث را چه در اعمال و چه در صحبت‌های شخصیت‌های داستان حس کنند. می‌توانیم روده‌درازی‌هایمان را کم کنیم.

برای مثال، ما نمی‌گوییم: «گرانی» یک زن شجاع و خودسر بود. در خانه نامرتب و بیشتر اوقات حواس پرت بود اما وقتی به گردش می‌رفت طور دیگری بود.» به جای این جملات می‌شود نامرتبی او را با کشیدن تصویری از او نشان بدهیم و همین طور حواس پرتی‌اش را و اینکه چطور و کی حواس پرت است.

توجه به دورنمای موضوع

بعد از دردسرهای هیجان‌انگیز و رفتارها نباید موضوع را فراموش کنیم یک کتاب بدون موضوع، بی‌روح است. مطمئن شوید که حوادث هیجان دارند. در نهایت برای اینکه مطمئن شویم چیزی داریم که واقعاً ارزش گفتن دارد، می‌توانیم با پرسیدن اینکه «آیا این داستان است یا برای همیشه باقی می‌ماند؟» خودمان را بسنجیم.

بلندخواندن ضروری است

وقتی می‌نویسیم، باید دائماً آن را بلند بخوانیم که چه چیزی را می‌خواهیم در هر پاراگراف، جمله و ستون بنویسیم. تا وقتی که یک کتاب را به پایان می‌بریم، بلند خواندن را فراموش نکنیم. ما احتیاج داریم ذهن هر شیئه‌ای را نسبت به اینکه در داستان ما بهترین کلمات در بهترین جاها آورده شده‌اند و آهنگ داستان کامل است، اشغال کنیم.

به این دلیل عاقلانه است که برای ریتم (آهنگ) داستان در خطوط ابتدایی و پایانی وقت بیشتری از بقیه داستان صرف شود، چراکه این دو جا خیلی مهم هستند: جملات ابتدایی ذهن خوانندگان و شنوندگان را درگیر می‌کند و همین طور نگه می‌دارد و آخر داستان حس ماندگاری در خواننده ایجاد می‌کند.

ریتم ،بیشترین جذابیت را دارد

ریتم چارچوبی است که اغلب نویسندگان تازه‌کار در مورد آن اشتباه می‌کنند و حتی نویسندگانی که باتجربه شده‌اند. ریتم یک زخم ملتهب در پیش‌نویس‌های ناتمام است و در مجموع باید التیام پیدا کند. نویسندگان آماتور اعتقاد دارند که ریتم داستان‌ها اغلب می‌تواند درست باشد ولی اکثراً کافی نیست. فقط بلند خواندن می‌تواند اشتباهات ریتم را رو کند.

جسارت را بالا ببرید

ما نباید در پیش‌نویس‌هایمان آن‌قدر کند باشیم که نشان دهد دلسرد هستیم و البته عجله نکنیم برای اینکه زود تمام شود. یک کتاب تصویری ۵۰۰ کلمه‌ای ممکن است دو سال یا بیشتر هم طول بکشد تا تمام شود و ممکن است بیش از ۲۰ پیش‌نویس داشته باشد. اغلب مشکلات حتی مشکلات ریتمی بالاخره با انتخاب کلمات مختلف «اینجا و آنجا» حل شده‌اند. «گوستاو فلوبر» گفته است: «داستان با انتخاب کلمه جان می‌گیرد.»

تعلیم دیدن از یک استاد

جورج اورول یک فهرست راهبردی مفید برای وقتی که ما گرفتار کلمات شده‌ایم و یا غرق در گرداب ادبی هستیم، دارد. او می‌گوید هر نویسنده وسواسی در پایان هر جمله‌ای را که می‌نویسد چهار سؤال از خودش می‌پرسد:

- سعی می‌کنم چه چیزی را بگویم؟
- چه کلماتی می‌تواند آن را بهتر شرح دهد؟
- چه تصویر یا زبان ویژه‌ای آن را واضحتر می‌کند؟
- این «حرفه» آنقدر نو هست که تأثیری داشته باشد؟

و اورول احتمالاً دو سؤال دیگر هم از خودش می‌پرسد:

آیا می‌توانم آن را ساده‌تر کنم؟

چیزی نگفته‌ام که زشت باشد؟

یاد بگیریم که چطور قانع نباشیم

مهمترین ارزش در نویسنده‌ها این است که از چیزی که نوشته‌اند ناراضی باشند. ناراضیتی، ضرورتاً موجب پریشانی می‌شود که عاقبت ما را به سمت دست‌نوشته‌ها برمی‌گرداند تا دوباره کارمان را دستکاری کنیم تا کامل شود. نویسنده‌هایی که حرفه‌ای نیستند، راضی‌ترین نویسندگان هستند. آنها نه احتیاج به ناراضیتی را درک می‌کنند و نه می‌دانند که ناراضیتی چیست؟

چند نکته که رعایت نکردنش موجب ناراضیتی نویسنده می‌شود:

- دردسرهای هیجان‌انگیز و خوب پرداختن به شخصیت‌ها
- شروع داستان با شخصیت و تضاد نباشد.
- رعایت درستی کلمات شبیه به هم مثل «شیتاب» و «کرم شیتاب»
- بیرون کشیدن شخصیت‌ها از میان حرف‌ها و کارها دوباره و دوباره نوشتن

و در پایان امیدواریم چیزی از قلم نیفتاده باشد.

کارگاه

زهرا تابشیان

زهرا تابشیان متولد آذر ۱۳۴۱ است و فوق‌لیسانس روانشناسی تربیتی از دانشگاه علوم تربیتی دارد. او علاوه بر ترجمه‌هایی مانند «اشک آنجلا» اثر فرانک مک کورت، «آناستازیا» اثر مری موریس و «خوشی‌های زندگی» اثر سامرست موام که قرار است نشر امتداد آن را چاپ کند اهل نوشتن داستان کوتاه و رمان نیز هست. از آثار او می‌توان به «بر بال فریب» ۱۳۷۶، «تیرنگ فرنگ» ۱۳۷۷، «بوته» ۱۳۷۹ اشاره کرد. آخرین اثر به نام «تنها ابلهان زنده می‌مانند» هنوز به هیچ ناشری سپرده نشده است. وی در اثر سال‌ها تجربه نوشتن دارای عقاید جالبی در رمان‌نویسی است و می‌توان او را یک نویسنده «مضمون‌گرا» دانست اگر چه فرم و تکنیک در آثار او نادیده گرفته نمی‌شود.

نویسنده‌و توانایی‌های بالقوه

اولین شرطی که برای رمان قائلم این است که شرایط یک رمان را داشته باشد. فکر کنم هر نویسنده و به طور حتم هر خواننده‌ای می‌داند که متن بی‌سر و ته، خواندنی نیست. ولی اگر این سر و ته به تهایی موزون و جذاب وصل شود داستان به وجود می‌آید. داستان باید شخصیت یا شخصیت‌هایی داشته باشد که در زمان حال یا گذشته و مکان و فضایی معلوم و یا نامعلوم حرکت کنند. حالا اگر همه عناصر داستانی حاضر باشند ولی خواننده نتواند آنها را به هم ربط بدهد، داستانی بی‌معنی می‌شود و کتاب از دست خواننده می‌افتد. با طرحی جذاب و گیرا، علاوه بر ایجاد انسی منطقی میان عناصر داستانی می‌توان در خواننده هم ایجاد کشش کرد.

نکاتی را که در بالا گفتم، عناصر سازنده داستان، طرح، محتمل بودن وقایع، زبان و... را هر نویسنده‌ای می‌داند. چیزی که اغلب نمی‌دانند این است که اصلاً چرا یک ایرانی به خودش زحمت می‌دهد و می‌نویسد. آیا برای کسب درآمد می‌نویسد! اینکه کاملاً مردود است چرا که در نود و نه درصد موارد نه تنها پولی دست نویسنده را نمی‌گیرد که روی همه خون دل خوردن‌ها و جان کندن‌ها و اعصاب گذاشتن‌ها باید از هفت خوان رستم هم بگذرد. اول ناشری پیدا کند که حاضر شود کتابش را چاپ کند. پس از آن کلی منتظر بماند تا نوبت کتابش برسد و پس از ویراستاری برای ممیزی به ارشاد برود. در این مرحله ظهره‌آور نویسنده باید دست به دعا بلند کند که کتابش مجوز نشر بگیرد. پس از پشت سر گذاشتن این مرحله حساس خیال نویسنده کمی راحت می‌شود و نفس راحتی می‌کشد. کتاب که از زیر چاپ درآمد انگار که فرزندش تولد یافته بال در می‌آورد. روزهای اول خیلی خوشحال است ولی روند فروش نگران‌کننده است. پس از یک سال که از چاپ کتاب می‌گذرد و نویسنده می‌بیند که از دو هزار نسخه، تنها پانصد نسخه آن به فروش رفته، به این نتیجه می‌رسد که یا باید خودش آنها را بخرد و به این و آن هدیه دهد یا

کسی باید قدم در وادی قلم بگذارد که انتظار شهرت و ثروت و این جور چیزها را نداشته باشد

بگذارد توی انبار ناشر خاک بخورد و غرغرش را بشنود.

پس شاید برای کسب شهرت می‌نویسد. این هم تقریباً فریبی بیش نیست، چون اگر کسی کتابی را خواند طبعاً نویسنده‌اش را هم نمی‌شناسد. پس چه باید کرد؟ گمان نکنم کسی بتواند به درستی جواب این پرسش را بدهد. در بازار گیج و آشفته نشر ایران، نویسنده براستی سردر گم است. اگر عامه‌پسند بنویسی امکان دارد کتابت به چاپ چندم برسد ولی فرهیختگان از تو رو بر می‌گردانند و دستت می‌اندازند و همه جا می‌گویند فلانی عامه‌پسند می‌نویسد، برای همین کتاب‌هایش به چاپ چندم می‌رسد. اگر پیچیده و مدرن و پست مدرن بنویسی، تنها همان تعداد معدود که خودشان را روشنفکر، فیلسوف و منتقد می‌دانند آن را می‌خوانند. فراموش نکنید که گفتم می‌خوانند، نگفتم می‌خرند. بیچاره نویسنده که نمی‌داند تکلیفش چیست، باز هم بنویسد یا برای همیشه نوشتن را بیوسد و کنار بگذارد، کاری که معمولاً از یک نویسنده عاشق بر نمی‌آید.

اگر نظر شخص مرا بخواهید، فکر می‌کنم که اولاً کسی باید قدم در وادی قلم بگذارد که انتظار شهرت و ثروت و این جور چیزها را نداشته باشد. قلم را به باد موضوع انشای قدیمی به دست بگیرد و باور داشته باشد که «علم بهتر است از ثروت» و به یاد داشته باشد که پول و جواهر را دزد می‌برد ولی به کتاب‌هایش حتی نیم‌نگاهی هم نمی‌اندازد. دانستن این مطلب کافی است که بی‌چشمداشت کار کند و وقتی آدم بدون چشمداشت کاری را انجام داد پیداست که عاشق آن کار است و وقتی عاشق کاری باشد تمام سعی و نبوغش را به کار می‌گیرد تا آن کار را به نحو احسن انجام دهد، چه خریدار داشته باشد و چه نداشته باشد، ثانیاً مقلد نباشد، نه اینکه کار دیگران را خواند و اگر خوشش آمد مرید نویسنده نشود و چیزی از او یاد نگیرد و در کارهای خودش به کار نگیرد. نه‌می‌تواند از کار نویسنده‌هایی که مورد علاقه‌اش است یاد بگیرد ولی تقلید محض کار را خراب می‌کند. مثل دکتر یا مهندس فلایی است، زود لو می‌رود و معلوم می‌شود که نوشته‌اش کپی‌برداری است و خلاقیتی در کار نیست. به عقیده من داستان باید از درون ذهن خلاق نویسنده بجوشد. یعنی اگر اصرار داشته باشیم که مثل نویسنده‌ای که مورد تحسینمان است بنویسیم با از سبکی که مطرح است پیروی کنیم باید مطالعه کنیم. تنها با مطالعه و کار زیاد می‌توانیم موفق شویم در غیر این صورت داستانمان عاریه‌ای و غیرصمیمی از آب در خواهد آمد که ارتباط لازم را با مخاطب ایرانی برقرار نخواهد کرد.

نویسنده پیش از آنکه به دنبال سبک داستانی مورد پسندش برود باید از توانایی‌های بالقوه خود آگاه باشد و بداند که با چه سبکی بهتر می‌تواند بنویسد. درست مثل انتخاب لباس، که علاوه بر مد روز بودن باید دارای خصوصیات دیگری هم باشد و به اندام، رنگ پوست و سن آدم بیاید. با مثل انتخاب رشته، پیش از آنکه شخص به پرسیژ و درآمد رشته مورد نظرش فکر کند باید علاقه و استعدادش را بسنجد. نویسنده هم باید با توجه به علاقه و امکاناتش که شامل استعداد، تجربه و اندیشه (که از دانش فلسفه، روانشناسی و جامعه‌شناسی نشأت می‌گیرد) می‌شود، دست به قلم ببرد. برای مثال نباید صرفاً به خاطر اینکه پست مدرنیسم بحث روز روز است، پست مدرن نویس شود و خواننده را در فضای پست‌مدرنیستی کتابش چنان سر در گم کند که عطای کتاب خواندن را به لقایش ببخشد.

از طرف دیگر گرچه اکثر خوانندگان، داستان را برای تفنن می‌خوانند و تنها به این دلیل کتاب داستان می‌خرند که اوقات فراغتشان را پر کنند، نویسنده باید از ارائه اثری که تنها حاصلش سرگرم کردن خواننده است، فراتر برود. برخی معتقدند که رمان نباید خودش را پایبند محتوی و این جور چیزها بکند. اصلاً دلیلی ندارد که پیام داشته باشد یا به فضای تاریخی، اجتماعی و روانشناختی، اشاره‌ای داشته باشد، نویسنده می‌تواند هر آن چه را که به ذهنش می‌رسد روی کاغذ بیاورد. ولی به عقیده من داستان در عین شیرینی و جذابیت باید مضمون داشته باشد، مضمونی به روز و ملموس. چه کتابی بهتر از داستان می‌تواند تاریخ و اندیشه مردمان زمانه‌اش را در غالب حوادث و شخصیت‌های داستانی زنده نگهدارد؟ اکثر رمان‌های ماندگار اگر نگوییم تصویر دقیقی از حال و هوای تاریخی زمان وقوع حوادث، فلسفه حاکم بر جامعه و اندیشه نویسنده ارائه می‌دهد، خواننده را تا حدودی با آن آشنا می‌کند. برای مثال در کتاب طنزآلود اشک آنجلا، خواننده علاوه بر لذت بردن از داستان تا حدودی با اوضاع سیاسی و حال و هوای مادی و معنوی حاکم بر جامعه، طرز تفکر مردمان و اوضاع سیاسی ایرلند آن زمان آشنا می‌شود، یا در جنگ و صلح، دکتر ژیواگو، خانواده دکتر تیبو و صدهازمان دیگر که هر چند مستند نیستند ولی به نحوی تاریخ و فلسفه زمان خود را در قالب شخصیت‌هایشان ماندگار می‌کنند.

من معتقدم داستان باید مضمونی جالب داشته باشد و خواننده را به دنبال خود بکشاند. بخصوص در جامعه ما که کتابخوان بسیار کم است، نوشتن داستان‌هایی که هم در جوانان ایجاد کشش کند و هم به آنها کمک نماید تا سطح معلومات عمومی‌شان بالاتر رود ضروری‌تر است.

حال این وظیفه نویسنده است که تنها به فرم نیندیشد و طوری روان و جذاب بنویسد که خواننده، بخصوص خواننده جوان کم حوصله، (البته اگر استثناً جوانی میل به خواندن کتابی خارج از لیست بلند بالای کتب درسی داشته باشد)، برای پر کردن اوقات فراغتش تنها به دنبال کتاب‌های بسیار پیش پاافتاده و بی‌نهایت عامه پسند نرود و به مطالعه کتاب‌هایی عادت کند که در عین جذابیت، پرمحتوا، گیرا و اثرگذار باشند.

گفت‌وگو

فرید امین الاسلام

گفت‌وگو با رها دائمی، شاعر

سکوت احتمالی آینه

رها دائمی متولد ۱۳۶۲ تهران است و در حال حاضر دانشجوی سال دوم مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد واحد آستارا. وی اخیراً اولین مجموعه شعر خود را با عنوان «من از احتمال سکوت آینه می‌ترسم» منتشر کرده است. این شاعر جوان کتاب حاضر را به‌صورت ناشر مؤلف و با هزینه شخصی خود انتشار داده است. برای آشنایی بیشتر با وی و کتابش با او گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که با هم می‌خوانیم.

خانم دائمی، از چه سالی به سراغ شعر رفتید؟

اگر زمزمه‌های شفاهی را شعر قلمداد نکنیم، به‌طور جدی از سال ۱۳۷۵ مقوله شعر را دنبال کردم. معمولاً به‌صورت خودجوش به شعر می‌پرداختم. در اوایل از نظر ساختاری و فنی توجه چندانی نمی‌کردم. در وهله اول مضمون شعرها برایم مهم بود. سعی می‌کردم بیشتر روی مضامین شعری کار کنم و اغلب بر اساس احساسات آنی به سراغ شعر می‌رفتم. ولی بعدها سعی کردم از این شیوه دوری کنم و به طور همزمان دو مقوله مضمون و ساختار را مورد توجه قرار دهم.

دغدغه اصلی شما در آن سال‌ها بیشتر بر روی کدام مسائل استوار بوده و اصلاً رویکرد محوری در آثارتان بر چه مسائلی تکیه داشت؟

بیشتر مسائل اجتماعی مدنظرم بوده و دغدغه‌هایی که به شرایط سنی من در آن دوره مربوط بوده. اغلب سعی می‌کردم از منظر جوانان به مسائل اجتماعی نگاه کنم و بیشتر برایم مهم بود که دنیا را از دریچه و دید این قشر نظاره کنم.

بنابراین شعرهای من که به اولین سال‌های پناه آوردن من به مقوله شعر نزدیک است، بیشتر بر روی دو محور عمده شامل اجتماعی و جوانان نظر دارند.

از آثار کدامیک از شاعران ایرانی تأثیر گرفته‌اید و فکر می‌کنید با شعرهای کدام‌یک از آنها راحت ارتباط برقرار کنید؟

بیشترین مطالعات شعری من روی آثار فروغ فرخزاد و احمد شاملو بوده است ولی در کنار اینها آثار شاعران مطرح معاصر را هم سعی می‌کنم در حد توانم دوره کنم و مطالعات دقیقی داشته باشم. به عنوان نمونه اخیراً روی شعرهای سید علی صالحی و عمران صلاحی مطالعاتی داشتم و هر بار که آنها را می‌خوانم سعی می‌کنم ویژگی‌های شعری آثار آنها را یادداشت کنم تا در بررسی‌های تطبیقی از آنها استفاده کنم.

در کدامیک از قالب‌های شعری توانایی دارید و گرایش ذهنی‌تان به کدام قالب شعر بوده است؟

تا به امروز بیشتر در قالب‌های شعری سپید و نیمایی کار کرده‌ام و در مواردی هم احساس می‌کنم این دو با هم ادغام شده‌اند. من شخصاً روی اسم‌گذاری شعرهایم به نتیجه واحدی نمی‌رسم. نظر دیگران شرط است که با نگاههای منتقدانه به فرم آثار توجه می‌کنند و در تقسیم‌بندی‌هایشان بر روی شعرها اسم‌گذاری می‌کنند.

در چه زمانی به فکر چاپ شعرهایتان افتادید و آیا قبل از چاپ با اساتید شعر امروز مشورتی هم داشتید؟

اوایل سال ۱۳۸۱ احساس کردم به اندازه یک مجموعه قابل تأمل شعرهای آماده دارم. برای مشورت جهت چاپ به دفتر شعر جوان در انجمن شاعران ایران رفتم و در آنجا مجموعه شعرهایم را به آقای عبدالملکیان نشان دادم. ایشان بعد از مطالعه شعرها، گفتند از نظر فنی ایرادی ندارد.

مراحل چاپ این کتاب چگونه طی شد و هزینه چاپ آن چقدر بود؟

چون خودم به عنوان ناشر عمل کردم کلیه مراحل قبل از چاپ را خودم انجام دادم و در مجموع روی این کتاب یک میلیون و دویست هزار تومان هزینه کرده‌ام.

چاپ این کتاب چه مدت طول کشید و از چه زمانی آن را در بازار کتاب پخش کردید؟

جمعاً حدود سه ماه مراحل تولید این کتاب طول کشید و از پنج ماه پیش اجازه پخش آن را از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دریافت کرده‌ایم.

برای پخش آن چه اقدامی انجام داده‌اید؟

متأسفانه این کتاب هنوز به طور رسمی پخش و توزیع نشده است، یعنی هیچ یک از مراکز پخش کتاب در این راه ما را یاری نکرده‌اند. آنها معتقدند فقط آثار چاپی توسط خودشان را پخش می‌کنند. با توجه به اینکه من در حال حاضر در شهرستان آستارا دانشجو هستم و کمتر فرصت می‌کنم در تهران باشم، کسی هم برای توزیع و پخش این کتاب اعلام آمادگی نکرده است.

سایر محمدی

علی‌اشرف درویشیان پس از انتشار آثاری چون «آیشوران»، «فصل نان»، «سلول ۱۸»، «سال‌های ابری» و... چندی است که تحقیق و پژوهش در ادبیات عامه را که میراث گرانقدر نیاکان در جوامع امروز است، شروع کرده و کتاب «قصه‌ها و متل‌های کردی»وی در همین راستا قابل ارزیابی است. مجموعه دیگری که درویشیان با همکاری رضا خندان (مهابادی) تدوین و منتشر کرده «فرهنگ افسانه‌های مردم ایران» است که تاکنون دوازده جلد آن را انتشارات کتاب و فرهنگ به بازار فرستاده و مجلدات دیگری از آن نیز در دست انتشار است.

گفت‌وگو با علی‌اشرف درویشیان

به خاطر افسانه ها

آقای درویشیان، چندی پیش جلد دوازدهم «فرهنگ افسانه‌های مردم ایران» منتشر شده، این مجموعه در نهایت به چند جلد خواهد رسید؟ و جلد بعدی آن کی منتشر می‌شود؟

جلد دوازدهم فرهنگ افسانه‌های مردم ایران که با کمک آقای رضا خندان مهابادی تدوین و منتشر شده، در ایام نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران به بازار آمده بود و از آن زمان تا به امروز ما گرچه جلدهای بعدی مجموعه را آماده کرده‌ایم، اما جلد سیزدهم را تحویل وزارت فرهنگ و ارشاد دادیم که در اخذ مجوز چاپ با مشکلاتی روبه‌رو شده که مربوط به همین جزر و مدهایی است که در بخش صدور مجوز کتاب پدید می‌آید. در همین رابطه کتاب ما هم دچار مشکل شده است.

این مشکل مربوط به کدام بخش از کتاب است؟

طی این سال‌ها که دوازده جلد از فرهنگ افسانه‌ها منتشر شده همان‌طور که در مقدمه کتاب آورده‌ایم، این مجموعه را به‌عنوان مقدمه و مصالح تحقیقات بزرگتری در نظر داریم که نسل‌های آینده انجام خواهند داد. تحقیقاتی از این دست یقیناً به افراد بیشتر و متخصصانی کارآمد و بودجه افزون‌تری نیاز دارد. ما چنین پژوهش سنگینی را دو نفره و بدون پشتوانه مالی از نهادهای مختلف شروع کرده و پیش برده‌ایم. قصد ما در درجه اول این بود که افسانه‌های گوناگون از نقاط مختلف کشور را که به‌صورت پراکنده وجود داشته و گاهی به‌صورت مکتوب هم ثبت شده بود، گردآوری کنیم و به عنوان یک کار مقدماتی، منبعی برای پژوهش و تحقیقات عمیقتر نسل‌های آینده باشد.

شما به سؤال من جواب ندادید ، جلد سیزدهم با چه مشکلی روبه‌رو شده است؟

می‌خواستم همین را بگویم که دوازده جلد منتشر شده، کمابیش با مشکلاتی روبه‌رو بودیم. مثلاً افسانه‌هایی بوده که به طور کل از کتاب بیرون گذاشته شد، یعنی گفتند، آوردن این افسانه در کتاب مجاز نیست، قطعاً افسانه‌هایی از این دست در کتابی خواهد آمد. شاید ما هم بتوانیم در پیوست این مجموعه که سه جلد کتاب خواهد شد، بعدها چاپ کنیم. اما جلد سیزدهم با اشکالات بیشتری روبه‌رو شد. یعنی اشکالاتی هست که ما نمی‌توانیم به هیچ وجه بپذیریم، یعنی اگر افسانه‌ای را کنار بگذاریم، نمی‌توانیم افسانه دیگری را جایگزین کنیم. مثلاً افسانه‌ای هست به نام «مشهدی روباه» که می‌گویند باید حذف کنید. گویا با کلمه مشهدی مشکل دارند. یعنی در افسانه‌های ما، روباهی که به زیارت رفته زیاد هم هست و داریم افسانه‌هایی که روباه به زیارت حج می‌رود و حیوانات دیگری را هم به دنبال خود می‌کشد و در بین راه آنها را می‌خورد، این افسانه‌ها از قدیم در فرهنگ ما بوده و بیشتر برای پند گرفتن و عبرت‌آموزی است، اینگونه افسانه‌ها فراوان در کتاب‌ها آمده، مثلاً در کتاب‌های صبحی هم آمده است. حالا به ما می‌گویند باید این افسانه را کنار بگذارید.

شما این ممیزی را نپذیرفتید؟

چون «مشهدی» در این کتاب در ردیف حرف میم می‌آید، نمی‌توانیم از القاب دیگری برای روباه استفاده کنیم. اگر جای افسانه را عوض کنیم، نظم کتاب به هم می‌خورد. چه فهرست کتاب و چه فهرست اعلام ناقص می‌شود.

فکر می‌کنید ، در شرایط دیگر آیا امکان چاپ چنین افسانه‌هایی وجود داشت ؟ یا بعد پیدا خواهد شد ؟

من فکر می‌کنم، قبلاً امکان چاپ این افسانه وجود داشته، گو اینکه در دوازده جلد فرهنگ افسانه‌ها که منتشر شده، افسانه‌هایی از این دست داشتیم که به شکلی حک و اصلاح کردیم تا به اصل افسانه آسیب نزند. مثلاً در افسانه «فاضی و ملای طمعکار» ما ملا را به میرزا تبدیل کردیم. البته در پانویس‌های کتاب توضیح دادیم. برای اینکه خواننده بداند در فرهنگ ما این افسانه با این اسم وجود داشته. البته برای گرفتن مجوز در دوران وزارت آقای میرسلیم با مشکلات زیادی مواجه بودیم اما بعد از خرداد ۷۶ مشکلات خیلی کمتر شده بوده اما ایده‌آل نبود.

الان برای بیرون‌رفت از این مشکلات چه می‌توان کرد؟

نظر من این است و همیشه این نظر را داشتم که هر کتابی قبل و بعد از چاپ نباید سانسور و ممیزی بشود، باید با نقد و بررسی اشکالات احتمالی رفع شود و پاسخ داده شود.

قانون اساسی هم روی همین مسأله تکیه می‌کند؟

کسانی که به قانون تن نمی‌دهند و وضع نشر کتاب را به این صورت درآورده‌اند، به کجا باید پاسخگو باشند؟ دست روی فرهنگ کشور گذاشتن و جلو رشد فرهنگی جامعه را گرفتن به سود هیچ کس نیست. چگونه می‌شود در فرهنگ مردم دخل و تصرف کرد؟ چگونه می‌توان افسانه‌های به جامانده از گذشتگان را تغییر داد و تحریف کرد؟ قرن‌ها این افسانه‌ها در میان

من الان دو کار بزرگ را دارم با هم انجام می‌دهم

مردم به این شکل روایت شده، روی چه اصلی باید تغییر کند. چه ضرورتی ایجاب می‌کند که افسانه‌ای را حذف کنیم؟ لابد مصلحتی بوده که مردم چنین افسانه‌ای ساخته بودند. مگر می‌شود فرهنگ یک ملت را دستکاری کرد؟ مثل این می‌ماند که در یک غذای سنتی دستور بدهیم به جای نمک، شکر بریزند. نتیجه چه می‌شود؟ بنابراین هیچ کتابی قبل از چاپ نباید ممیزی بشود، بعد از چاپ هم اگر شاکی و مدعی داشت، به نظر من فقط نویسنده‌اش باید در مراجع قضایی پاسخگو باشد. هر نویسنده‌ای مسؤول نوشته‌های خودش است. حتی اگر ناشری را مسؤول بدانیم، به لحاظ اینکه ناشر سرمایه‌گذار در امر چاپ کتاب است، امنیت شغلی‌اش با خطر مواجه می‌شود و جرأت سرمایه‌گذاری‌های بعدی را از او می‌گیریم.

اتفاقاً در یک مقطعی مسؤولیت چاپ کتاب را به ناشرانی که مجوز نشر دائم داشتند، سپردند که بسیاری از ناشران از این طرح استقبال نکردند.

طبیعی است، چون در چنین شرایطی ناشر با نویسنده درگیر می‌شود، نویسنده با چنین طرحی ناشر را در مقابل خود می‌بیند، نه در کنار خود. طرح‌های این چنینی مسؤولیت سانسور را به عهده ناشر می‌گذارد و رابطه نویسنده و ناشر را مخدوش می‌کند. باید به قانون اساسی برگشت. مسأله این است که آیا در این مملکت افراد دلسوزی هستند که غم کتاب داشته باشند؟ غم این را داشته باشند که جوانان ما به جای رفتن به سمت کارهای خلاف به کتابخوانی بپردازند و دارای ذهنی سازنده و خلاق بشوند؟ اگر غم کتاب دارند آنگونه که تبلیغ می‌کنند و نمایشگاههای متعدد در جهت ترویج کتابخوانی برپا می‌کنند، به کانون‌های مختلف مثل کانون نویسندگان ایران رجوع کنند تا برنامه‌هایی برای کتابخوانی جامعه برای بهتر شدن وضعیت مطالعه در مدارس، در دانشگاهها و در خانواده‌ها به آنها ارائه کنند. بیایند سد سانسور و ممیزی کتاب را بردارند. ما هم با برنامه، سطح مطالعه و کتابخوانی را بالا می‌بریم.

البته با هرزه‌نویسی و هرزه‌گویی ما هم مخالفیم، ما هم اینگونه ادبیات را قبول نداریم. ما اگر جلو نشر کتاب را بگیریم، جوانان به سایت‌های اینترنتی و به شبکه‌های ماهواره‌ای رجوع می‌کنند. ما باید با برنامه در مدارس کودکان را به کتاب علاقه‌مند کنیم و عشق کتابخوانی را در بین آنها ترویج کنیم.

آقای درویشیان فرهنگ افسانه‌ها را در چند جلد تدارک دیده‌اید؟

ما در شروع کار فکر می‌کردیم فرهنگ افسانه‌ها را می‌توانیم در حدود دوازده جلد تمام کنیم ولی الان پانزده جلد شده که دوازده جلد منتشر شده و سه جلد هم آماده انتشار است. در مجموع حالا حدود ۱۹ جلد فقط افسانه‌ها خواهد شد که به‌صورت القایی تنظیم و تدوین شده‌اند و جلد آخر هم یعنی جلد بیستم تجزیه و تحلیل افسانه‌ها به همراه طبقه‌بندی افسانه‌هاست.

معیار شما در انتخاب افسانه‌ها چیست؟ این افسانه‌ها به چه صورت طبقه‌بندی شده‌اند؟

توجه اصلی ما ابتدا به کتاب‌هایی بود که توسط افراد متخصص و مطلع و آگاه جمع‌آوری شده است. بنابراین هر چیزی را به عنوان افسانه در مجموعه نیاورده‌ایم. اگر به نشریه‌ای هم مراجعه کرده‌ایم نشریات معتبری بوده‌اند، مثل نشریه کتاب هفته در دوره‌ای که شاملو سردبیرش بود و یا به آذین و حاج سید جوادی سردبیرش بوده‌اند. یا مجله خوشه که افسانه‌هایی از سراسر ایران چاپ می‌کرد یعنی علاوه بر کتاب‌های چاپ شده، از افسانه‌هایی که در نشریات معتبر چاپ می‌شد استفاده کردیم. حتی افسانه‌هایی که به زبان‌های محلی بودند، آوردیم و در کنارش ترجمه فارسی آنها را هم آوردیم.

افسانه‌هایی بوده‌اند که توسط آقای انجوی شیرازی گردآوری و در کتابهایی مثل «گل به صنوبر چه کرد» چاپ شده، آیا از این آثار هم استفاده کرده‌اید؟

بله. ما از این افسانه‌ها هم در این مجموعه استفاده کرده‌ایم.

افسانه‌هایی هستند که موضوعات مشترکی دارند ولی روایت‌های متفاوتی از آنها موجود است. با این افسانه‌ها چه برخوردی داشتید؟

ما روایت‌های مختلف از افسانه‌ها را هم آورده‌ایم. مثلاً افسانه سنگ صبور را شماره‌گذاری کردیم و در این مجموعه حدود ده افسانه سنگ صبور داریم و در شناسنامه کتاب هم ارجاع دادیم که هر افسانه از کدام منبع نقل شده است.

آیا افسانه‌هایی که به‌صورت کتاب منتشر نشده و به‌صورت مکتوب در دسترس نیستند، مورد استفاده شما قرار گرفته است؟

حدود یازده جلد افسانه هایی که به چاپ نرسیده‌اند، به‌صورت دستنویس برای ما فرستادند که ما از آنها هم استفاده کردیم. البته بیش از اینها برای ما فرستاده‌اند ولی ما از یازده جلد استفاده کردیم. یعنی آنچه که اصالتی داشتند و مناسب کار ما بودند.

در مورد چاپ و انتشار افسانه‌های ایرانی آیا موضوعی هست که مایل باشید در مورد‌ش صحبت کنید؟

اگر این تلاش‌ها و تحقیقات در هر کشوری انجام می‌شد، بسیار مورد توجه و استقبال واقع می‌شد. یعنی نهادهای دولتی حمایت‌های مادی و معنوی از این تحقیقات می‌کردند. البته من انتظار ندارم که نهادهای دولتی از ما حمایت مالی بکنند، اما کسانی که متولی خرید کتاب برای کتابخانه‌های عمومی و مدارس کشور هستند، در خرید کتاب توجه به این آثار داشته باشند. وقتی این مجموعه به بیست جلد رسیده، احتمالاً علاقه‌مندان قدرت خرید این مجموعه را نخواهد داشت. اینجاست که کتابخانه‌های عمومی می‌توانند این دسته از آثار را بخرند و در اختیار علاقه‌مندان قرار دهند. دانشگاهها و مؤسسات علمی و فرهنگی می‌توانند بخرند. چطور در تلویزیون این همه تبلیغ تفلات و پفک نمکی می‌شود، اما از معرفی کتاب خبری نیست. من گله معرفی شدن کتاب خودم را ندارم.

آقای درویشیان شنیده بودیم شما رمان «همیشه مادر» را نوشته‌اید چرا این رمان پس از سال‌ها منتشر نشده؟

یکی از گرفتاری‌های من این است که بسیاری از جوان‌ها از سراسر کشور داستان‌های خودشان را برای اظهارنظر برای من می‌فرستند. دانشجویان اغلب دانشگاهها که نشریه‌ای منتشر می‌کنند تقاضای مصاحبه دارند و سؤالاتی به‌صورت مکتوب می‌فرستند که جواب بدهم، همه این مسائل باعث می‌شود وقتم گرفته شود و فرصت پرداختن به آثار خودم را کمتر پیدا کنم. سال‌هاست که رمان «همیشه مادر» را تمام کرده‌ام اما حس می‌کنم احتیاج به بازنویسی دارد و دارم رویش کار می‌کنم.

یک مجموعه داستان کوتاه به اسم «داستان‌های تازه داغ» دارم که پانزده داستان کوتاه است که دارم بررسی مجددی روی آنها انجام می‌دهم تا فرم نویی داشته باشد. علاوه بر این بیست و پنج داستان از نویسندگان کرد برای اولین بار تهیه کرده‌ام و با همکاری یکی از دوستانم آنها را ترجمه کردم و تصمیم دارم این داستان‌ها را همراه با شرح حال و زندگی نویسندگانشان که کردهای عراق هستند و داستان‌هایشان به زبان کردی سورانی است، معرفی و چاپ کنم. اینها داستان‌های بسیار خوبی هستند، چون در کردستان عراق سانسور نیست، یعنی از سال ۱۹۹۱ که انقلاب بزرگ کردستان رخ داد و صدام حسین آن را با کشتار ۱۸۲ هزار نفر و زنده به گور کردن مردم سرکوب کرد، دیگر سانسور در کردستان عراق وجود ندارد. شعر او نویسندگان کرد امروز در بسیاری از نقاط جهان معروف هستند، از شیرکو بی‌کس و لطیف هلمت گرفته تا حسن فزل‌جی -که اولین داستان کوتاه کردی را نوشته- و بختیار علی که نویسنده جوانی است و با شیرزاد حسن هر کدام جزو چهره‌های جهانی‌اند و جوایزی هم برده‌اند.

غیر از این آثار، آیا آثار دیگری هم دارید؟

من الان دو کار بزرگ را دارم با هم انجام می‌دهم. یکی فرهنگ افسانه‌های مردم ایران است. یکی هم «داستان‌های محبوب من» است که جلد اول و دوم آن قبلاً منتشر شده و جلد سوم و چهارم آن زیر چاپ است و نشر چشمه منتشر خواهد کرد. جلد پنجم هم آماده است.

«داستان‌های محبوب من» به چه شیوه گزینش و تدوین شده است؟

هر جلد از این مجموعه مربوط به یک دهه است. جلد اول مربوط به دهه هفتاد بوده و حالا آثار نویسندگان دهه شصت زیر چاپ است، بعد می‌رویم به دهه پنجاه و دهه چهل و سی و بیست.

شما از نسل امروز شروع کردید تا برسید به نسل گذشته؟

ما از نسل امروز شروع کردیم به این دلیل که معرفی و چاپ آثار نسل امروز واجب‌تر است.

موضوع رمان «همیشه مادر» چیست؟

این رمان داستان زندگی خانم فاطمه سعیدی است که به نام مادر شایگان معروف هستند که مادر نادر و

ناصر و ارژنگ و ابوالحسن شایگان بود که سه نفر اول در دوران رژیم شاه در برخوردهای مسلحانه در خیابان‌ها به دست ساواک کشته شدند. ابوالحسن دستگیر شد اما معلوم نشد چه بر سرش آوردند.

این رمان از زبان مادر روایت می‌شود؟ یعنی پای صحبت‌هایش نشستید؟

بله. ابتدا حرف‌هایش را ضبط کرده‌ایم. البته این کتاب مثل خاطرات صفرخان فقط خاطره نیست، رمان است. من این رمان را به دو شیوه نوشتم و برای مادر به پاریس فرستادم. اما علاوه بر مستند بودن اثر می‌خواستم روایت خودم را داشته باشم. مشکل عمده من این است که می‌خواستم این داستان را با روایت خودم و با حفظ وقایعی که روی داده، بنویسم. سعی داشتم در این روایت از تخیل خودم هم بهره بگیرم. یعنی می‌خواستم خودم را جای این قهرمانان بگذارم. مثل هنرپیشه‌ای که در یک نقش فرو می‌رود، رفتارشان، تفکرشان و شیوه زندگی‌شان را تخیل کنم و بنویسم.

چه مدت روی این رمان کار کردید؟

خیلی روی این اثر کار کردم. می‌شود گفت از سال ۶۴ مشغول نوشتن این رمان شدم و هنوز هم رویش کار می‌کنم.

یکی از مباحثی که در مورد آثار شما مطرح می‌شود، دغدغه شگردهای نو در نوشتن است. شما در این رمان چقدر از شگردهای نو بهره گرفته‌اید؟ کاری که مثلا دولت‌آبادی در سلوک به کار گرفته است.

من بدون اینکه بخواهم ارزش کاری که دولت‌آبادی کرده، با محمدرضا صفدری در رمان «من ببر نیستم پچیده» به بالای خود تاکم» کرده یا فرض کنید دولت‌آبادی در «پایان جغد» و به طور کلی در رمان «روزگار سپری شده مردم سالخورده و در سلوک کرده، نفی کنم، چون من معتقد به آزادی اندیشه و بیان هستم و به هیچ وجه نمی‌خواهم کسی یا کتابی را در ذهنم سانسور کنم. من اعتقاد دارم همه باید بنویسند و با هر شگردی کار کنند. عقاید و سبک‌های خودشان را داشته باشند و سرانجام جامعه داوری می‌کند. راستش من در آثارم دغدغه مخاطب را دارم. من به هیچ وجه این اعتقاد را ندارم، الان اثری بنویسم که بلکه پنجاه سال یا بیست سال دیگر مردم کشف کنند و بفهمند و ارزش بگذارند. به نظر من دیگر آن دوران گذشته که صادق هدایت را دیر کشف کنند. همین روزگار هم مردم ما می‌توانند آثار ما را، آثار خوب را کشف کنند. روی این اصل من بیشتر به مخاطبم فکر می‌کنم. من می‌دانم برای ملتی می‌نویسم که شمارگان کتاب در آن جامعه به هزار و دو هزار و شمارگان روزنامه به ده هزار و بیست هزار می‌رسد.

این مرا نگران می‌کند. من باید پیام خودم را به مردم طوری برسانم که درک کنند. نه اینکه آنها را وادار کنم به کشف و حل یک مسأله ریاضی کنم یا از خواندن کتاب من خسته بشوند و رهایش کنند. نمی‌خواهم آثارم با رمز و اصطلاب قابل کشف باشد. من اصلاً نمی‌خواهم خواننده را وادار کنم برای فهم اثرم، کتابم را دو بار و سه بار بخواند. در این عصر هجوم اطلاعات و داده‌های مختلف و انبوه و روزگار داستان‌های مبتنی مالیستی من چطور می‌توانم خواننده‌ای را وادارم رمان چهارصد صفحه‌ای مرا چند بار بخواند تا بفهمد و چیزهای جدیدی کشف کند. نوینده قبل از هر چیز باید در اثرش لذت متن را برای خواننده در نظر بگیرد و به عنصر روایت وفادار باشد. اگر عنصر روایت را از ادبیات داستانی بگیرید آن اثر دیگر هیچ ارزشی ندارد.

یعنی بحث «تعهد هنرمند» هنوز برای شما کهنه نشده است؟

به هیچ وجه، من معتقدم هنرمند همیشه متعهد است. حتی آن کسی که به سمت هنر پست مدرنیته می‌رود یا به سبک‌های جدید می‌نویسد آن هم یک نوع تعهد است. حتی «هنر برای هنر» هم تعهدی در آن هست که معتقدند باید به اصل هنر توجه کرد ولی اول برای من تعهد اجتماعی خیلی مهم است. من باید خواننده را جذب کنم با صداقت و صمیمیتی که در آثارم هست. دوم اگر توانستم از فرم‌های جدیدتری هم استفاده کنم باید این فرم در خدمت جذب هر چه بیشتر خواننده باشد.

آقای درویشیان قبل از انقلاب، در خیلی از جوامع از جمله در جامعه ما بحث ادبیاتی از نوع «رئالیسم سوسیالیستی» بسیار داغ بود. آیا می‌توان هنوز به این ادبیات به عنوان ادبیاتی زنده و پویا نگاه کرد؟

من ادبیات سوسیالیستی را به عنوان ادبیاتی که دولتی بوده و یک سیستم سوسیالیستی به نویسنده دستور می‌داد که این را بنویس و آن را نویس، به هیچ وجه قبول ندارم. اما من امروز ادبیات سوسیالیستی را در عمق جامعه می‌بینم. من به ادبیات مردمی معتقدم. ادبیاتی که در خدمت مردم باشد و نه در خدمت حکومت‌ها و قدرت‌ها. این نوع ادبیات هیچ وقت از بین نمی‌رود.

اتفاقاً در سال ۷۵ که پل ریکور فرانسوی به ایران آمد در بحث رمان نو عنوان می‌کرد که شما دردهای جوامع پیرامونی را دارید که می‌توانید در ادبیات مطرح کنید. رمان نو مخصوص جوامعی چون فرانسه است.

پل ریکور درست می‌گفت، جوامع نو، دردهای نو دارند، ما هنوز هم همان دردهایی را داریم که مربوط به معیشت بخش عظیمی از مردم می‌شود. درد یک فرانسوی می‌تواند دردی باشد که از تنهایی به یک سگ در خانه‌اش پناه برده است. یعنی فرزندانش را بزرگ کرده و رفته‌اند و از تنهایی سگی را به خانه می‌آورد و در کنارش از تنهایی بیرون می‌آید. دردهای چنین آدمی ممکن است، ناراحتی چشم سگش باشد، یا لنگیدن پایش. تاجار ادبیاتش هم متأثر از همین دردها می‌شود. اما جوامع ما دردهای بزرگ‌تری دارد. در جامعه ما مادری طوری بچه‌اش را می‌زند که به مرگ مغزی دچار می‌شود. چرا؟ آیا می‌توانیم این نوع درد را در ادبیات خودمان مطرح نکنیم؟

فکر نمی‌کنید این نوع ادبیات با این مضامین متهم به ادبیات رسانه‌ای بشود؟

اگر این نوع ادبیات با استفاده از شگردهای داستان‌نویسی جدید بدون آنکه به ارتباط خواننده با اثر لطمه بزند، نوشته شوند، تبدیل به ادبیات رسانه‌ای نخواهد شد. منتها چنین ادبیاتی برای این که عمیق باشد احتیاج به زحمت و کار دارد. احتیاج به عرق ریزی روح دارد. برای نوشتن چنین ادبیاتی دو کار باید کرد. اول باید تسلط داشته باشی روی

فکرمی‌کردیم فرهنگ افسانه‌ها را می‌توانیم در حدود دوازده جلد تمام کنیم ولی الان پانزده جلد شده که دوازده جلد منتشر شده و سه جلد هم آماده انتشار است

آخرین تکنیک‌های داستان‌نویسی و پیشرفته‌ترین تکنیک‌ها. دوم آنکه احساس عجین شدن با درد مردم را داشته باشی. من اعتقاد دارم توصیف و تصویر درست زندگی مردم فرودست در ادبیات یک نوع راه نجات است.

شما نوشتن را با ادبیات کودک شروع کردید، آیا ادبیات کودک همچنان جزو دغدغه‌های شما هست یا نه؟ ارزیابی شما از ادبیات کودکان چیست؟

ادبیات امروز کودک دچار بحران است. دچار سردرگمی است. چون ادبیات کودک را بر اساس ایدئولوژی حاکم مهم می‌دانستند و می‌خواستند نویسندگانی تربیت کنند که کودکان را مطابق الگوی خودشان بار بیاورند، دچار بحران و بی‌هویتی شده است. کسانی آمدند که برای کودکان شروع به نوشتن کردند در حالی که این نوع ادبیات شرایط و ویژگی‌های خاص خودش را دارد. تسلط بر ادبیات جهان و سر و کار داشتن نویسنده ادبیات کودک با کودک و شناخت و روانشناسی کودک و... می‌بایست جزو ویژگی‌های ذاتی نویسنده ادبیات کودک باشد که نبوده است ادبیات امروز کودک به دست کسانی ترسیم می‌شود که سواد این کار را ندارند و نتوانستند نویسنده و کتابخوان تربیت کنند.

کتاب‌های ادبیات کودک من از سال ۵۷ به بعد مجوز انتشار نگرفت و حتی با اسم مستعار داستان‌هایم را فرستادم مجوز چاپ ندادند، چون مطابق خواست و الگوی مورد نظرشان نبود. من سعی کردم در ادبیات بزرگسالان ادبیات کودک خودم را پنهان کنم. در اغلب داستان‌هایم عنصر کودک حضور دارد.

می‌دانید که داستان «نان و نمک برای پر طاووس» اخیراً برنده جایزه دانشگاه اسلو در نروژ شد و پرسوناژ اصلی‌اش یک کودک است. این داستان از بین ۱۲۵ داستان از سراسر جهان انتخاب و ترجمه شده، من حدود ده- دوازده داستان برای کودکان بعد از انقلاب نوشتم که هیچ کدام اجازه چاپ نگرفتند.

یادداشت

محمد ایوبی

چطور است جای داستان‌نویسی، کلاس کنکور راه بیندازیم؟

اندر حکایات چاپ و نشر کتاب و جایگاه نویسنده و مؤلف

دوستانی که مقاله‌های گاه‌گاهی‌ام را درباره نشر کتاب و سایه مستدام ناشران دنبال کرده‌اند، حتماً مثل خود من به این نتیجه رسیده‌اند که فلانی - یعنی من - سالی یکی دو بار، بی‌وقتی‌اش می‌شود و در دوران همین جن زدگی، قلمی می‌زند و چیزهایی می‌نویسد و حالش چون با قرار می‌آید و بر می‌گردد به حال و هوای همیشگی‌اش - که همان چل چلی مداوم باشد - قلم را غلاف می‌کند تا دوباره اجنه گیر شود و باز... این عزیزان، تقریباً درست فهمیده‌اند، دوران بی‌وقتی و جن زدگی‌ام را لکن علت نمی‌دانند.

اما علت، من هم مثل بیشتر اهل کتاب و نشر، وقتی در برابر ضربه‌های جهان انتشارات و پخش، خلع سلاح می‌شوم و دور از جاتان کارد به استخوانم می‌رسد و می‌افتم به گیج گیجی، غرولندهایم را مکتوب می‌کنم و این یادداشت‌ها حاصل دوران اندوه تلخ خلع سلاحی بنده‌اند.

عرض شود: اوایل مهرماه خجسته، بی‌خویش و عصبی و سر به هوا، تنهای تنها خیابان‌گردی می‌کردم و حرص می‌خوردم (علت خوردن این زهر ناخوردنی را هم خواهم گفت، چون علت وجودی این نوشته است) می‌رفتم و حرص می‌خوردم و نه گوشم می‌شنید و نه چشمم می‌دید. یک مرتبه حس کردم پاهام بر زمین نمی‌رسند. جای زمین، زیر گام‌هام انگار فرش پهن کرده باشند، احساس بی‌وزنی و لطافت خاکی که بر آن پا می‌گذاشتم، به عالم پرهیاهوی خیابان‌هام برگرداند. دیدم رسیده‌ام به میدان انقلاب و دارم از برابر سینماهای خلوت می‌گذرم (اولاً از دیدن خلوتی سینماها، به فکر افتادم؛ پس اهالی هنر هفتم بی‌خود نیست این همه هیاهو راه انداخته و کاسه چه کنیم دستشان گرفته‌اند) اما خیلی زود به علت اصلی رسیدم. نرمای آسفالت لت و پار پیاده‌رو، که ناگهانی از جهان عصبیت به جهان واقعیتم پرتاب کرده بود، تا عصبیت تازه را بر حرص داشته، بیفزاییم.

پیاده‌رو، بدون اغراق، فرش شده بود از کاغذ و روزنامه، کاغذهایی چاپ شده، در قطع و اندازه‌هایی گونه گون، از کارت ویزیت گرفته، تا مجله‌هایی کوچک، متوسط، بزرگ، نیم ورقی، رقعی و خشتی و... خواستم نمونه بردارم که دیدم جوانان غیور، دامنم را از نمونه‌هایی که می‌خواستم پر کردند. با گفتن: آقا فهمیدم دارم زیر بار تبلیغات دفن می‌شوم؟ این درس بزرگی است که خیلی خوب یادش گرفته‌ام. این واقعیت عریان را که: هیچ چیزی را غیر از تبلیغ و آگهی، مجانی به آدم نمی‌دهند، هر چند صاحب کالا و آگهی، کلی خرج آن کرده باشد (بهای سرسام آور تلویزیون را به یاد بیاورید) باری، تمام اوراق و مجلات پر تصویر و مجانی را از نظر گذراندم؛ همه تبلیغ کلاس‌های کنکور بودند. رنگی و پر ورق، مختصر و مهجور، جلد کاهی و براق، نمایشگاهی از نمایشگاه کتاب پر رونق‌تر (از نظر فراوانی جلوه‌های ویژه چشم‌نواز)، یک عکس تمام قبول شدگانش را از دفیانوس تا حال، رنگی و در رژست‌های گوناگون چاپ کرده بود. دیگری فرمان می‌داد: ماست ما را میل کنید تا فکر نکنید می‌خواهیم کلاه سرتان بگذاریم، سومی با حروف درشت و رنگی، قیمت کلاس‌هایش را مرفوم فرموده بود و شکستن بازار را به رخ می‌کشید و چهارمی نقشه جغرافیایی آموزشگاههایش را در تهران و اقصای این خاک، رسم کرده بود و پنجمی، فروشگاههای زنجیره‌ای‌اش را (ببخشید آموزشگاه بخوانید به جای فروشگاه).

جالب اینکه، موزعان کار کشته، هر جور که بود، روزنامه‌ها و برگه‌ها را به عابران می‌قبولاندند و عابران مجبور، همین که می‌گرفتند جلوی خود توزیع کننده، مجاله‌اش می‌کردند، یا از همان دست که می‌گرفتند، بی‌درنگ پرتش می‌کردند یک گوشه و همین پرت شده‌ها بود که فرش کشیده بود بر پیاده‌رو و من حس کردم بر پنبه پا گذاشته و می‌گذرم. همان لحظه فکر کردم، نه واقعاً چنین تبلیغی چقدر کاربرد و خاصیت دارد؟ اما اول نوشته عرض کردم عصبی بودم. حالا می‌گویم چرا، پیش از گفتن عصبیتم، بگذارید عرض کنم وقتی به میدان اول و دوم صادقیه هم رسیدم، دیدم پیاده‌روها که هیچ، توی خیابان هم پر شده بود از این ماده اساسی اندیشه یعنی کاغذ. نمی‌دانید وقتی ماشین‌ها بر این اوراق بی‌زبان می‌راندند و صدای غژغژشان را در می‌آوردند چه حالی داشتم.

به اصل ماجرا برسیم. پیش از سر به خیابان گذاشتنم، ناشرم زنگ زده بود که فلانی، بعد از این همه مدت، ما حالا فقط و فقط مشکل کاغذ داریم و بس، مجوز گرفته‌ایم و کار فیلم و زینک و چه و چه هم تمام شده اما فعلاً می‌گویند کاغذ دولتی نداریم، اگر بخواهیم آزاد بگیریم قیمت کتاب‌هایت، چون سه جلد است، سر می‌زند به فلک و...

چنین بود حکایت. به ناشر محترم عرض کردم، من که این همه منتظر مانده‌ام، باز منتظر می‌مانم تا کتاب چنان قیمتی پیدا نکند که خریدار با دیدنش جد و آباد نویسنده را از گور بکشد بیرون و هر چه دق و دلی دارد بر سر آنان خالی کند... دریغ که نمی‌دانستم ساعتی بعد توی میدان‌ها چه می‌بینم و گرنه بهش می‌گفتم: وقتی آن همه کاغذ - به دولتی و آزادش کار ندارید - صرف آن همه کاغذ پاره شده، معلوم است که توی بازار کاغذ نباشد. حتی می‌ترسم انبار کاغذفروشان قدیم و جدید هم خالی شده باشد. انصافاً همین برای بازار کتاب، ضربه نفس گیری نیست؟

منتشر شد

زهرا حاج محمدی

محمدحسن محمدی، مدیر انتشارات مهاجر

در جستجوی رقابت عادلانه برای نشر

سیستم مؤسسات دولتی نشر در ایران شفافیت بخش خصوصی را ندارد. این مؤسسات عمدتاً متکی به بودجه‌های عمومی و رانت‌هایی در بودجه عمومی کشور است. چنین عملکردی به تفاوت‌های ماهوی فراوان در فرآیند نشر دولتی و خصوصی منجر می‌شود.

محمدحسن محمدی مدیر انتشارات مهاجر که سال‌ها در مؤسسات نشر دولتی مسؤولیت‌هایی داشته است، معاون بازرگانی و قائم‌مقام مدیر عامل مؤسسه انتشارات مدرسه و مدیر عامل انتشارات سوره، سیستم نشر در حوزه دولت را سیستم ناکارآمدی تلقی می‌کند: «ما در سیستم نشر دولتی از امکانات فراوانی برخوردار بودیم از جمله فروشگاه رایگان، تهیه یک فروشگاه مناسب حداقل ۵۰۰ میلیون تومان برای ما هزینه در بر داشت حال آنکه با استفاده از ساختمان‌هایی که در اختیار بخش دولتی است، این هدف براحتی و بدن کمترین سرمایه‌گذاری خاصی تأمین می‌شود.»

تصویب قانونی که واگذاری مؤسسات نشر را به بخش دولتی محدود و یا از آن ممانعت ورزد، شاید مهمترین موضوعی باشد که نشر را از عرصه رقابت‌های ناسالم امروز خارج می‌کند و شرایط مساوی تولید و توزیع را در اختیار همگان قرار می‌دهد. محمدی می‌گوید: «آمار و ارقامی که به طور رسمی یا غیر رسمی منتشر شده، نشان‌دهنده این حقیقت است که تعداد زیادی از مدیران ما در حوزه فرهنگ، خود مدیریت مؤسسات نشر را به طور مستقیم یا غیر مستقیم به عهده دارند.

اغلب مدیران شاغل در بخش‌های فرهنگی به واسطه یا بی واسطه، مدیریت مؤسسات نشر را در کشور عهده‌دارند. این دسته از مؤسسات انتشاراتی اگر هم در بخش خصوصی به ثبت رسیده باشد اما به شکل‌های متفاوتی از رانت‌های خاصی برخوردار می‌شوند.»

با ورود به عرصه مشخصات و ویژگی‌های نشر دولتی و بررسی رئوس اهداف و قابلیت‌های آن در مقایسه با نشر خصوصی می‌توان فضایی قابل ترسیم از میدان عمل این دسته از ناشران ارائه داد. «عرضه امکانات و ارائه تسهیلات در دو حوزه نشر دولتی و خصوصی نشان‌دهنده آن است که ناشران دولتی و خصوصی از امکانات و تسهیلات برابر و یا دست کم درباره این موارد قابل مقایسه‌ای با یکدیگر برخوردار نیستند. میزان تسهیلات ارائه شده به ناشران خصوصی حکایت از ظلمی دارد که به ناشران خصوصی می‌شود. توجه به تسهیلاتی شامل فضای نشر، فضای عرضه و توزیع، پخش و دریافت رانت‌های ویژه در هر یک از بخش‌های فنی. تولید، عرضه، امکانات ویژه در دادن کاغذ و دیگر تسهیلات فنی... نشان دهنده تفاوتی است که در حوزه امکانات، نشر دولتی را متمایز از نشر خصوصی می‌کند.»

در حوزه کتاب کودک و نوجوان چهار نشر بزرگ مدرسه، تربیت، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و انتشارات انجمن اولیا و مربیان مجموعه عظیمی از نشر را شامل می‌شوند.

در حوزه نشر کتاب بزرگسال، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، امیرکبیر، سوره، معاونت بین‌الملل سازمان تبلیغات اسلامی، آستان قدس رضوی، سروش، حوزه علمیه و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جمعی از ناشران را در بر می‌گیرند که اگرچه هر یک در حوزه حدود اختیارات، وظایف و تولید کتاب موفقیت‌هایی در عرصه‌های مختلف نشر داشته‌اند اما همواره با انتقاد از سوی ناشران خصوصی مواجه بوده‌اند. «این دسته از ناشران دولتی، فضا را برای ناشران خصوصی تنگ می‌کنند. آن هم نه در قالب رقابت سالم و شفاف بلکه رقابتی در سایه امکانات دولتی، بودجه عمومی و رانت‌های سالی، ارتباطات گسترده‌ای از دولتی‌ها.

ناشران دولتی حتی بازار راحت اختیار خود دارند. حضور آنها در نمایشگاههای بزرگ کتاب به‌صورت گسترده انجام می‌شود. انتشارات تربیت نمایشگاه کتاب ترتیب می‌دهد و نزدیک به ۳۱۵ میلیارد تومان کتاب از او خریداری می‌شود. این کتاب‌ها وقتی در مدارس و کتابخانه‌های کشور سرازیر می‌شود، بازار کتاب کودک و نوجوان به قدری اشباع می‌شود که هیچ ناشر خصوصی را توان رقابت با آن نیست.»

در چنین بازاری چگونه می‌توان احساس نیاز به برخی موضوعات و عناوین را در مخاطبی که بیشتر بر اساس آنچه به او ارائه می‌شود، کتاب خریداری می‌کند و نه بر اساس آنچه خود پیشاپیش آن را انتخاب می‌کند، ایجاد کرد؟ روش حضور ناشران خصوصی در فضایی که حجم تولیدات ناشران دولتی آن را به اشباع رسانیده است، چگونه و با چه ابزاری عملی است؟ و دولت چه کمک خاصی به ناشران خصوصی می‌کند تا توان بالقوه آنها را افزایش دهد؟

گفته می‌شود که دولت با خرید از ناشران خصوصی کمک‌هایی به ناشران ارائه می‌دهد. اما حقیقت آن است که نیمی از کار خرید کتاب از ناشران از همان ناشران دولتی که پیش از این تسهیلات ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند، انجام می‌شود. در نهایت می‌توان گفت که ناشران دولتی از تسهیلات ویژه‌ای هم در تولید برخوردار هستند و هم بازار مصرف را در قبضه خود دارند.

ناشران دولتی حتی بازار را تحت اختیار خود دارند. حضور آنها در نمایشگاههای بزرگ کتاب به صورت گسترده انجام می‌شود

اما شناختی که خواننده از کتاب و تفکر تولید آن دارد او را همواره به سوی خرید کتاب از ناشران مستقل و خصوصی سوق داده است. در یک کلام شاید بتوان گفت که غیر دولتی بودن عنوانی است که خرید و علاقه به خرید را در عموم جامعه ترویج می‌کند. محمدی می‌گوید: «ناشران خصوصی با هزار زحمت و با هزاران مشکل مادی و معنوی در این حوزه به بقای خود ادامه می‌دهند. اگر از ناشران مستقل که تعهد کاری ندارند و سودجویی را پیشه کرده‌اند بگذریم، ناشرانی که ارائه و تولید کیفی برایشان اهمیت خاص دارد، همواره متضرر بوده‌اند. سابقه نشر در کشور ما ثابت کرده است که این حرفه بدون کمک دولت نمی‌تواند خیلی سودآور و موفق عمل کند چون کتاب نتوانسته جایگاه جدی‌ای در بین علایق عمومی باز نماید، پس کار نشر کار مقرون به صرفه‌ای نیست با دست کم سود آن نمی‌تواند تکیه‌گاه محکمی برای بقای همیشگی ناشر باشد. در نهایت ناشری در این میدان برنده است که کمتر ریسک کند یا کمتر سرمایه شخصی خود را وارد حوزه نشر کند. آیا هیچ وقت از خود پرسیده‌اید که چرا هیچ شرکت خودروسازی در بخش خصوصی نمی‌تواند متولد شود چون سایپا و شرکت ایران خودرو با کمک دولت و به پشتوانه دولت تمامی ابزار تولید خودرو در ایران را در دست گرفته‌اند. در چنین فضایی آیا یک تولیدکننده خصوصی می‌تواند با این دو غول بزرگ تولیدی در کشور رقابت کند؟»

اما نمی‌توان گفت که حمایت دولت تنها مضرت استاد پس. «حسن حضور دولت حمایتی است که از نویسندگان، شاعران و مؤلفان نوپا می‌شود و البته گاه نگاه سیاسی در این میدان حاکم می‌شود اما دولت در بخش‌هایی که بازگشت سرمایه در آنها تضمین شده نیست مثل کتاب نوقلم می‌تواند حضور مؤثر و مفیدی داشته باشد.»

دنیای نشر در جهان از چه سیستمی تابعیت می‌کند، محمدی در پاسخ به این سؤال می‌گوید: «در هیچ کجای دنیا دولت در امور فرهنگی (به‌ویژه) متصدی نیست بلکه کارش اعمال حاکمیت است. دولت مقررات وضع می‌کند و بودجه در اختیار می‌گذارد اما هرگز شریک حساب نمی‌شود و وقتی تا پای سود و زیان او به وسط آید آن وقت همان دولت با همان ابزارهای قوی به جنگ با بخش خصوصی با ابزارهای محدود و اندک می‌رود. وقتی دولت وارد سیستم تولید می‌شود نمی‌توان انتظار داشت که رقیب نباشد و از منافع خود حمایت نکند. ما قبول داریم که انقلاب ما انقلاب فرهنگی است پس نمی‌توانیم حضور دولت در حوزه فرهنگ را به هیچ وجه نادیده بگیریم اما می‌توانیم از دولت بخواهیم خودش مستقیم وارد عمل نشود بلکه فقط حاکم باشد و قانون‌گذار، اما تولید را کنار بگذارد. شاید اگر روزی ناشران دولتی پیلان‌های کاری خود را منتشر می‌کردند آن وقت حجم حضور دولت، حمایت دولت و تسهیلات دولتی در بخش نشر روشن می‌شد و آن وقت بر اساس اطلاعات شفاف‌سازی شده به یک تعریف و تقسیم‌بندی درست در حوزه نشر می‌رسیدیم، معایب را رفع می‌کردیم و نقاط قوت را جلا می‌دادیم.»

در بحث کیفیت و محتوا، تجربه ثابت کرده است که سیستم دولتی پاره‌ای مواقع موفق عمل کرده اما این موفقیت بیشتر چارچوب‌های فنی و ظاهری کتاب را در برگرفته است. شاید در بحث کتاب‌های تحقیقی نیز چنین جمع‌بندی قابل قبول باشد اما در بحث توجه به سلایق مخاطبان دولتی کمترین موفقیت را داشته است.

«به کرات ثابت شده که کتابی که در بخش خصوصی منتشر می‌شود هم از نظر کیفیت محتوایی و گاه حتی از نظر ظواهر و چارچوب‌های ظاهری کتاب از نمونه‌های مشابه خود در بخش دولتی در رده بالاتری قرار داشته است. سیستم دولتی از آنجا که بر پایه تفکر اقتصادی شفاف شکل نگرفته است بیشتر تولید انبوه را الگوی کاری خود قرار داده است. در بخش محتوایی نیز از آنجا که در دولت، بحث سیستم‌های حمایتی جدی‌تر است هیچ‌گاه نمی‌توان نقد دقیقی از کیفیت محتوایی آثار ارائه داد.»

این همه حکایت از نقدی دارد که بخش خصوصی بر حضور و دخالت دولت دست کم در حوزه نشر دارد. محمدحسن محمدی به عنوان ناشری که سال‌های سال در سیستم‌های دولتی سمت‌های مدیریتی داشته و امروز تنها مدیر انتشارات مهاجر- یک انتشارات خصوصی در حوزه کودک و نوجوان- است، تجربه این در نوع تفاوت مدیریتی را پشت سر گذاشته است.

نقد او شاید به سیستم نشر دولتی قدری صریح باشد اما به واسطه تجربه عملی وی در حوزه نشر عمیق و بر پایه واقعیات موجود جامعه نشر کنونی ماست. تا آنجا که به اقرار وی سیستم دولتی فشل و نارساست.

گزارش خبری

مرتضی مرتضایی

تشکیل شورای ملی توسعه برای عبور از بحران نشر کتاب کودک

تشکیل «شورای ملی توسعه» و هماهنگ کردن سیاست‌های مختلف در این حوزه، یکی از پیشنهادهای انجمن نویسندگان کودک و نوجوان برای عبور از بحران کنونی سازمان نشر کتاب کودک و نوجوان ایران است.

علیرضا کرمانی سرپرست پژوهش تدوین سیاست‌های دهه ۸۰/روز چهارشنبه، نوزدهم آذرماه در نشست مطبوعاتی انجمن نویسندگان کودک و نوجوان در این باره، گفت: «پس از بررسی‌های انجام شده به این نتیجه رسیدیم که نهادهای مختلف درگیر در حوزه کتاب‌های کودک و نوجوان، فعالیت‌های مختلفی را انجام می‌دهند که گاهی این فعالیت‌ها با یکدیگر تناقض دارند. این در حالی است که یونسکو چند دهه پیش تشکیل شورا‌های ملی توسعه کتاب را به کشورها پیشنهاد داد و این شورا‌ها در برخی کشورها تشکیل شده و نتایج مثبتی هم داشته‌اند.»

علی اصغر سیدآبادی، دبیر انجمن نیز در این باره اظهار داشت: «ما در پیشنهادمان تأکید کرده‌ایم که مشکلات این حوزه مشکلات فرابخشی است و مسائل آن هم باید به صورت فرابخشی حل شود و همه نهادهای درگیر بخصوص نهادهای غیردولتی در این شورا مشارکت داشته باشند.»

علیرضا کرمانی در بخش دیگری از این نشست درباره بحران سازمان نشر کتاب سخن گفت و در ادامه سازمان نشر کتاب کودک و نوجوان را مورد بررسی قرار داده و اظهار داشت: «سازمان نشر کتاب کودک و نوجوان یک مدل مفهومی برای قابل تحلیل کردن کلیه عوامل مؤثر بر تولید کتاب‌های کودک و نوجوان کشور است که با هم تعامل دارند.»

وی افزود: «پدیدآورندگان، ناشران، عوامل فنی و تکنولوژیک، موزعان و کتابفروشان و کمیت و کیفیت کتاب‌ها جزو عوامل درون سازمانی نشر کتاب کودک و نوجوان هستند و عوامل برون سازمانی شامل عوامل جمعیتی، عوامل اجتماعی، فرهنگی، عوامل قانونی، سیاسی، اقتصادی، بین‌المللی و... است که نقش دولت نیز جزو عوامل بیرون سازمانی بررسی شده است.»

مهدی حجوانی، رئیس هیأت مدیره انجمن نیز که در این گفت‌وگو شرکت کرده بود، با اشاره به ۲۷ آذرماه، سالروز تشکیل اولین مجموع عمومی انجمن نویسندگان کودک و نوجوان گفت: «ما تلاش کرده‌ایم در چارچوب اساسنامه انجمن به دور از سلایق و تمایلات فردی فعالیت کنیم.»

وی در ادامه افزود: «در انجمن گرایش‌های مختلفی حضور دارند و در مجاورت هم فعالیت می‌کنند و همین مجاورت و همفکری و همکاری باعث شده که بسیاری از سوءتفاهمات از بین برود و پیوند عاطفی بین گرایش‌های مختلف ادبیات کودک ایجاد شده و نویسندگان با حفظ استقلال فردی در کنار هم کار و فعالیت کنند.»

حجوانی در پایان از همه نویسندگان فعال کودک و نوجوان برای عضویت در انجمن دعوت کرد.

محمدرضا رئیسی

گفت و گو با مجید جعفری اقدم: کارشناس توسعه نشر بین‌الملل

جنبه های بین المللی نشر ایرانی

موضوع حضور کتاب ایران در خارج آنقدر گسترده است و پرداختن بدان چنان ضروری که به نظر می‌رسد با چند گزارش، سمینار یا نامگذاری در هفته کتاب، نتوان راهکارهایی برای رفع مشکلات آن ارائه کرد یا حتی بدان پرداخت. با مجید جعفری اقدم کارشناس توسعه نشر بین‌الملل گفت‌وگوی مشروحی انجام داده‌ایم که قرار بود در ایام هفته کتاب منتشر شود اما پاسخ‌های دقیق و موشکافانه ایشان و نیز احاطه و دقت نظرشان در حوزه نشر بین‌الملل متقاعدمان کرد که مشروح گفت‌وگو در فرصتی مناسب‌تر بعد از هفته کتاب (که گستره توزیع نشریه هم سراسری است) منتشر شود. جعفری اقدم هم‌اکنون مشاور معاونت امور فرهنگی است.

به نظر شما اساساً ایران می‌تواند حضور فعالی در عرصه نشر بین‌المللی داشته باشد؟

چند دلیل عمده را می‌توان درباره ضرورت حضور فعال ایران در صنعت نشر جهان بر شمرد اول اینکه ما سرمایه‌های غنی و بی‌پایری را در حوزه ادبیات مکتوب داریم و مثلاً در حوزه خاصی مثل ادبیات کودک و نوجوان، دین، هنر و ایران‌شناسی حرف زیادی برای گفتن داریم، چنین سوابق و متونی شاهد آن است که از این نظر ما دارای سرمایه‌های بالقوه فراوانی هستیم. دلیل دوم استقبال خوب مخاطبان بین‌المللی از کتاب‌های ایرانی است که تجربه نشان داده است هر وقت کتاب ایرانی به طور کارشناسی و با زبان مناسب در حوزه بین‌المللی نشر مطرح شده با استقبال عمومی خوبی مواجه شده است. دلیل دیگر برخورداری حوزه نشر ایران از موضوعات بکر و قابل طرح در سطح جهان است. موضوعاتی که در جهان امروز مطرح است چرا که انسان امروزی برای رهایی از وضع موجود خود به نوعی از خود بیگانگی با خود و ماشین زدگی به دنبال معنویت و انسانیت از دست رفته خود می‌باشد که ادبیات ما در این زمینه حرف‌های زیادی برای گفتن دارد. از جمله قصه‌ها و داستان‌های کوتاه ایرانی، دلیل چهارم مسأله بسط و گسترش حوزه تقاضا و ورود به بازارهای جدید است که برای رهایی از رکود فروش کتاب در داخل نیاز مبرم به آن داریم که دامنه مخاطبان خود را افزایش داده و کتاب‌هایمان را در بازارهای جدید مطرح کنیم و آخرین دلیل هم بحث توسعه روابط فرهنگی با سایر ملل است که شاید بهترین روش و ابزار برای ایجاد و بسط روابط فرهنگی با سایر کشورها استفاده از امکانات موجود در حوزه مکتوب کشور باشد.

با این وصف برای حضور موفق در نشر بین‌المللی به چه تمهیدات و وسایل و ابزاری نیازمندیم؟

اولین ابزار لازم، آگاهی از قواعد حضور در بازارهای نشر بین‌الملل است که شامل شناسایی ناشران و آژانس‌های ادبی و بین‌المللی و برقراری ارتباط مستمر با آژانس‌ها و ناشرها و مبادله کاتالوگ ونیز معرفی آثار ایرانی و آشنایی با نحوه مذاکره بین‌المللی و چند و چون قراردادهای مربوطه در این زمینه می‌باشد. دیگر اینکه جهت حضور در نشر بین‌الملل ضرورت نگاه کارشناسانه به موضوعات و رویدادهای فرهنگی بین‌المللی از جمله نمایشگاههای کتاب است و اینکه ناشران ایرانی قبل از شرکت در این قبیل نمایشگاهها مطالعه و شناخت کافی از این نمایشگاهها داشته باشند و برای حضور این برنامه‌ها از برنامه کاری دقیقی برخوردار باشند. اما مسأله مهم دیگر نگاه جدی به بحث ترجمه است. یعنی استفاده از مترجمان و ویراستاران زبده و شناخته شده است تا این افراد زبده و معروف از اعتبار خودشان در تأیید کتاب‌ها استفاده کنند.

مطلب دیگر ضرورت چاپ و انتشار کتاب در حد استانداردهای بین‌المللی و لزوم همکاری گسترده با شبکه‌های توزیع بین‌المللی می‌باشد.

به نظر شما مهمترین مشکلات حضور در عرصه نشر بین‌الملل چیست؟

مهمترین و مطرح‌ترین مشکل ایران عضو نبودن در کنوانسیون کپی‌رایت و رعایت نکردن حق رایت کتاب‌های خارجی توسط ناشران ایران است که موجب شده تصویری نادرست و زشت از نشر ایران در صحنه بین‌المللی ایجاد شود. مشکل دیگر تعداد کم کارشناسان توسعه نشر بین‌الملل در کشور است که قادر به راهنمایی و مشاوره ناشران و نویسنده‌های داخلی برای ورود به بازارهای بین‌المللی کتاب باشند.

تعداد بسیار کم مترجمان و ویراستاران زبده برای ترجمه متون از فارسی به زبان‌های دیگر هم مشکل دیگری است.

همچنان که نبود تشکیلات تعریف شده و قوی برای سازماندهی امور مربوط به نشر بین‌المللی در کشور و ضعف اطلاع‌رسانی بین‌المللی نیز از جمله موانع موجود برای حضور موفق ایران در عرصه نشر بین‌الملل می‌باشد و مسأله آخر هم نقش دولت و چگونگی ایفای این نقش در این راستا و اقداماتی در این حوزه است.

> **◆ مهمترین و مطرح ترین مشکل ایران عضو نبودن در کنوانسیون کپی رایت و رعایت نکردن رایت کتاب های خارجی توسط ناشران ایران است**

به مسأله ترجمه کتاب‌های ایران اشاره کردید. برخی معتقدند که با توجه به جمعیت فارسی زبان در خارج از کشور، اعم از ایرانی‌های مقیم خارج از کشور و یا فارسی زبان‌های افغانستان و تاجیکستان در حوزه کتاب فارسی هم جای کار بسیار است...

ببینید ما دو بحث درباره توسعه نشر بین‌المللی داریم؛ یکی بحثی معرفی کتاب ایرانی برای فروش حق رایت آن است که بتواند به زبان‌های دیگر توسط ناشران خارجی در آن کشورها چاپ و به فروش برود. مطلب دیگر مسأله توزیع کتاب ایرانی است و این موضوع که در کشورهایی که با ما قرابت‌های زبانی نزدیک دارند که باز خود به نوعی بحثی از توسعه نشر بین‌المللی محسوب می‌شود...

خب همین توزیع کتاب در خارج از کشور چگونه باید باشد، آیا سازمان خارجی می‌خواهد تا متولی این کار باشد؟

بله. به نظر می‌رسد که این اتفاق باید بیفتد یعنی باید یک بخش نشر بین‌المللی روی این قضیه کار کند. یعنی یک بخش خاص روی توزیع این کتاب‌ها، یک بخش روی حمایت از رایت آنها و بخشی دیگر در رابطه با اهدای کتاب‌های ایرانی جهت حضور در کتابخانه‌های بین‌المللی کار کند. همه اینها در اصل زیرمجموعه نشر بین‌المللی به شمار می‌آید ولی هر کدام موضوع خاص خودش را دارد و طبعاً راه کارهای خاص خود را نیز می‌طلبد.

بر ضرورت نزدیکی بیشتر و ارتباط فعال‌تر با دست‌اندرکاران نشر بین‌الملل اشاره کردید به نظر شما چه موانعی هم اکنون بر سر توسعه این ارتباط وجود دارد؟

منظور من این بود که ناشر ایرانی که می‌خواهد در نمایشگاههای بین‌المللی شرکت کند، اولاً باید بررسی کند که آیا حضور در این نمایشگاه برای وی مقرون به صرفه هست یا خیر و آیا اصلاً کتاب وی مخاطب و بازار لازم را خواهد داشت یا خیر. بعد از آن هم بررسی کند که در این نمایشگاه با چه کسانی دیدار خواهد کرد و قرار است کتاب‌های خود را به چه کسانی معرفی کند. یعنی این طور نباشد که بدون اطلاع کافی غرفه‌ای در یکی از این نمایشگاهها رزرو شود و ناشر کتاب‌های خود را بدون شناخت کافی از مخاطبان نمایشگاه در آنجا عرضه کند.

مسأله دیگر کاتالوگ‌ها و ترجمه‌هایی است که قرار است در این نمایشگاهها عرضه شوند. ما ملت دقیقه ۹۰ هستیم و کار را نگه می‌داریم تا در دقیقه آخر انجام دهیم و این مسأله در مورد نحوه انتشار کاتالوگ‌های ما هم صدق می‌کند در این نمایشگاهها برای انتشار این کاتالوگ‌ها یکسری استانداردهایی را که جنبه بین‌المللی هم دارد در نظر می‌گیرند و برای شرکت کنندگان در این نمایشگاهها ظاهر این کاتالوگ‌ها و اینکه ترجمه‌های موجود در این کاتالوگ‌ها غلط نباشد اهمیت زیادی دارد.

آیا به عنوان یک هدف کوتاه مدت نمی‌توان به مسأله تغذیه فارسی زبان‌های خارج از کشور اندیشید و در این زمینه اقداماتی کرد؟

مخاطب‌های فارسی زبان ما دو دسته هستند یک عده از آنها که اصلاً صرفه اقتصادی برای ناشر ندارند و اصلاً انتشار کتاب برای آنها به صرفه نیست. یک عده هم که ایرانیان مقیم خارج از کشور هستند که اینها هم با توجه به اینکه یکسری از ناشران ایرانی در آنجا هستند که تا حدودی اینها را تغذیه می‌کنند به نظر می‌رسد نتواند بازار وسیعی برای فروش محصولات ایرانی فراهم آورند البته این بدان معنا نیست که آنها به کتاب‌هایی که در ایران تولید می‌شود هیچ نیازی ندارند.

در مورد تاجیکستان و افغانستان چطور؟ با توجه به آنکه آنها صنعت نشر قوی دارند ناشران ایرانی می‌توانند در آنجا موفق باشند؛ این طور نیست؟

این درست است اما نه از جهت فروش مستقیم، بلکه از این جهت که با توجه به آنکه هزینه چاپ کتاب در این کشورها بالا می‌باشد ناشران ایرانی می‌توانند قراردادهایی را با ناشران کتاب در آنجا منعقد کنند و کتاب‌های آنها را در ایران چاپ کرده و به آنجا بفرستند که این خود می‌تواند ابزاری باشد برای توسعه نشر ایران.

آقای جعفری، ما با دو نگاه به حضور کتاب ایرانی در خارج از کشور مواجه هستیم؛ نگاهی که در آن قضیه فرهنگ و ارتباطات فرهنگی مطرح است و نگاهی دیگر که مسأله اقتصادی آن پررنگ‌تر است. کدام یک از این نگاهها از نظر شما اهمیت بیشتری دارد؟

اگر نگاه از زاویه اقتصادی هم باشد در آخر قضیه همان انتقال فرهنگی شکل خواهد گرفت. منتها حوزه نشر حوزه‌ای است اقتصادی و کسانی که در این زمینه کار می‌کنند بعد اقتصادی مسأله برایشان خیلی مهم است. به نظر من ما باید روی هر دو قضیه کار کنیم و به مسأله توسعه صادرات محصولات فرهنگی ایران بیشتر توجه کنیم و به این توجه داشته باشیم که سرمایه‌های زیادی در این زمینه داریم و می‌توانیم به توسعه صدور محصولات فرهنگی به چشم یک منبع درآمد هم بنگریم.

در مورد حضور ناشران ایرانی در نمایشگاههای خارج از کشور بحثی مطرح است که می‌خواستم نظر شما را هم بدانم و آن برمی‌گردد به چگونگی شرکت ناشران ایرانی در این نمایشگاهها یک عده از ناشران با هزینه شخصی خود در این نمایشگاهها شرکت می‌کنند و عده دیگری هم با هزینه و حمایت دولت برای آشنایی و کسب تجربه در این زمینه. بعضی از ناشران معتقدند انتخاب این ناشران که با هزینه دولت در این نمایشگاهها شرکت می‌کنند براساس روابط است نه ضوابط و از طرفی این ناشران از دریافت‌ها و تجربیات خود این نمایشگاهها تنها برای پیشرفت انتشارات خود استفاده می‌کنند و آن را در اختیار دیگر ناشران قرار نمی‌دهند یعنی به نوعی نقض غرض شده و عملاً هدف اصلی که انتقال تجربیات این افراد به کل صنعت نشر کشور است فراموش می‌شود.

تا آنجایی که من اطلاع دارم هیچ کدام از ناشرانی را که در این نمایشگاهها شرکت می‌کنند، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انتخاب نمی‌کند، بلکه فقط از حضور آنها حمایت می‌شود و این کار هم گزینشی نبوده. من شنیده‌ام بعضی از ناشران که خودشان می‌رفتند و غرفه می‌گرفتند و بعد از نمایشگاه فاکتور نمایشگاه را می‌آوردند و هزینه آن را می‌گرفتند. البته این مطلب خیلی مستند نیست و من تنها این را شنیده‌ام. ولی تا آنجا که اطلاع دارم بعضی از ناشران هم خودشان شرکت می‌کردند و غرفه هم نمی‌گرفتند و ارشاد هم از آنها حمایت مالی نکرده است. من می‌توانم ادعا کنم که در این سه چهار سال اخیر که معمولاً در نمایشگاهها بوده‌ام این اتفاق نیفتاده است و مگر اینکه ناشران دولتی بودند و از طرف نهادهای تحت قیومیت خود حمایت می‌شوند.

به هر حال ناشران به نوعی با پشتیبانی دولت شرکت می‌کنند، حالا با هر عنوان. فکر می‌کنید حضور این افراد در این نمایشگاهها می‌تواند تأثیر مثبتی در توسعه صنعت نشر ما در کل کشور داشته باشد؟

هر ناشر ایرانی که در این نمایشگاهها شرکت می‌کند به نوعی کتاب ایرانی را در این نمایشگاهها مطرح می‌کند اما این طرف قضیه که شما فرمودید که این افراد وقتی که برمی‌گردند تجربیات خود را به دیگر ناشران منتقل نمی‌کنند درست است. چرا که حوزه نشر یک حوزه اقتصادی نیز محسوب می‌شود، بنابراین هیچ ناشری نمی‌گوید که در این نمایشگاهها با چه افرادی صحبت کرده و با چه ناشرانی ارتباط داشته است و آن ناشری که شرکت کرده اصلاً با هزینه دولتی شرکت نکرده که بیاید و اطلاعات خود را در اختیار دیگران قرار دهد چرا که می‌خواهد از تجربیات خودش برای رونق کار خود استفاده کند.

در مورد نقش دولت در توسعه نشر ایران در عرصه بین‌المللی، شما چه نقشی را برای دولت در این رابطه قائل هستید؟

من نقش دولت را در سه حوزه کلی می‌توانم تقسیم بندی کنم. یکی اینکه دولت در ایجاد ارتباط بین نشر ایران و نشر خارج از کشور می‌تواند نقش تسهیل کننده و گسترنده‌ای را ایفا کند؛ از دیگر اقداماتی که دولت می‌تواند در این راستا انجام دهد کمک به ناشران در گرفتن ویزای کشورهای برگزار کننده نمایشگاهها است. ولی نکته‌ای که در این زمینه اهمیت دارد این است که در هر حال نقش دولت در این زمینه باید نقشی حمایتی باشد یعنی نباید نقش دولت طوری باشد که ملموس و عینی باشد. همچنین دولت باید بتواند در زمینه اطلاع‌رسانی و تبلیغات کمک کرده و مثلاً به چاپ نشریاتی به طور اختصاص در زمینه توسعه نشر بین‌الملل کمک کند یا کمک به ایجاد سایت‌ها و آرشیوهایی بکند که ناشران ایرانی بتوانند براحتی از آنها استفاده کنند. دولت می‌تواند از چاپ کتاب‌هایی که برای معرفی نشر ایران به خارج از کشور منتشر می‌شود حمایت کند، همچنین می‌تواند از تحقیقات مربوط به اطلاع‌رسانی در حوزه نشر بین‌المللی استفاده کرده و بحث آن را در راستای کارهای خود قرار دهد. همچنین دولت می‌تواند به نوعی از طرح‌هایی که کتاب ایران را در جهان معرفی می‌کند حمایت کند.

رسانه

جهان کتاب

صد و هفتاد و ششمین شماره جهان کتاب منتشر شد.

روایت جادوگر رئالیست از زندگی خود (درباره کتاب زیستن برای باز گفتن)، ارزش متن در سندهای آرایشی (نقدی بر کتاب جلوه‌های هنر ایرانی در اسناد ملی)، پیشینه پان ترکیسم (درباره پان ترکیسم)، نگاهی گذرا به یک ترجمه رمان کوری، گشتی در بازار کتابفروشی های بغداد و تازه‌های بازار کتاب از جمله مطالب این شماره جهان کتاب است.

کودک و نوجوان

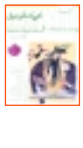

شماره ۷۲ کتاب ماه کودک و نوجوان منتشر شد.

در این شماره بخش ویژه صمد بهرنگی را با آثاری از شهرام اقبال‌زاده، جواد محقق، حسن میرعابدینی، حسین شیخ‌الاسلامی، آرزو اواری و... می‌خوانید.

گزارشی از وضعیت انتخاب نام برای کتاب‌های کودک و نوجوان اسطوره و کودک، دوگانه‌نویسی در آمریکا و سوئد، همراه با مطبوعات کودک و نوجوان و نقد و بررسی کتاب‌های کودک و نوجوان برخی از مطالب این شماره کتاب ماه کودک و نوجوان است.

سرگذر

سهیل محمودی
Sohail-mahmoudi@hotmail.com

نامه‌ای از یک دوست

از خلاف آمد عادت بطلب کام که من
کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم

این یادداشت‌ها، گاهی وقت‌ها اظهارنظرهایی را برانگیخته، به پیشنهادی و یا انتقادی، گاهی شفاهی است، و گاهی مکتوب. مثلاً به خدمت عزیزی می‌رسم و تقبدها و تشویق هایش، دلگرم می‌کند. یعنی اینکه این قلم زدن‌ها، مُشتی در تاریکی نبوده و جیغی در خلأهم. این مشت باز به جایی خورده. و این جیغ نارسا به گوشی رسیده. واصلاً این قلم‌اندازها، که قدم زدن در پیاده‌روهای صمیمیت است، از لحن و ادبیات متفاوت برخوردار است تا دلی را با خود همراه کند.

و اما آنها که به تقلی شفاهی بسنده می‌کنند، دور و برشان شلوغ است و سرشان گرم. و گاهی عکس‌العمل‌ها و پیشنهادها و انتقادها مکتوب است. و آنها که قلم به دست می‌گیرند و مرا به مکتوبی می‌توازند؛ معلوم است که در این روزگار پرشتاب و روزهای سرسام، از آرامشی برخوردارند. که خدا را شکر از این نعمت آرامش و فرصت و تامل و حوصله‌ای که به خرج می‌دهند. سعی کرده‌ام که اگر مراسله‌ها، تشویق صاحب این خودکار سبز بود، با عشق و اشتیاق بخوانم و برای خودم نگه‌دارم. و اگر انتقادی بود. حتی تند، به چاپ آنها اقدام کنم.

پس - هر نوع اظهارنظری و انتقادی و پیشنهادی و تکمله‌ای و تذکری دربارهٔ این یادداشت‌ها برای من ارجمند است. این، از این.

و اما بعد، عزیزم، رسول زمانی نائینی، یکی از جوانان فاضل و کتابخوانده و مطلع و سخت‌کوشی در روزگار ماست. همیشه با دیدار جوانان برومند و صاحب فضلی چون او، به فردای فرهنگ ایران، بسیار امیدوار شده‌ام. که هنوز هنر و فضل و فرهنگ و ادبیت، در گوشه و کنار این خاکِ مجاهدانی با اخلاص دارد.

عزیزم، رسول زمانی نائینی، به لطف از نائین، دربارهٔ یکی از «سرگذ»ها، تکمله و تذکری را قلمی کرده و برای کتاب هفته فرستاده. اگر کرامت و بخشندگی‌اش را دربارهٔ صاحب این قلم نادیده بگیرید، شایسته است که دیگران هم از مضمون و محتوای آن آگاه شوند. برای همین، نقلِ «سرگذر»، این شماره، حرف‌ها و نوشته‌های عزیز بزرگوار، رسول زمانی نائینی. یکی دو نکته را هم پیش‌تر متذکر می‌شوم:

۱- «زندی» نامی که شناخت چندانی از او ندارم، گویا یکی از اعضای آن حزب کذا بوده! و شادروان خلیل ملکی هم یکی از شخصیت‌های تأثیرگذار در تاریخ سیاسی معاصر. و بانی آن انشعاب از آن حزب در سال‌های میانی دههٔ بیست شمسی. با نام «نیروی سوم».

و یکی از همراهانش در آن انشعاب، شادروان جلال آل احمد، که در «خدمت و خیانت روشنفکران»، دربارهٔ خلیل ملکی نکات ارزنده‌ای را یادآور شده. و اگر «بخارا» به دست‌تان برسد، «بادگذشته‌ها»، به قلم فاضل گرامی جناب «هرمز همایون‌پور»، که مطلبی دنباله‌دار است، در شناخت ملکی بسیار سودمند است. باری، دشمنی اعضای حزبِ کذا با انشعابیون، مثل کفر ابلیس، زبانزد خاص و عام است.

بعد از وقایع سال ۳۲، تعدادی از اعضای حزب کذا و انشعابیون از جمله شادروان خلیل ملکی، به زندان «فلک‌الافلاک» منتقل می‌شوند. و شادروان دکتر ناظرزادهٔ کرمانی، در توصیف دگرگونی اوضاع و «تقلب احوال» و این همنشینی ناگزیر، رندانه می‌سراید که:

زندی بنگر گردش چرخ فلکی را
آورده کنار تو، خلیل ملکی را

وای کاش، حضرت استاد باستانی بزرگوار، از کرمان گامی فراتر بنهند و در حول و حوش فلک‌الافلاک به «هواخوری بروند». و از «آب خنک خوردن» در آن اطراف ما را مطلع فرمایند. و البته این را هم بگویم که رفیق شفیق درست پیمان و حریف گرمابه و گلستان، سیدفرید قاسمی هم کتابی دربارهٔ زندانیان فلک‌الافلاک و خاطرات برخی از آنها منتشر کرده. و چون همدم لحظه‌های تنهایی همیم، خودی‌ها را از خود دانسته و صبر کرده تا یک مجلد از چاپ هزارم آن را در قرون آینده به بنده لطف کند. باید غریب‌نواز بود و هوای دورترها را داشت. غریب‌نوازی در همهٔ بلاد ممالک محروسه، از کرامات سادات بوده است.

۲- و اما دربارهٔ گذشتن از مسیر خیابان رشت. باور کنید، هر بار که با خودرو ملی زیر پا، که برای اهل قلم همان «پیکان» یادگار دهه‌های گذشته است، از خیابان رشت رد می‌شویم، به یاد جناب گلبن می‌افتیم. اگر شتابی در رسیدن نداشته باشیم، می‌پیچیم توی کوچه و زنگ در خانه آن بزرگوار را می‌زنیم و احوالش را می‌پرسیم و می‌رویم. و اگر عجله‌ای در عبورمان باشد، به محض اینکه به سر کوچه جمشید جم می‌رسیم، حسین و نازنین و پوریا می‌گویند: بابا دو تا بوق به عشق آقای گلبن بزن! صدای بوق بلند می‌شود. و این یعنی سلام و احوالپرسی ماشینی. پرچانگی بس است. یادداشت ارزنده جناب زمانی را بخوانید.

یا علی مدد

خدمت شاعر فاضل جناب آقای سهیل محمودی.
امیدوارم حال جناب‌عالی خوب باشد و در پناه ایزد متعال مؤید و مسرور باشید.

این روزها وقتی نشریهٔ کتاب هفته به دستم می‌رسد پس از مرور اجمالی مقالات و خبرها اولین مقاله‌ای که سراغش می‌روم مطالب «سرگذر» می‌باشد و غرق در خاطرات روزهایی می‌شوم که در تهران بودم و هر از گاهی در منزل استاد محمد گلبن با هم ملاقات داشتیم. مخصوصاً سفری که به همراهی آقایان محمد گلبن، علی دهباشی، جناب عالی و سیدفرید قاسمی به خرم‌آباد رفته بودیم و عصر هنگام که به طرف قلعه فلک‌الافلاک می‌رفتیم استاد گلبن سابقه تاریخی قلعه و شهر خرم‌آباد و دیدار پرخاطره‌اش را در سی چهل سال قبل برایمان تعریف می‌کرد. هنوز آن بیت شعر که متأسفانه فقط دو سه کلمهٔ آخر هر مصراع آن که «گردش چرخ فلکی را» «خلیل ملکی را» بود و در راه رفتن به قلعه برایمان می‌خواندید در ذهنم خاطرات آن روز را زنده می‌کند.

مقالات سرگذر گاهی اوقات افکار نهفته‌ای را که در ناخودآگاه ذهن برای موقت به خواب رفته‌اند دوباره بیدار می‌کند و انسان را به هیجان وامی‌دارد تا با خود کلنجار رود و سؤال و پرسش‌های تکراری اما بی‌جواب برای خود طرح کند و دست آخر چون راهی به دهی نمی‌برد و بیم آن می‌رود که دست یأس مصمم شود با نیروی غصه و تیغ توهم تاروپود روح را بگسلاند به ناچار برای رهیدن از غصه با سرانگشت فکر دریچه کمفت و شنود با دل را می‌گشاید چرا که می‌داند دل ظرفیت این تلاطم‌ها را دارد و بیت مرحوم ملک‌الشعرای بهار را مصداق این دلیل می‌آورد که:

دل گوشت پاره‌ای که بجنبد به سینه نیست
منگر چنین بچشم حقارت به سوی دل

تعجب خواهید کرد اگر بگویم یکی از این مقالات که با من چنین کرد مقالهٔ «ما یم و پرسه‌های شبانه همین و بس»! بود که عجیب مرا تکان داد، نه از باب اینکه منازل اساتید گرانقدر گذشته را در حال فراموشی می‌بینیم و کم پیدا می‌شوند افرادی که آدرس دقیق این منازل را بدانند و حتی در پی انتقال به نسل جدید باشند، بلکه از این نظر که اکنون نیز منزل اساتیدی وجود دارد که اگر غفلت کنیم فراموش می‌شوند. استاد گلبن هم در زمینهٔ یاد و خاطره منازل اساتید، ذهنی روشن و حافظه‌ای حاضر داشتند. به یاد دارم عصر یکی از روزهای بهاری که با هم به منزل استاد ایرج افشار رفته بودیم موقع بازگشت نزدیک چهارراه طالقانی منزل شاعر فقید استاد بهار را نشانم دادند. وقتی منزل استاد بهار را دیدم بالفطع از خانواده و مالکیت کنونی منزل و کتابخانه‌شان جویا شدم و با کمال تاسف شنیدم که بعد از فوت مرحوم بهار کتابخانه‌شان به فروش رفته و پس از آن منزل هم، فرزندان مرحوم بهار پراکنده شده‌اند. بسیار متاسف شدم و در دل برای وضعیت فرهنگی ایران گریستم. با خود می‌گویم اگر شاعر بزرگی مثل مرحوم بهار در کشورهای خارجی بود و اروپاییان شاعری بدین والایی و قدرتمندی داشتند، تمام خانه و زندگی و وسایل شخصی‌اش را به هزینه دولت تبدیل به موزه می‌کردند (که شاعران اینچنینی دارند و چنین نیز خواهند کرد) و ای کاش دولت ایران نیز چنین کرده بود چرا که استاد بهار از نوادر دوران بودند و این احیا و ابقا موزه بهار نوعی دوراندیشی و روشن‌بینی و بلندنظری دولت سابق را به آیندگان ثابت می‌کرد. فرض کنید اگر در روزگاران گذشته کتابخانه شعرای بزرگی مثل سعدی و حافظ و یا حتی دست‌نوشته‌ها و نه بلکه جزئی‌ترین شیء آنها مثل قلم و دوات ایشان را حفظ کرده و به نسل‌های بعدی منتقل کرده بودند الان چه ارزشی داشت؟ و اگر نخواهیم به گذشته‌های خیلی دور برگردیم همین مشاهیر دو سه قرن گذشته مثل هاتف اصفهانی، صائب تبریزی و... اگر کتابخانه‌شان یا دیوان خطی و آثارشان به جای مانده و حفظ شده بود چقدر برای میراث فرهنگی کشور مهم محسوب می‌شد. مسلماً کتابخانه و مآثر مشاهیر کنونی نیز در آینده چنین وضعی خواهد داشت و هر کس در راه حفظ و نگهداریش کوشش نماید تحسین و تمجید آیندگان را از این همه لیاقت و کیاست و کاردانی نصیب خود خواهد کرد. می‌دانم چندان فرصت ندارید که این دردل‌ها را بخوانید اما چه کنم؟ دست خودم نیست. روح و روان من با کتاب و کتابخانه و صحبت از این دو مقوله به پرواز در می‌آید و احساس استغنا می‌کند. زمانی که شاگرد استاد گلبن بودم مثل پرنده‌ای که دایسته آشیانه‌اش باشد دوست داشتم یکسره در بین قفسه‌های کتابخانه‌شان پرسه بزنم و کتاب‌ها را مطالعه کنم. در حین تفرج و تورق کتاب‌ها حاشیه نویسی‌های این پیر خرابات قلم به دستان را می‌دیدم و با خود می‌گفتم سرنوشت این کتابخانه چه خواهد شد؟!

من که به همراهی آقایان احمد شکیب آذر و بیژن طالبی (برادر فرامرز) برای لیست برداری و فهرست نویسی آمده‌ایم هنوز بعد از ۴ ماه فقط توانسته‌ایم مجله‌ها را لیست برداری کنیم تا چه رسد به اینکه کسی بخواهد چنین کتابخانه غنی را که مملو از کتاب‌های مرجع در رشته‌های مختلف است زیر و رو کند و لیست برداری کند و پاره‌های دل گلبن را که به صورت منظوم و منثور بر حاشیه‌ها نقش بسته گردآوری کند. چقدر وقت می‌برد؟ و چقدر ارزنده خواهد بود؟! و اگر چنین اقدامی نشود چه سرنوشتی خواهد داشت؟! من معتاد نوشته‌های سرگذر شما شده‌ام و این بیماری الکلام یجرّ الکلام را هم از شما گرفته‌ام پس همان بهتر که خود حضرت عالی نیز گرفتار پرچانگی‌ام باشید. وقتی می‌بینیم در اکثر سرگذرها با فرزندان‌تان همراه و همقدم بوده‌اید نکته‌ای فکرم را مشغول کرده و با خود می‌گویم اگر روزی آقای سهیل محمودی با یکی از فرزندانشان از خیابان رشت بگذرند و سری به منزل استاد گلبن بزنند و از قفسهٔ کتابخانه گرانقدر استاد را ببینند همانطور که بارها در مورد استاد گلبن و حتی دیگران این سؤال که به فکرمن رسیده در ذهن فرزند آقای محمودی هم متصور شود و از پدرشان بپرسند سرنوشت چنین گنج فناناپذیر چه خواهد شد؟ آقای محمودی چه پاسخی می‌دهند؟!

حقیقتاً جناب آقای محمودی، اگر جناب‌عالی در شرایط استاد گلبن قرار داشتید چه توقعی از مسؤولان فرهنگی کشور داشتید.

رسول زمانی نائینی

پی‌نوشت:

۱. بعد از نگارش این یادداشت، سید صاحب کرم و غریب‌نواز، فریدقاسمی برایم توضیح داد که «محمودزندی» مدیر روزنامه «بسوی آینده» (با همین رسم‌الخط و با ی چسبیده) بوده که مطرح‌ترین مطبوعه در گرایش به همان حزب کذا محسوب می‌شده.

نقد

کریم نیکونظر

مواظب باشید گول نخورید!

نقد فیلمنامه آدم‌های ساده اثر هال هارتلی

۱- آدم‌های ساده، فیلمنامه پیچیده‌ای نیست. بلکه لایه‌های پنهانی دارد که آن را گنگ و پیچیده نشان می‌دهد. در حالی که قصه کاملاً کلاسیک روایت می‌شود، هارتلی با زیرکی همیشگی خود نکاتی را به قصه اضافه می‌کند که روایت نو و جذابی پدید می‌آورد.

۲- اولین لایه فیلمنامه، «توهم»سازی برای افراد است. تمام کسانی که در فیلمنامه حضور دارند، نسبت به خود، دیگران و کل جامعه دچار توهم هستند. پدر در طول ماجرا به عنوان یک تروریست معرفی می‌شود اما در پایان مشخص می‌شود که او هیچ‌وقت از این نوع کارها نکرده و تنها دوست دارد که این عمل را انجام داده باشد یا کیت که مزرعه زندگی می‌کند دائم از ترس نسبت به شوهرش صحبت می‌کند و تاکید دارد که او آدم خطرناکی است، اما وقتی شوهر به خانه برمی‌گردد متوجه می‌شویم که اصلاً موجود وحشتناک و ترس‌آوری نیست. این توهم‌سازی نوعی تعلیق را هم به‌وجود می‌آورد. چون تا پایان فیلم هیچ‌کدام از این توهم‌ها رو نمی‌شود. ضمن اینکه این شیوه کاربرد تعلیق و توهم، داستان را هر لحظه مرموزتر می‌کند!

۳- در فیلمنامه رابطه‌ها و رفتار آدم‌ها در نهایت ناامیدی شکل می‌گیرد. افرادی که در آدم‌های ساده، کنار هم قرار می‌گیرند، از تنهاییشان فرار می‌کنند. اما هیچ‌کدام هم توانایی برقراری ارتباط صمیمی ندارند. پدر از خانه و شهر فرار کرده و با دختری صرعی زندگی می‌کند، پیل معشوقه‌اش را از دست داده، کیت هیچ‌کس را مطابق میلش پیدا نمی‌کند و... همه این افراد تلاش می‌کنند تا به هم نزدیک شوند، اما خلأ عاطفی که برای هر کدام وجود دارد مانع، وصل آنها می‌شود. برای همین هم پایان اثر تلخ به نظر می‌رسد، چون آنقدر بر این پوچی روابط تأکید شده که هیچ امیدی به اینکه پیل نزد کیت بماند یا کیت او را دوست بدارد وجود ندارد.

۴- کشف حقیقت هم اصلی فیلم است. سفر دو برادر بهانه‌ای است برای اینکه آنها از «تصویر» خود جدا شوند و به «حقیقت» دست پیدا کنند. مسلماً برای این جست‌وجو می‌توان مفاهیم مختلف فلسفی، دینی، اسطوره‌ای و... پیدا کرد. اما همه این مفاهیم، تعبیر تلاش برای کشف هویت را شامل می‌شود. اینکه آنها می‌خواهند واقعیت را از زبان پدر بشنوند، چیزی جز شناخت بهتر خودشان نیست، هر چند ما در تعابیر این جست‌وجو گم شویم.

۵- دیالوگ‌نویسی از ویژگی‌های آدم‌های ساده است. طعنه‌آمیز بودن قسمت عمده‌ای از دیالوگ‌ها (بخصوص هنگام بحث در مورد نقش‌های دولت در زندگی) را شامل می‌شود که چندان با اشخاصی که آنها را بیان می‌کنند سنخیت ندارد. به عبارت دیگر طنز و طعنه را در به‌کارگیری حرف‌های جدی (و شعارگونه) به کار می‌برد. طنز و بلاهت هم ویژگی دیگر دیالوگ‌هاست که از همان سکانس ابتدایی خودنمایی می‌کند. دیالوگ‌هایی که حماقت اشخاص را بیان می‌کند. البته اثر این جنس دیالوگ‌ها هجو آثار مشابه است که هارتلی عموماً در کارهایش به آثار کلیشه‌ای هر ژانر می‌پردازد و کلیشه‌هایی به کار رفته در این فیلم‌ها را به بازی می‌گیرد.

۶- ساختار فیلمنامه مخاطب را به یک دانای کل تبدیل می‌کند. شیوه قرارگیری صحنه‌ها به گونه‌ای است که گاهی دو صحنه که ارتباط منطقی به هم ندارند (در ادامه هم نیستند) با هم تداخل پیدا می‌کنند به این معنی که از طریق دیالوگی به صحنه بعد می‌رویم و زودتر از شخصیت‌های اصلی، رویدادها را می‌بینیم، در حقیقت با این شیوه صحنه‌پردازی هیچ نکته ناگفته‌ای در روایت قصه باقی نمی‌ماند.

۷- آدم‌های ساده فیلمنامه پیچیده‌ای نیست، فقط خواننده باید مواظب حقه‌های هارتلی باشد که هنگام خواندن اثر او از مسیر اصلی قصه دور نشود. کلیشه‌ها بنیان آدم‌های ساده است. پس با خیال راحت آن را مطالعه کنید و زیاد به فکر بحث‌های عمیق فلسفی و ارتباطی هم نباشید!

گزارش

نغمه بهار

گزارش مراسم نکوداشت مصطفی رحماندوست

شاعر دانه‌های یاقوت

۲۲ آذرماه در حاشیه ششمین جشنواره مطبوعات کودک و نوجوان، مراسم نکوداشت مصطفی رحماندوست در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برگزار شد.

ابتدا جعفر ابراهیمی (شاهد) درباره مصطفی رحماندوست گفت:«کسانی مانند آقای رحماندوست به نکوداشت نیاز ندارند چون عاشقانه کارشان را شروع کردند و با همین عشق ادامه دادند. من خوشحالم که جامعه فرهنگی ما به آن پختگی رسیده که قدر چنین کسانی را بداند.»

سپس محمد میرکیانی درباره ویژگی های اخلاقی مصطفی رحماندوست سخنرانی کرد و اظهار داشت: «همه ما در کارهایی که در حوزه فرهنگ انجام می دهیم، تلاش می کنیم اخلاق انسانی را رعایت کرده و در آثارمان نیز برای ترویج این اخلاق انسانی مؤثر باشیم و آقای رحماندوست به اخلاق انسانی پایبند است.»

وی با بیان اینکه اولین دیدارش با مصطفی رحماندوست اتفاق بزرگی در زندگی او بوده است گفت: «سبک ها، موج ها و مدسازی ها همه در گذر هستند و فراموش می شوند و آنچه برای ما می ماند همان رفتار و اخلاق انسانی است.»

در ادامه جلسه حمیدرضا شاه آبادی مدیر انتشارات کانون درباره اولین دیدارش با مصطفی رحماندوست، گفت: «سال ۶۶ در آموزش و پرورش کار می کردم. روزی خبردار شدم که آقای رحماندوست به اداره آمده تا با مربیان کتابدار، یک جلسه آموزشی داشته باشد. سال های بعد که پا به مراکز فرهنگی گذاشتم، ایشان را دیدم تا اینکه چند سال پیش مسؤولیت همین جشنواره را به من دادند و من خدمت آقای رحماندوست رفتم و خواستم مرا راهنمایی کنند. ایشان با سخاوتمندی تمام هر چه که لازم بود گفتند. آشنایی ما روز به روز بیشتر شد. امروز هم در امور انتشارات کانون راهنمای من هستند و همیشه از ایشان کمک می گیرم.»

دکتر مجتبی رحماندوست، مشاور رئیس جمهور نیز، از طرف خانواده رحماندوست خاطراتی از برادرش تعریف کرد.

سیدمهدی شجاعی دیگر سخنران این جلسه بود. وی اظهار داشت: «یکی از کارهای ارزنده آقای رحماندوست این بود که در بخش شعر کودک متمرکز ماند و از پراکنده گویی پرهیز کرد تا به مقام اجتهاد در شعر کودک رسید. وی روی اعتقادات و

دین و مذهب پایبند ماند و هیچکس نتوانست او را تغییر دهد.»

شجاعی با بیان اینکه رحماندوست تنها برای خودش تلاش نکرده است، گفت: «اثر آقای رحماندوست را در شاعران جوان می توان دید. او این شاعران را راه انداخت و مسیر را برایشان باز کرد. در واقع این باقیات و صالحاتی است که تنها برخی از آنها را می بینیم.»

آذر رضایی همسر مصطفی رحماندوست نیز برگزاری مراسم نکوداشت را به همسرش تبریک گفت و شعری از این شاعر را برای حضار خواند.

دکتر رضا سیدحسینی که به نمایندگی از دکتر علی لاریجانی و انتشارات سروش برای اهدای جایزه آمده بود، درباره مصطفی رحماندوست گفت: «با رحماندوست سفری به زاهدان داشتیم. او پیش از ما رفته بود و مطالعه و تحقیق کرده بود. وقتی نتیجه مطالعاتش را برایم تعریف کرد، متوجه شدم رحماندوست فقط نویسنده و شاعر کودکان نیست. او یک نویسنده به تمام معناست که بچه ها نمی گذارند برای بزرگسالان هم بنویسد.»

محمدعلی کشاورز تصویرگر کتاب های کودکان نیز «صد دانه یاقوت» را خود رحماندوست دانست و گفت: «با شناختی که من از آقای رحماندوست دارم، می گویم صد دانه یاقوت وجود خود ایشان است. چون اشعارشان مانند دانه های یاقوت است.»

طاهره ایپد، اسدالله شعبانی، مونس رحماندوست دختر مصطفی رحماندوست، حسن محمدی معاون شهردار همدان و محسن چینی فروشان نیز هر کدام درباره رحماندوست صحبت کردند.

همچنین رودابه حمزه‌ای شاعر کودکان و نوجوانان و مهدی کیانی نیز اشعاری درباره مصطفی رحماندوست سروده بودند که خواندند.

مصطفی رحماندوست نیز از همه حاضران در جلسه بویژه پدر و برادر جانبازش تشکر کرد و به بیان خاطراتی از کارهای اولیه اش پرداخت.

در پایان سیدعلی کاشفی خوانساری مشاور امور کتاب کودک وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، از طرف احمد مسجدجامعی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، جایزه‌ای به رحماندوست اهدا کرد.

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، حوزه هنری، ماهنامه شاهد نوجوان، دفتر نشر کتاب های کمک آموزشی (رشد)، ماهنامه نهال انقلاب، انتشارات قدیانی، مجله باران، پژوهشگاه ادب و هنر ایرانی، هفته نامه بچه ها گل آقا، صدا و سیما، شهرداری همدان و انتشارات مدرسه نیز جوایزی را به مصطفی رحماندوست اهدا کردند.

گفتنی است کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان فیلم هفده دقیقه‌ای درباره مصطفی رحماندوست تهیه کرده بود که در این جلسه به نمایش گذاشته شد.

دیدگاه

نگار پدرام

توزیع انحصاری

مؤسسه فرهنگی ـ هنری منادی تربیت در هفته کتاب با همکاری وزارت آموزش و پرورش و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۲۵ هزار نمایشگاه در مدارس سراسر کشور برگزار کرد. هدف از برپایی این نمایشگاهها که امسال ششمین دوره آن برگزار شد، رساندن کتاب به دست مخاطب ذکر شده است مؤسسه منادی تربیت پیش از این طرح کتاب در مدارس را اینبار با ۵ هزار و در سال های بعد در ده هزار مدرسه برگزار کرده بود. اما امسال طرح نمایشگاه کتاب در مدارس رشد کمی چشمگیری داشته و به ۲۵ هزار نمایشگاه و مدرسه رسیده است.

امسال نیز مانند سال های گذشته به نحوه انتخاب کتاب برای حضور در نمایشگاه و در مجموع، چگونگی برگزاری این نمایشگاهها انتقاداتی بوده است. برخی از نویسندگان و ناشران معتقدند که مؤسسه منادی تربیت توزیع کتاب در مدارس را به انحصار خود درآورده و معمولاً در چنین مواردی ممکن است کتاب های عده‌ای از ناشران و نویسندگان به دلایلی از فهرست خرید کتاب مدارس حذف شوند. هر چند برای اثبات یا رد این ادعا، مدرکی در دست نیست.

طبیعی است برای برپایی این نمایشگاه در مدارس، علاوه بر هزینه خرید کتاب از ناشران، هزینه های جانبی وجود دارد که موجب شده عده‌ای برپایی نمایشگاه کتاب در مدارس را غیر ضروری بدانند. این عده معتقدند که کتاب خریده شده و به نمایشگاههای مدارس ارسال می شود، اما باز هم کتاب های ارزشمند به دست مخاطب نمی رسند.

به هر حال بهتر است مؤسسه فرهنگی ـ هنری منادی تربیت به عنوان مجری طرح کتاب در مدارس، از نویسندگان، منتقدان و دست اندرکاران ادبیات کودک و نوجوان و همچنین کتابداران دعوت کند تا در انتخاب کتاب ها برای ارسال به نمایشگاههای مدارس نقش داشته باشند. در این صورت می توانیم امیدوار باشیم که در سال های آینده شاهد جشنواره کتاب های برتر کودکان و نوجوانان در مدارس خواهیم بود.

نکته دیگری که در نمایشگاه کتاب مدارس این دوره قابل توجه بود پیام رئیس جمهور به مناسبت برگزاری ۲۵ هزار نمایشگاه کتاب در مدارس است.

امسال برای اولین بار رئیس جمهور درباره موضوعی مربوط به ادبیات کودکان و نوجوانان پیام داده بود ای کاش ارتباط رئیس جمهوری با دست اندرکاران ادبیات کودک و نوجوان و توجه او به این حوزه تنها محدود به ارسال پیام نباشد و از این پس رئیس جمهور در مسائل مرتبط به ادبیات کودکان حضور بیشتر و مؤثرتری داشته باشد.

گفت و گو

سیدحسین وزیری، معاون پژوهشی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان:

انتخاب پژوهش‌های برتر

اولین جشنواره پژوهش‌های ادبیات کودک و نوجوان به همت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برگزار خواهد شد. ابتدا قرار بود نتایج این جشنواره تا پایان آذرماه اعلام شود اما ظاهراً زمان اعلام نتایج تا بررسی نهایی تمام پژوهش‌ها تمدید شده است. با سیدحسین وزیری معاون پژوهشی کانون گفت‌وگو کردیم که می‌خوانید.

چه شد که تصمیم گرفتید این جشنواره را برگزار کنید؟

همانطور که می‌دانید، هر ساله در هفته پژوهش از پژوهش های مختلف در زمینه‌های علمی، فرهنگی و هنری قدردانی شده و از این راه پژوهش های برتر معرفی می‌شوند. اما تاکنون درباره پژوهش‌های مربوط به کودکان و نوجوانان چنین انتخابی انجام نشده بود. بنابراین از سال گذشته تصمیم گرفتیم جشنواره پژوهش‌های ادبیات کودکان و نوجوانان را برگزار کنیم. این جشنواره امسال با محوریت هنر و ادبیات کودکان و نوجوانان برگزار می‌شود و از سال آینده در زمینه‌های حقوق کودک و... نیز پژوهش‌های برتر انتخاب می‌شوند. هدف از برگزاری این جشنواره در واقع ارتقا و تعالی پژوهش‌های مربوط به کودکان و نوجوانان و تشویق نویسندگان و پژوهشگران برای فعالیت در حوزه کودکان و نوجوانان است.

چرا فراخوان جشنواره تنها یک ماه قبل از اعلام نتایج منتشر شد؟ با این زمان کوتاه فکر نمی‌کنید ممکن است نتایج داوری کارشناسانه نباشد؟

عده‌ای مخالف برگزاری این جشنواره بودند. به همین دلیل تا تصمیم نهایی گرفته شود، کمی طول کشید.

چرا عده‌ای مخالف بودند؟

چون فکر می کردند در بخش کودک و نوجوان تاکنون پژوهش مهمی انجام نشده است. در حالی که به نظر من نباید پژوهش‌های مربوط به کودکان و نوجوانان را با پژوهش‌های بزرگسالان مقایسه کرد. هر پژوهشی باید در حوزه مربوط به خودش بررسی شود. اگر پژوهشی با موضوع روانشناسی کودک داشته باشیم، این پژوهش ممکن است در مقایسه با پژوهش‌های روانشناسی بزرگسال، آن‌چنان که باید مورد توجه قرار نگیرد. به هر حال برای برگزاری این جشنواره به نتیجه قطعی رسیدیم و خوشبختانه پس از انتشار فراخوان و اطلاع‌رسانی نشریات، پژوهشگران و نویسندگان بخوبی استقبال کردند. البته آموزش و پرورش هم در هفته پژوهش برنامه‌های مناسب این هفته برگزار می‌کند که نماینده کانون پرورش فکری هم در ستاد برگزاری این برنامه‌ها حضور دارد. اما فعالیت پژوهشی آموزش و پرورش درباره موضوعات تعلیم و تربیت، دانش‌آموز و معلم است. در نتیجه بنابر تعریف به تمام حوزه‌های مربوط به کودکان و نوجوانان نمی‌پردازد. بنابراین معاونت پژوهشی کانون در آن بخش که با آموزش و پرورش هماهنگ است همکاری داشته و دارد.

درباره داوری آثار پژوهشی و تعداد آثار مورد داوری توضیح دهید.

پس از انتشار فراخوان حدود ۱۳۰ اثر به دبیرخانه رسید که از این تعداد ۳۰ اثر با موضوع هنر کودک و ۱۰۰ اثر مربوط به ادبیات کودکان در قالب مقاله، پایان‌نامه و کتاب بودند.

در مرحله اول تعدادی از این پژوهش‌ها با توجه به معیارهای علمی حذف شدند و ۳۵ اثر انتخاب شده و مورد داوری قرار گرفت. در بخش هنری آقایان محمدعلی رجبی، محمدعلی کشاورز و دکتر صمدحسین حلیمی آثار نهایی را بررسی کردند. در مجموعه کارهایی که در حوزه هنر انجام شده بود، چند پژوهش در زمینه موسیقی و تئاتر نیز وجود داشت. از آقای مجید کیانی برای بخش موسیقی و آقای مهدی پوررضاییان برای بخش تئاتر دعوت کردیم تا پژوهش‌های مربوط را بررسی کنند.

داوران بخش پژوهش های ادبیات کودکان و نوجوانان نیز آقایان دکتر صابر امامی، علی رضا کمره‌ای و سیدمهدی شجاعی بودند.

داوری اولیه این پژوهش‌ها به عهده چه کسانی بود؟

برای انتخاب اولیه پژوهش‌ها تعدادی از کارشناسان پژوهش کانون و چند نفر از مسؤولان پژوهشی آموزش و پرورش و... را دعوت کردیم. در مرحله اول کارهای ارسال شده از نظر تطبیق با پژوهش علمی مورد بررسی قرار گرفتند و آن دسته از تحقیق‌ها که به شکل پژوهش نبودند، حذف شدند.

این جشنواره چند جایزه دارد؟

آنچه که پیش بینی شده این است که یک جایزه به پژوهش ممتاز اهدا شود و در هر گرایش ادبی و هنری ۲ یا ۳ پژوهش برگزیده اعلام شود.

بخشی از این تحقیق‌ها، در واقع نظرسنجی‌های درون‌سازمانی است...

مراکز دیگر نیز از این تحقیق ها می‌توانند استفاده کنند چون بیشتر آنها به گونه‌ای است که به سازمان‌های دیگر نیز مربوط می‌شود؛ یعنی نتایج فعالیت‌های گروه پژوهش فرهنگی و بنیادی کانون از حوزه عملکرد کانون فراتر می‌رود. به عنوان نمونه می‌توان به پژوهش‌های مفصلی که در زمینه ادبیات انجام شده، اشاره کرد که برخی از آنها زیر چاپ است. به طور مثال تاریخچه ادبیات کودک و مبانی ادبیات کودک کتاب هایی هستند که براساس تحقیق، نوشته شده و در انتشارات کانون زیر چاپ هستند. طرح سیمرغ را نیز در دست داریم که در آن بیش از ۱۹ عنوان کار تحقیقی انجام شده و قرار است به ۳۰ عنوان برسد. همچنین از هر کدام از این تحقیق‌ها کتاب‌ها و مقاله‌های دیگری استخراج شده که مجموعه این اطلاعات در سایت کانون و در بخش ویژه پژوهش خواهد آمد. در همین راستا برای اطلاع رسانی در بخش پژوهش‌های ادبیات کودک و نوجوان، نشریه روشنان پژوهش را منتشر کرده‌ایم که گام مؤثری در این زمینه بوده است.

پیش از خبر

کاهنه‌های خدایاکوس عنوان اثری از متون کلاسیک یونان باستان است که توسط عاطفه طاهایی به فارسی برگردانده شده است. این کتاب توسط نشر دات به زودی در شمارگان ۲۰۰۰ نسخه وارد بازار نشر می‌شود.

بعدازخبر

نمایشنامه «گفت‌وگوهای پس از یک خاکسپاری» نوشته یاسمینا رضا که چندی پیش به ترجمه فتاح محمدی و توسط نشر هزاره سوم عرضه شد. پنجشنبه و جمعه گذشته به کارگردانی مهدی امینی در تریای تئاتر شهر روخوانی شد. این اثر سومین نمایشنامه از یاسمینا رضاست که به فارسی ترجمه شده است.

کتاب تئاتر در رسانه

«سیمیا»ی صحنه

دومین شماره سیمیا که تنها نشریه تخصصی نمایشنامه‌نویسی در ایران است، منتشر شد. این نشریه در ۸۴ صفحه و به قیمت ۴۰۰ تومان به سردبیری آزاد روح‌بخشان و زیر نظر مؤسسه آموزش عالی سوره منتشر می‌شود.

این شماره سیمیا که ویژه‌نامه بیژن مفید نمایشنامه‌نویس معاصر ایران است شامل آثاری است از: محمود اسناد محمد، بهمن مفید، روزبه حسینی، سیاوش طالبیان و...

کتاب تئاتر

خنده و گریه خدا

حسن ملکی بتازگی دو اثر از مجموعه تجربه‌های کوتاه را منتشر کرده که در واقع شماره‌های ۸۵ و ۹۱ از سری نمایشنامه‌های این مجموعه است.

عنوان اولین اثر «بازی» نوشته سام شیارد است که توسط خود حسن ملکی به فارسی درآمده و شامل ۴۸ صفحه است. این اثر در اوایل پاییز ۱۳۸۲ در شمارگان ۳۰۰۰ نسخه و قطع پالتویی منتشر شده است.

«بازی» نمایشنامه‌ای است با چهار شخصیت که قلم جذاب ملکی بستری کاملاً دراماتیک را در زبان فارسی به وجود آورده است.

عنوان دومین اثر «قرار ملاقات» است: نمایشنامه‌ای با چهار شخصیت که به قرار ملاقات این اشخاص با خداوند می‌پردازد. زمان این نمایش ۷ دقیقه به سه است و مکانش نیز دفتر کار خداوند. این نمایشنامه با ترجمه بهراد بلالی منتشر شده است. «قرار ملاقات» نوشته لوئیجی پانوتسی است. این کتاب در سه هزار نسخه و به قیمت ۲۰۰ تومان عرضه شده است.

پچ پچه های پشت صحنه

فرزاد رشاد

گفت‌وگو با نیما دهقان – کارگردان لوله

کتاب یعنی تعریفی از خودم

نیما دهقان درس خوانده تئاتر است در دانشگاه آزاد اسلامی. او در همان دوران علاقه بسیاری به استادش مهرداد رایانی مخصوص پیدا می‌کند و بعد از چند تجربه در کنار، خودش نیز شهامت اجرا پیدا می‌کند. دهقان تاکنون اکثر منتهای رایانی مخصوص را به صحنه برده و آخرین کار وی نیز براساس نمایشنامه «لوله» از استادش بود.

بهترین کتابی که خوانده‌اید چیست؟

سؤال سختی است به این دلیل که کارگردان تئاترم و یکی از سیاه مشق‌های کارگردان خواندن کتاب است. خودم قصه‌های محکم مارکز و یا اصول و ساختار گرایی آثار کوندرا و به لحاظ حسی آثار وودی آلن را دوست دارم.

تاکنون بیشتر، آثار مهرداد رایانی مخصوص را به صحنه برده‌اید، چرا این نویسنده؟

بخشی از تئاتر و زندگی‌ام را مدیون ایشان هستم. طبیعتاً کسی که چیزهایی از کسی یاد گرفته، قطعاً با او ارتباط حسی برقرار می‌کند. اتکار زبان یکدیگر را می‌فهمند. رایانی از آن دسته آدم‌هایی است که من با او ارتباط راحتی برقرار می‌کنم و زبان یکدیگر را می‌فهمیم و براحتی به یک نقطه تفاهم می‌رسیم. اما از منظر دیگر رایانی قبل از آنکه یک دوست باشد یک نمایشنامه‌نویس خوب است. ساختار و زبان دراماتیک را خوب می‌شناسد و می‌داند چگونه نمایشنامه بنویسد که تاریخ مصرف نداشته باشد.

کسی که دارای این خصوصیات باشد من قطعاً به طرفش کشیده می‌شوم و باید بگویم که این متن «لوله» متنی است که آقای رایانی من منت گذاشتند و برای من نوشتند.

دغدغه «لوله» برای نوشتن چه بوده و چگونه به مرحله اجرا رسید؟

لوله به نوعی دغدغه‌های رایانی و من بود. جلسه اول که با ایشان صحبت کردم، تمرکزمان روی موضوع نمایشگاه کرگدن بود و این بحث پیش آمد چرا آدم‌ها تغییر کرده و کرگدن می‌شوند؟

این موضوع را به جامعه خودمان و نظام مدیریت آن بسط دادیم و با توجه به وقایع و اتفاقاتی که وجود داشت نمایشنامه لوله شکل گرفت. ولی واقعیت نوشته شدن نمایشنامه لوله نه در حرف نه در کاغذ نمی‌گنجد.

کتاب‌هایی که در بالا ذکر کردید، چه تأثیری در روند

◆ نیما دهقان:
من بخشی از آموزش‌های تئاتری‌ام را مدیون کتاب هستم

شکل‌گیری اجرای این متن داشت؟

خواندن هر کتاب بسیار مهم است، من بخشی از آموزش‌های تئاتری‌ام را مدیون کتاب هستم. شاید هیچ ربطی نداشته باشد کارگردان تئاتر، کتاب بخواند یا نه ولی قسمت خوب یک کتاب همیشه برای مهم بوده است.

وقتی جنایت و مکافات را می‌خوانم که با قدرت زیادی نوشته شده و شخصیت‌ها شبیه هم نیستند. تخیلم تقویت می‌شود و زمانی که با بازیگرهایم حرف می‌زنم می‌توانم چگونگی انتقال شخصیت را راحت به آنها توضیح بدهم. حتی خواندن بعضی از کتاب‌ها که ربطی به تئاتر ندارد خود یادگیری و آموزش دیگری است مثلاً خواندن کتاب نقاشی و دیدن نقاشی‌ها!

شاید ندانید که لوله را با تصاویر نقاشی‌های پیکاسو می‌بینیم. در واقع الهام‌بخش نمایش من نقاشی‌های پیکاسو بود.

خواندن هنرهای تجسمی، موسیقی و... حتی خواندن یک معادله ریاضی می‌تواند در یادگیری انسان سازنده باشد.

من با فضای مختلف کتاب‌ها فضای نیما دهقان را تعریف می‌کنم و معتقدم انسان نمی‌خواند که چیزی یاد بگیرد و بسازد بلکه در ناخودآگاهش خوانده‌ها نقش می‌بندند و هر وقت لازم باشد به کمک او می‌شتابند.

کتاب نقش سازنده‌ای در زندگی انسان دارد. کتاب خوب دوست دیگری است که در دوستی‌اش بی‌ریاست.

ضرورت اینکه نمایشنامه‌ای مثل لوله باید اجرا بشود چیست؟ به طور خیلی مشخص این مسأله را روشن کنید!

در خیابان که راه می‌روم کمتر می‌توانم تشخیص بدهم که آدم‌ها از چه نوع طبقه‌ای هستند. به لحاظ ظاهری شاید بتوانم نظری درباره‌شان داشته باشم ولی وقتی با آنها حرف می‌زنم بعد دیگری از آنها مطرح می‌شود که خیلی جالب است. عذاب‌آور است که انسان‌ها در جای خودشان نیستند و نمی‌توانند سیمای واقعی خودشان را نشان بدهند. دوستانی دارم که در ظاهر به گونه‌ای با من صادق هستند ولی وقتی از من دور می‌شوند شکل دیگری می‌گیرند. در همین نمایش هم همین چیز دیده می‌شود.

به این نتیجه رسیده‌ام که امروزه آدم‌ها با توجه به منافعشان تغییر هویت می‌دهند و این مسأله را بیشتر نمی‌کنم به این دلیل که اسناد مکتوبی وجود دارد که انسان‌ها بنا به تغییر مکان و زمان و موقعیت‌ها تغییر کامل یافته‌اند.

کمال انسان دیگر تعریف ناشدنی است مدینه فاضله در ذهن ما انسان‌ها در نقطه پرتی وجود دارد.

دوروبی، رانت‌خواری و مسائلی از این قبیل چیزهایی است که شرایط نابسامانی را به وجود آورده و همین قدر می‌دانم این آدم‌ها زمانی به خودشان می‌آیند که دیر شده! من انسان بودن را دوست دارم نه ادای انسان بودن را! و دلیل اجرای لوله همین دغدغه است.

گفت و گو

مهیار رشیدیان

گفت‌وگو با ایرج زهری: منتقد و پژوهشگر تئاتر

با یادهای بودها

ایرج زهری در ۲ دی ۱۳۱۱ متولد شد. او هنوز هم انتشاهایی را که سر کلاس‌های مدرسه رازی می‌خواند را به یاد دارد. اینگونه که خودش می‌گوید: از آن روزها تا به حال همچنان می‌نویسد. او در اثنای همین نوشتن‌ها بعد از اینکه وارد دانشکده حقوق می‌شود، در نمایشنامه‌ای از مولیر نقش معلم فلسفه را برای مهدی امینی - که خود از شاگردان نوشین است - ایفا می‌کند و بعد از آن با بازی در «برای شبق» به کارگردانی الکساندر شیروان‌زاده، تئاتر بخشی از روح و وجودش می‌شود. زهری یادش می‌آید که آن روزها چون از شاگردان کلاس آواز ثمین باغچه‌بان نیز بود، سرپرستی گروه کُر اولین نمایشی که بازی کرد را هم عهده‌دار بوده است؛ آوازی که هنوز نیز یادآور بودهای گذشته است.

ایرج زهری اکنون مقیم آلمان و استاد تئاتر دانشگاه اسن در بوخون است. وی بتازگی کتاب «یادها و بودها» را به همراهی نشر معین ارائه داده است.

گفت‌وگوی ما نیز می‌خواهد یادآور شمه‌ای از آن روزها باشد.

یادداشت «نوروز» در مجله امید ایران فعالیت مطبوعاتی‌تان را شروع کردید. این نوشتن‌ها و کار برای مطبوعات از چه تاریخی با نوشتن برای تئاتر همسو شد؟

تئاتر را با بازیگری شروع کردم. بعد از آن در اواسط دهه سی شروع به ترجمه کردم و چندتایی از اینها در مجله نمایش به سرپرستی حسن شیروانی منتشر شد و بعد از آن نیز «خوابی بکنیم» نوشته ساشاکیری را ترجمه کردم. «خانه عروسک» ایبسن هم دومین ترجمه‌ام بود.

گذشته از بازیگری و داستان نوشتن، کار خلاقه دیگری در زمینه تئاتر در ایران انجام داده‌اید؟

نمایشنامه‌ای نوشته‌ام به نام «کارمندان بانک».

اجرا شده، یا اینکه چاپش کرده‌اید؟

آن روزها مهدی فروغ در دانشکده هنرهای دراماتیک مسابقه نمایشنامه‌نویسی برگزار می‌کرد. گمان می‌کنم دومین دوره‌اش بود که «بلبل سرگشته» علی نصیریان و «شهر قصه» بیژن مفید مشترکاً اول شدند. گمان می‌کنم نمایشنامه‌ای از ساحلنشور هم سوم شد و «کارمندان بانک» من هم چهارم شد.

شاید به دلایل سیاسی - اجتماعی و یا هر دلیل دیگری، یأس و افسردگی مفرطی در آثار نویسندگان دهه سی مشهود است. آیا به گمان خودتان این نگاه بر نوشته‌های شما نیز سایه انداخته است؟

من به طور کلی در تمام سال‌های عمرم از سیاست دور بوده‌ام؛ همیشه در فضای دیگری بوده‌ام و حتی وقتی در اواسط دهه چهل، دوباره به ایران برگشتم با وجود شر و شورهای سیاسی آن روزها، باز هم گوشه‌ای ایستاده بودم. نه اینکه نفهمم، حواسم کاملاً جمع اطراف بود ولی زیر بیرق هیچ گروهی نبودم.

بازگشت دوباره به ایران چه حاصلی در زمینه کاری‌تان داشت؟

از اواسط دهه چهل به بعد به طور فعال با مجلاتی چون نگین، خوشه و یامشاد همکاری داشتم.

اختصاصاً نقد تئاتر؟

بله و بعد نیز به طور مداوم برای تماشا می‌نوشتم.

به عنوان یکی از پیشروان نقدنویسی تئاتر در ایران، گمان می‌کنید از اواسط دهه سی تا امروز این تجربه در شکل جمعی‌اش چه سیری را طی کرده است؟

همان‌طور که اشاره کردید، تئاتر دهه سی به مفهومی که بعداً شکل گرفت، آنچنان مطرح نبود. جامعه باربد بود و تئاتر سعدی و... اما فرایند اصلی تئاتر ایران در دهه چهل رشد و نمو می‌کند. من اواخر دهه ۳۰ رفتم و اواسط دهه ۴۰ که برگشتم تفاوت مشهودی در تئاتر به چشم می‌آمد. به گمان من بهترین دوران نقدنویسی تئاتر ایران به همان روزها و حتی دهه بعدش برمی‌گردد.

بدون شک هم «توده‌گرا» بود، منظورم گرایش به آرا و اندیشه‌های حزب توده ایران است.

اگر منظورتان نوشین است که خیر. بسیاری از کارهای او اصلاً ربطی به حزب نداشت. او یک هنرمند برجسته بود با ارزش‌ها و معیارهایی که از خودش سراغ داشت. به نظر من تئاتر آنها بسیار متعهد بود و البته این تعهد در مورد بعضی‌ها پنهان بود و درباره بعضی دیگر آشکار. همین نیز باعث سوء تفاهم‌های بسیار می‌شد که نقدنویسان ما نیز متأسفانه گرفتار این مسائل بودند.

آیا کسانی هم بودند که مخالف این جریان و همراه با اندیشه‌های پهلبد قلم بزنند؟

من در این مسائل بیغم، بیغ می‌دانید یعنی چه؟ در همین کتاب هم گفته‌ام که یک روز آرابال فرانسوی آمد و به من گفت داریم نامه‌ای برای فرح پهلوی می‌نویسیم تا مهدی رضایی را نکشند. باور کنید من آن روزها اصلاً نمی‌دانستم مهدی رضایی کیست. من بیشتر مشغول کارهای خودم هستم.

خوب، از کارهای خودتان بگویید.

از کدامشان؟

چه کارهایی را آماده چاپ دارید؟

«فرهنگ کوچک هنرپیشه» نوشته داریوفو را ترجمه کرده‌ام که احتمالاً نشر قطره چاپش می‌کند. اثری هم به نام «نمایشنامه‌نگار» دارم که به نمایشنامه‌نویسان فرنگی می‌پردازد.

کی برمی‌گردید آلمان؟

چون مقیم آنجا هستم، چهار ماه می‌توانم ایران باشم. البته شاید اواخرش را هشت ماه ایران بودم و چهار ماه آنجا، اما حالا که این‌طور است دیگر.

زنده، مثل زاینده رود

زاینده‌رود، سال گذشته، خشک و خالی از آب، گرد سکوت پاشیده بود روی شهر. باز هم پاییز بود و باز هم جشنواره‌ای و جایزه‌ای در اصفهان. دلمان ریش می‌شد با که می‌گذاشیم روی خاک سفت رودخانه و پسرهایی را می‌دیدیم که آن سوتر، روی بی‌آبی زاینده رود، فوتبال بازی می‌کردند.

امسال اما، زاینده‌رود خشک و خالی نبود. جشنواره هم، همان جشنواره بود. آذر هشتاد و دو اصفهان، پذیرای مهمانانی بود که هیچ دلشان نمی‌خواست زاینده رود را بی‌آب ببینند. نخستین جایزه ادبی اصفهان با مهمانان عزیزش، روز بیست و دوم آذر و زمانی که عکس سی و سه پل و پل خواجو روی آب افتاده بود، در تالار کتابخانه مرکزی شهرداری شهر اصفهان، افتتاح شد.

در مراسم افتتاحیه، دکتر خسرو نشان، مدیر کل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اصفهان درباره چهار فصل این شهر سخن گفت و برنامه‌هایی که هر فصل در اصفهان برپا می‌شود و خوشامد گفت به مهمانانی که از راههای دور و نزدیک آمده‌اند و در نخستین جایزه ادبی اصفهان حضور دارند.

صندلی‌های ردیف اول سالن، پر شده است از نام‌های مهم ادبیات که نشسته‌اند و آرام گوش می‌کنند حرف‌های سخنران‌ها را و هر از گاهی با سر صحبت‌هایشان را تأیید می‌کنند. صفدر تقی‌زاده، حسن میرعابدینی، هلن اولیایی‌نیا، عباس یژمان، عبدالله کوثری، ابوتراب خسروی، محمدرضا صفدری و...

مراسم سه روز برگزار می‌شود و هر روز برنامه‌های مختلفی مثل میزگرد، کارگاه داستان، داستان خوانی، نمایش فیلم و... که جمعیت را می‌کشاند سمت تالار کوچک کتابخانه. همان روز اول، پس از افتتاحیه میزگردی برپا می‌شود با موضوع «طلوع ادبیات داستانی در ایران و تأثیر ترجمه ادبیات جهان بر آن».

حسن میرعابدینی، صفدر تقی‌زاده، عباس یژمان، عبدالله کوثری و ابوتراب خسروی هر یک با در نظر گرفتن موضوعی خاص، روی سن می‌روند و درباره تأثیر ترجمه ادبیات جهان صحبت می‌کنند.

آنان که بیش از همه در رفت و آمدند و تلاش می‌کنند برای درست برگزار شدن قسمت‌های مختلف مراسم، شاید علی خدایی و زاون قوکاسیان باشند. نه اینکه دیگران دلهره و اضطراب ندارند اما حضور این دو نفر بیش از همه به چشم می‌آید، و حیف که علی خدایی، شاید به خاطر گرفتاری زیاد، برایمان پشت تریبون داستانی نمی‌خواند.

بیست و دوم و بیست و سوم آذر مراسم داستان خوانی است. روز اول محمدرضا صفدری، سیامک گلشیری، احمد بیگدلی و زهرا نصر هر یک داستانی می‌خوانند و از میان آنها، احمد بیگدلی چه با شور و حرارت داستانش را می‌خواند.

مهمانان روز بعد داستان خوانی، میترا الیانی، ناهید طباطبایی، فرخنده آقایی و رضا جولایی هستند که هر کدام داستانشان آنقدر به دل مخاطبان می‌نشیند که با تک‌های مکرر و خنده‌هایی بر لب، آنها را از روی سن تا صندلی‌هایشان بدرقه می‌کنند.

روز دوم، میزگرد دیگری برپا می‌شود با موضوع «ادبیات داستانی ایران در دهه‌های ۶۰ و ۷۰. دستاوردها و

ناکامی‌ها». عنایت سمیعی، حسن میرعابدینی، حسین سناپور، مصطفی مستور و سعید عباس‌پور بحث داغی را درباره این موضوع مطرح می‌کنند که با پرسش‌های زیادی از جانب مخاطبان همراه می‌شود.

علی خدایی می‌گوید: «این کارگاههای داستان چه خوب جواب داده‌اند. خیلی جدی برگزار می‌شوند.» راست می‌گوید. دو روز اول، دو کارگاه داستان برپا می‌شود که روز اول محمدحسین محمدی، نویسنده افغانی مقیم تهران که اتفاقاً جایزه داستان برگزیده اصفهان به او تعلق می‌گیرد، داستان کوتاهی را با نام «مردگان» برای جمع می‌خواند. داستان که تمام می‌شود مصطفی مستور و منیرو روانی‌پور درباره‌اش حرف می‌زنند و روانی‌پور، همین طور که دست‌هایش را از هیجان تکان تکان می‌دهد از محمدی به خاطر داستان زیبایش تشکر می‌کند.

روز آخر است. بیست و چهارم آذرماه و مراسم اختتامیه و معرفی برگزیدگان. حالا همه مهمانان حضور دارند و تمام صندلی‌های سالن، تقریباً پر از نام‌ها و چهره‌های آشنا و غریبه است. داوران هر سه بخش روی سن می‌روند و به برگزیدگانشان تندیس و لوح تقدیر هدیه می‌کنند. مراسم که تمام می‌شود پرده نقره‌ای سالن، مدعوین را به تماشای فیلمی از کیومرث درم‌بخش دعوت می‌کند. فیلم «سفر بهاری» که بازسازی آخرین سفر هدایت به پاریس و روز خودکشی اوست. فیلمی که سال ۱۳۵۴ ساخته شده است و با کیفیتی نه چندان خوب به نمایش درمی‌آید. فیلم تمام می‌شود، اما صدای دست‌های حاضران تمامی ندارد. از در سالن خارج می‌شویم. رضا جولایی می‌گوید: «خیلی فیلم خوبی بود. واقعاً ارزش لذت برد.»

فیلم که تمام می‌شود، نخستین جایزه ادبی اصفهان هم تمام می‌شود. مهمانان از در تالار خارج می‌شوند و همه به سمتی می‌روند. شاید می‌روند برای قدم زدن کنار زاینده‌رود. شاید می‌روند روی سی و سه پل و پل خواجو راه بروند و شب آخر با اصفهان و زاینده‌رود پرآب وداع کنند.

حاشیه

◆نخستین جایزه ادبی اصفهان (بیست و دوم تا بیست و چهارم آذر) در سه بخش رمان، مجموعه داستان و داستان‌های برگزیده اصفهان برگزار شد.

◆داوران بخش رمان را صفدر تقی‌زاده، هلن اولیایی‌نیا، محمد کلباسی، حسن میرعابدینی و ابوتراب خسروی تشکیل می‌دادند و همین‌طور در بخش مجموعه داستان لیلی گلستان، یونس تراکمه و علی خدایی قضاوت را بر عهده داشتند. در بخش داستان‌های برگزیده اصفهان منیرو روانی‌پور، احمد غلامی و مصطفی مستور هیأت داوران را تشکیل می‌دادند.

◆در سه روز برگزاری نخستین جایزه ادبی اصفهان فیلم‌هایی از کیومرث درم‌بخش و سهراب شهید ثالث به نمایش درآمد که عبارت بودند از: سفر بهاری (آخرین روزهای زندگی صادق هدایت در پاریس)، دنیا خانه من است (با الهام از نامه‌ها و سروده‌های نیما یوشیج) و یک زندگی (داستان زندگی آنتوان چخوف).

◆در فیلم سفر بهاری، پرویز فنی‌زاده در نقش صادق هدایت بازی می‌کرد که نام او بر پرده نقره‌ای تشویق و کف زدن حاضران را به همراه داشت.

◆در حاشیه برگزاری جایزه ادبی، کاتالوگی شامل همه اطلاعات جشنواره، به همراه اولین شماره فصلنامه «نامه فرهنگ و هنر» که به نخستین جایزه ادبی اصفهان اختصاص داشت منتشر شد.

◆صفدر تقی‌زاده در مراسم اختتامیه درباره نخستین جایزه ادبی گفت: «این اقدام بزرگ برای تقدیر از نویسندگان امروز ایران، جای قدردانی دارد. سال‌ها پیش که با دکتر خسرونشان آشنا شدم، متوجه شدم که او با دانشی در علوم مختلف و علاقه‌اش به ادبیات، تا چه اندازه به فکر ارتقای فرهنگ مملکت خود است و تا به حال هم از هیچ کوششی در این زمینه فروگذار نکرده است.»

◆لیلی گلستان درباره این مراسم، برایمان نوشت: «این جشنواره‌ها و این جایزه‌ها باعث می‌شوند تا نویسندگان جوان با شور و شوق بیشتری کار کنند. داوری کار آسانی نیست. باید کتاب‌ها را با دقت بخوانی و بعد بدون هیچ حب و بغضی قضاوت کنی. امیدوارم داوری‌های این جشنواره این طور بوده باشد. حسن دیگر این گردهمایی کشف استعدادهای جوان است، همچنان که نویسندگان جوانی را از بندر گز یا کاشان یا شهری از افغانستان کشف کردیم که بسیار حادثه خوبی بود. فقط امیدوارم که این کشف‌ها جرقه نباشند و به آتشی شدن برسند.»

نخستین جایزه ادبی اصفهان

راسته کتابفروش‌ها

نصرالله حدادی

آخرین وداع با جعفر شهری

در همان زمان که تهران در قرن سیزدهم آماده برای چاپ می‌شد، شهری «طهران قدیم» را تماماً نوشته و به کناری نهاده بود. او مجلدات چهارگانه آن را به انتشارات معین سپرد و به پیشنهاد محمدی و راهسری، جلد پنجم آن را رقم زد.

شهری کتابی راجع به «اُشیزی طهرانی» به صورت جداگانه نوشته بود و پنجمین جلد کتاب، همین دست نوشته شد.

همزمان با آماده شدن این کتاب ،گونه، که در واقع جلد دوم از مجلدات سه گانه شرح زندگی وی بود، آماده شد و با حذف «گوشه‌ای تاریخ اجتماعی» طهران قدیم با همین نام به بازار آمد و سپس گونه روانه بازار شد.

شهری با دقتی عجیب، به صورتی که اگر اغراق نباشد، جغرافیای طهران را وجب به وجب و کوچه به کوچه و خیابان به خیابان ترسیم می‌نماید.

قبل از شهری، بسیار راجع به تهران، به قلم آمده بودند اما اثر او علاوه بر توصیف اوضاع تاریخی و جغرافیایی، به ظرایف زندگی و کار مردم به تمام و کمال پرداخته است و با قریحه‌گری بارخی از آثار به جامانده از نویسندگان آن دوره به خوبی می‌توانیم به صحت گفته‌های او پی ببریم. هر چند که نباید ناگفته گذارد به هر صورت از آنجا که تاریخ را بر اساس یاد داشته‌ها و حافظه خود روایت می‌کرد، دچار اشتباه نیز می‌شد.

صدر بلاغی، ناصر نجمی، سعید نفیسی، زاوش، حسن بیگی و یکی دو تن دیگر از تهران گفته‌اند، اما «میان این حسن تا آن حسن، صد کر رسن» فاصله بود و هست و تنها نوشته‌های جواهر کلام و سعید نفیسی را می‌توان با شهری مشابهت گرفت و دیگران فقط اشاره به حدود و ثغور طهران دارند و از فرهنگ مردم در آنها خبری نیست.

شهری در طهران قدیم آنقدر اصطلاح و ضرب‌المثل به کار برده است که خود به تنهایی یک کتاب -فذ و نمک- را در بر گرفت. حیرت‌آور این است که شهری با همین دقت و وسعت اصطلاحات دهها حرفه دیگر از جمله کفاشی، رمالی، تون تابی، جلیویزی، عطاری، دعانویسی، تفیبی، آجیل فروشی، تعزیه‌خوانی، جاروداری و کله‌پزی را ذکر می‌کند. البته زیبایی و اهمیت زبان‌شناختی کتاب تنها در اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های آن نیست. به گمان من در بخش مهمی از آثار ادبی فارسی معاصر، گفت‌وگوها اغلب نه ضرب و آهنگ محاوره، که زنگ زبان نوشتار دارند، اما شهری اغلب توانسته گفت‌وگوها را چنان طبیعی و جاافتاده و زیبا بیاورد که خواننده‌شان مثل پرسه‌زدن در خیابان‌های تهران قدیم و شنیدن گفت‌وگوهای مردم است. (تجدد و تجدد ستیزی در ایران، ص ۱۵۰ به بعد) طهران قدیم به چاپ رسید و از آنجا که شهری را با این کتاب می‌شناختند، اقبال بیشتری نسبت به مجموعه شش جلدی تهران در قرن سیزدهم به آن شد. در رابطه با این دو مجموعه، ذکر دو نکته خالی از فایده نیست. اول مشابهت در برخی از موضوع‌ها و دوم زبان تقریباً مشترک آنهاست. شاید این خرده به شهری گرفته شود که چرا دوباره کاری کرده و مطالب را تکرار کرده است، اما با اندکی دقت می‌توان دریافت این دو کتاب مکمل یکدیگرند و سندی هستند بی‌همتا -با تمام نواقص و کاستی‌هایش- از زندگی روزمره مردم شهری که در کمتر از نیم قرن چنان هویت خود را از دست داد که به اندازه نوشته‌های شهری حیرت‌آور است.

شهری در این دو مجموعه که یازده جلد را در برمی‌گیرد، زبانی مشترک دارد و آنقدر نوشته‌هایش صمیمی و ملموس‌اند که آدم گاهی حسرت می‌خورد چرا این شهر این قدر از هویت خود دور شده است.

من به جرأت می‌گویم، امکان ندارد در حال و آینده کسی بخواهد نگاهی به تاریخ اجتماعی این شهر - و بعضاً ایران - داشته باشد و از دیدن و رجوع به آثار شهری، بی‌نیاز باشد. من که سال‌ها شب‌ها و روزهای بسیاری را با او سر آوردم، اکنون افسوس می‌خورم چرا او بیشتر زنده نماند تا به یاد داشته‌های خود را بر روی کاغذ بیاورد.

وقتی طهران قدیم روانه بازار شد و گونه هم دوباره به چاپ رسید، به پیشنهاد مرحوم الیاس اسماعیلیان فذد و نمک، که در برگیرنده ضرب‌المثل‌های آثار شهری بود، متولد شد و شهری با آنکه از بنیانی چندانی برخوردار نبود، آنها را بر روی فیش‌های زیادی نوشت و پس از تنظیم از سوی انتشارات اسماعیلیان به چاپ رسید.

امروز که گه‌گاه و به مناسبت‌های مختلف یاد ضرب‌المثل‌های شهری می‌افتم، در می‌یابم بیش از اثر به چاپ رسیده، ضرب‌المثل‌های او باقی مانده‌اند و اگر عمری باشد، با کمک از آثار او و به یقین به نام جعفری شهری، در کتاب فذ و نمک به چاپ خواهیم رساند.

شهری در کتاب گونه خود، که در تابستان ۷۴ در شمارگان ده هزار نسخه به چاپ رسید، دنباله زندگی‌نامه درخناک خود را روایت می‌کند و آنقدر این کتاب تلخ و گزنده است، که آدمی را بیزار از زندگی می‌نماید. او در این کتاب به سختی خوانده و را آزار می‌دهد و متأثر می‌سازد.

بعد از گزنه نوبت به فذ و نمک رسید و در واپسین سال‌های حیات شهری «قلم سرنوشت» آماده چاپ شد و تهاتری بود که شهری در زمان حیات خود، شاهد چاپ آن نبود و دو سه ماه پس از فوت او در ششمین روز آذرماه ۷۸، به چاپ رسید.

آخرین وداع با جعفر شهری را بر روی تخت بیمارستان داشتم. او که در روزهای واپسین عمرش به سختی بیمار شده بود، پس از چند روزی که در اغما گذراند، در یک روز سرد پاییزی، پس از ۸۶ سال زندگی، دنیا را وداع گفت.

من همیشه دوست داشتم آثار شهری به دور از زشتی و پلشتی‌های جامعه به روی کاغذ می‌آمد و به چاپ می‌رسید. همچون اثر جاودانه استاد علی اکبر دهخدا، چرند و پرند.

به او خرده می‌گرفتم، به گفت: به جز فردوسی، نظامی، یک شاعر و نویسنده را به من نشان بده که هول و طنز و زشتی در آثارش راه نیافته باشد و برای آن که مرا محکوم سازد و مجاب گرداند مولوی و سعدی را گواه می‌آورد و هر چند که من جواب برای گفتن نداشتم، اما قانع نیز نمی‌شدم .

امروز هم بر این اعتقادم و زشتی‌های گفته شده از سوی او - هر چند هم که می‌تواند واقعیت باشد -به سختی آزارم می‌دهد و با آنکه گفته‌های او را در برخی از کتاب‌های دیگر قریبه یافته‌ام اما باز هم دلم می‌خواهد ای کاش آثار او از زشتی‌ها و پلیدی‌ها عاری بود.

جعفر شهری با تمام تفاوت ضعف و قوتش، یگانه و بی‌بدیل است و هر که بخواهد سراغ تاریخ اجتماعی این دیار برود، بی‌نیاز از آثار او نیست.

نور

«[ن] نون [[پیامبر که چون دوات، مرکب و آنچه قلمها برای نگارش از آن مایه می‌گیرند، نویسندگان از دانش تو بهره خواهند گرفت]]؛ سوگند به قلم و آن چه می‌نویسند، که تو [به رغم آن چه دشمنانت می‌گویند] به لطف پروردگارت دیوانه نیستی و بیگمان تو را پاداشی بی‌منت خواهد بود.

قرآن کریم، سوره قلم (۶۸)، آیات ۱-۳

ایمان کسی که مرا دید، شگفت‌آور نیست بلکه شگفتی بسیار، از مردمی است که اوراقی نوشته شده [از قرآن یا درباره من] دیدند و به آن از ابتدا تا انتهایش ایمان آوردند.

رسول اکرم (ص)، گزیده میزان الحکمه، حدیث ۶۷۰، به نقل از کنز العمال

ندبیجه

نیاز به محدث؛ محدث امروز

سیدعلی‌محمد رفیعی

با همه آن چه درباره برخی روایات ضعیف یا ساختگی در میان احادیث شیعه گفته می‌شود، این نکته را نیز باید دانست که روایات شیعه، چونان کتابی نمونه خوانی شده‌اند که گرچه به خاطر سهو، اغلاطی در آن از چشم نمونه‌خوان گریخته است اما کاملاً متفاوت از کتابی است که نمونه‌خوانی نشده باشد. روایات شیعه همواره مورد نقد و پیرایش محدثان سده‌های گوناگون بوده‌اند اما همواره نیز به خاطر سهو یا احتیاط یا برخی ملاحظات دیگر، از ورود به بر ساخته‌ها مصون نمانده‌اند. با این حال، درصد این بر ساخته‌ها حتی اگر یک درصد یا یک در هزار باشد، سر به عددی دو - سه رقمی می‌زند. ضرورت پرداختن به آسیب شناسی روایات شیعه با وجود این درصد اندک از روایات بر ساخته، از آن روست که متأسفانه همین اندک روایات، در بسیاری از موارد، دستمایه استناده‌هایی قرار می‌گیرند و مایه مشکلی می‌شوند و گرنه ضرورت پرداختن به حدیث و ذکر اهمیت تعلیم و تعلم آن، بیش از ضرورت پرداختن به روایات بر ساخته و ذکر اهمیت پیرایش آنهاست.

باری؛ مجموعه احادیث شیعه - که اگر حدیث قدسی باشند، سخن خدا هستند و در غیر این صورت سخن معصوم - گنجینه‌ای است از علوم و معارف اسلامی، از هستی شناسی و مبدأ و معاد گرفته تا علوم تجربی و ریاضی و منطق، از تاریخ و فلسفه تاریخ تا علوم سیاسی، اجتماعی و اقتصادی. از عرفان و اخلاق و روانشناسی تا فقه و فلسفه احکام. از علوم قرآن و تفسیر و دعا و نیایش تا حدیث شناسی و حدیث پژوهی. از مباحث کلامی تا بحثهای اصولی، از مسائل هنری و زیباشناختی تا مقولاتی در ادبیات و زبانشناسی. و همه اینها چنان بینشی گسترده و مستند به پژوهشگر یا حتی خواننده ساده حدیث می‌بخشند که پس از قرآن، در هیچ منبع دیگر، نمی‌توان چنین پرباری و تراکم اطلاعات انبوه را یافت. این مجموعه در کنار روایات صحیح و موثق و معتبر اهل سنت و با پشتوانه و محوریت قرآن کریم، دریایی بیکران است که می‌تواند تا قیامت، خوراک فکری و راهنمای عملی عصرها و نسلها را تأمین کند. چنین است که پاسخگویی به نیازهای روز و مسائل زمان - و به تعبیری: «حوادث واقعه» به محدثان سپرده شده است.

محدث و محدث امروز، فقیه و دین‌شناس و مفسر و متکلم و حکیم و عالم و مورخ و رجالی و اصولی واقعی است؛ چیزی فراتر از فقیه و مفسر و متکلم و حکیم و عالم و تاریخدان و حتی محدث و رجالی اصطلاحی و مجموعه‌ای از همه اینها به علاوه آگاهی عمومی از دانشهای زمان؛ از علوم تجربی؛ تاریخ و فلسفه تاریخ؛ علوم سیاسی، اجتماعی و اقتصادی؛ عرفان و مکاتب آن؛ اخلاق و فلسفه اخلاق؛ روانشناسی؛ اصول فقه و تاریخ فقه و فقها؛ مکاتب فکری زمان؛ هنر؛ ادبیات؛ زبانشناسی و آشنایی با رخدادها، مسائل و شبهات عقیدتی، فکری و سیاسی روز و توانایی در دستیابی به اطلاعات نو و اخبار لازم از منابع دست اول و داشتن آن میزان از نیروی اندیشه که بتوان همه یا بخشی از اینها را به گاه ضرورت با یکدیگر آمیخت و پاسخ را استنتاج و استخراج کرد. تحلیل عقیدتی رخدادها و پاسخگویی به نیازهای فکری و روانی مردم کار این محدث است. او که راه محراب مسجد تا تالار نمایش را می‌داند و می‌پیماید. او که سالک راه عرفان و اهل راز و نیاز است و با جوانان نیز در محافل و ورزشگاههای آنها دمخور و همبازی است. او که در کلیسا و کنیسه و معبد و آتشکده و خانقاه پا نهاده و با اهل ادیان و مذاهب و فرقه‌ها و رهبران و عالمان و پیروان و مریدان آنها آشناست و اخباری و اصولی و شیخی و اسماعیلی و وهابی و صابئین مندایی ایران را از نزدیک دیده و آثار آنها را مطالعه کرده است. و پیش از همه و پیش از همه اینها، دست کم یکی - دو بار در هر پنج سال، کل آیات و روایات (شیعه و سنی) را مرور می‌کند.

نگاهی به زمان و زمانه و موقعیت اسلام و مردم در ایران و جهان، با توجه به آن چه گفته شد، ما را از تأکید بر طرح نیاز به «تربیت محدث» بی‌نیاز می‌کند.

کتاب و کار

با حجت‌الاسلام دکتر سید محمد شفیعی مازندرانی - پژوهشگر، مؤلف و ناشر

سرچشمه‌های آرامش

این سالها بسیاری را می‌بینی که از درون دچار اضطراب، آشفتگی، دلشوره، تردید، افسردگی، نگرانی، نومیدی و تزلزل‌اند. به کتابهای آرامبخش، قرصهای ضدافسردگی، مواد مخدر، روانشناس و روانکاو، یوگا و مدیتیشن، سفر و سرگرمی و تلقین و بیخیالی رو می‌آورند اما یا تسکین موقت می‌یابند و یا بیماری آنها تشدید می‌شود یا تغییر شکل می‌دهد. اغلب از درمان خبری نیست. فروش بسیار کتابهایی در این زمینه‌ها، مراجعات بسیار و انبوه به مطب روانپزشکان و مشاوران روانی و مصرف این دارو و به‌کار بستن آن درمان، از انبوه مبتلایان به این بیماری نکاسته است.

در این میان کمتر کسانی هستند که دریابند کمبود یا نبود ماده‌ای به نام ایمان و اطمینان در روح ممکن است منشأ این دشواریها باشد و جز با تغذیه مداوم روح از سرچشمه‌های آرامش، نتوان کاستیهای روحی را جبران کرد و توان و غنای لازم را به آن بخشید. دیگر روشها، همه تسکین موقت‌اند و نشانی از درمان ندارند. آموزه‌های دینی غیر از آن‌که به خودی خود می‌توانند روح را از چشمه‌های ایمان سیراب سازند، در جنبه‌های پزشکی و درمانی نیز می‌توانند دستورهایی برای درمان یا تسکین مشکلات روانی داشته باشند و راه بهبود را پیش پای بسیاری از مردمان بگذارند.

اخیراً کتابی به همت نشر «فرهنگ آفتاب» در قم به بازار آمد با عنوان «سرچشمه‌های آرامش در روانشناسی اسلامی، شامل پنجاه و هفت عامل آرامبخش و ضد اضطراب و نگرانی». این کتاب در دو فصل بلند با زیرعنوانهایی بسیار، نخست به مهمترین عوامل ایجاد نگرانی و اضطراب و سپس به عوامل آرامش‌بخش می‌پردازد و در این راه از آیات و روایات، خاطرات و اشعار و استدلالها و نقلها بهره می‌گیرد. در انتها نیز خلاصه‌ای از کتاب و آن گاه فهرستهای گوناگون آن می‌آید. انتشار این کتاب، انگیزه‌ای شد برای گفت‌وگو با مؤلف آن، که پژوهشگری در علوم اسلامی و دارای آثار و فعالیتهایی در حوزه نشر و نگارش است.

حجت‌الاسلام سید محمد شفیعی دارایی (مازندرانی) متولد ۱۳۲۸ در دارابکلای ساری است. پدرش از علمای مازندران است و پدربزرگش از شاگردان شیخ مرتضی انصاری بود. پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی وارد حوزه علمیه دارابکلا شد و دوره مقدمات و بخشی از دوره سطح را در آنجا گذراند و از محضر آیت‌الله شیخ محمدباقر دارابکلایی بهره برد. سپس در حدود سال ۴۹-۱۳۴۸ به حوزه علمیه قم پا نهاد و دوره‌های سطح و خارج را در آنجا تا اجتهاد ادامه داد و از استادانی مانند آیات و آیات عظام مولوی تبریزی، محمدی گیلانی، سبحانی، مکارم شیرازی، مصباح یزدی، صالحی مازندرانی، فاضل لنکرانی، جوادی آملی، حسن‌زاده آملی، گلپایگانی، میرزا هاشم آملی، وحید خراسانی و اراکی، علوم منطق، اصول، فقه، فلسفه، تفسیر، رجال و... آموخت.

اینک اجازه نقل حدیث و گواهی اجتهاد از چند مرجع تقلید، دکتری علوم حوزوی از حوزه علمیه قم و فوق‌لیسانس فلسفه و کلام از وزارت علوم دارد. در حوزه و دانشگاه به تدریس و تحقیق می‌پردازد. عضو هیئت علمی و مدیر گروههایی در برخی دانشگاهها بوده و ساکن قم است. کتاب می‌نویسد و شعر می‌سراید. انتشارات «فرهنگ آفتاب» را دارد و به عنوان عضو علمی با دایرةالمعارف فقه شیعه همکار است که زیر نظر آیت‌الله مکارم شیرازی تدوین می‌شود. فهرست آثار او به رقمی نزدیک به هشتاد می‌رسد.

چه شد که به نگارش کتاب سرچشمه‌های آرامش پرداختید؟

کیست که جویای آرامش نباشد و کدام جامعه است که از کمبود آن رنج نبرد و در عذاب نباشد و کیست که همواره در جهت دستیابی بدان نکوشد؟

آرامش، مطلوب کل طالب است و آدمی، همه چیز را در جهت تحقق آن فدا می‌کند. اما آن‌چه مهمتر به نظر می‌رسد، مسئله دستیابی به آرامش است و بدون تردید این انسانشناسان راستین هستند که در این باره می‌توانند دست بشریت را بگیرند. از این رو جز انبیا و اولیا که به سرچشمه علم لایتناهی الهی متصل‌اند کسی را در این میدان توان بایسته نیست.

کتاب «سرچشمه‌های آرامش» در چاپ اول حدود ۵۷ رهنمود و توصیه رهبران اسلامی در باب دستیابی به آرامش را توضیح داده است و در چاپ دوم حدود ۶۴ عامل آرامش‌آور را عرضه می‌دارد.

محور نگارش کتاب حاضر، جمله‌ای شریف و مشهور از قرآن کریم است: «الا بذکرالله تطمئن‌القلوب» (آگاه باشید که تنها با یاد خداست که دلها آرام می‌گیرند).

رویکرد فعالیتها و نگارشهای شما در کدام جهت است و چه رویکردهایی را مناسب متون دینی امروز می‌دانید؟

در روزگار ما آن‌چه بیشتر ضروری به نظر می‌رسد، روی آوردن به مکتب اهل بیت(ع) و ترویج و تبلیغ مبانی فکری آنان و ارائه راهکارهای آنان به جامعه در باب دستیابی به زندگی سعادتبار است تا از این طریق گامی در جهت شکوفایی و سعادت واقعی انسانها در دنیا و آخرت برداشته شود.

مکتب اهل بیت(ع) نوشداروی زندگی بشر خسته و سرخورده از زندگی بیروح ماشینی است و بشر مدرن، به‌جای روی آوردن به آن همه قرصهای خواب‌آور، روانگردان، مواد مخدر و مسکنهای گوناگون، تنها یک راه در پیش روی خود دارد و آن گرایش و پذیرش معنویت اسلام و پایبندی به مکتب اهل بیت پیامبر اکرم(ص) است.

بر این اساس، نوشته‌های بنده با رویکرد به این اصل در خدمت به نسل جوان و به همه حقیقت‌جویان تحریر شده و فهرست آثار من گواه این مدعاست.

آیا در نگارش و چاپ کتابهایتان با دشواریهایی هم روبه‌رو بوده‌اید؟

مشکلات و دشواریهای مؤلفان از وضعیت خاصی برخوردار است. این مسئله در باب بنده که با دستی خالی کار می‌کنم دارای ویژگی دیگری هم هست. در قم، شاید میان ناشران، معروف باشم که جزوه و کتاب برای چاپ می‌دهم و به بهانه‌های مختلف، عذر می‌آورند. در این میان سرگذشت کتاب «تزکیة‌النفس» خواندنی است که مسئول یکی از مراکز انتشاراتی گفت: این کتاب جالب است اما ممکن است دیر فروش رود زیرا عربی است و مخاطب خاص دارد و بودجه ما را کد می‌ماند. شخصی از مقلدان یکی از آیات عظام به من گفت: اگر ایشان قبول کنند این کتاب را با سرمایه سهم امام(ع) چاپ کن و من بودجه لازم جهت انتشار آن را در اختیار شما می‌گذارم. خود آن مرجع نیز هنگامی که کتاب را مشاهده کرد، اجازه لازم را صادر نمود و فرمود کتاب را چاپ کن و به من تحویل بده تا میان طلاب پخش کنم.

در این میان بنده خدایی در جریان کار قرار گرفت و سهم امام مذکور را طی چند فقره چک تحویل گرفت و برای آن که به نوایی برسد آن را به مرجع مذکور داد بدون آن که او را در جریان تصمیمات چاپ کتاب قرار دهد. در نتیجه زمینه انتشار کتاب را از بین ببرد.

الغرض جزوات و کتابهای چاپ نشده و آماده چاپ فراوانی دارم که بودجه چاپ آنها را ندارم. چون از اداره ارشاد قم هم که اجازه نشر به بنده داده است تقاضای وامی جهت نشر کتاب کردم گفت وام می‌دهد لکن با این شرط که در فرصتی بسیار کوتاه که (بسیار غیر قابل قبول بود) باید بازپس می‌دهم. به هر حال شرایط وام به‌گونه‌ای بود که از گرفتن آن منصرف شدم.

آثار حجت‌الاسلام دکتر سید محمد شفیعی مازندرانی

۱. ایده‌ها و عقیده‌ها [بدیدگاه اسلام در باب امامت و ویژگیهای عقیدتی شیعه امامیه، به دور از هر گونه تعصب و حمله به سایر مذاهب اسلامی]، قم، بنیاد معارف اسلامی، ۱۳۷۹. ۲. راز خوشبختی [سالمسازی نسل در نگرش اسلامی با استفاده از قرآن و سنت و دیدگاههای صاحبنظران جهانی]، قم، نشر مشهور، ۱۳۸۰ (چاپ دوم). ۳. نعلیفه‌ها و سؤالهای اساسی وصیتنامه حضرت امام خمینی(ره) [شیوه نوین در تدریس وصیتنامه امام(ره) جهت تدریس در دانشگاه به همراه پرسشها، تعلیقه‌ها و تبیینها در بانوشت]، قم، پخش مهر، ۱۳۸۰. ۴. برقی از میانی تربیتی عرفانی امام خمینی(ره)، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶. ۵. آوای عاشورا (اشعار) [چهارده بند در باب حماسه عاشورا به سبک محتشمی (باز این چه شورش است...)]، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۰. ۶. شاخه طوبی [دیوان اشعار در باب زندگی چهارده معصوم و اشعار عرفانی و اخلاقی]، قم، نوید اسلام، ۱۳۷۷. ۷. زهد اسلامی [زهد اسلامی و اثرات و فواید گوناگون آن و تفاوت آن با زهدفروشی و زهد صوفیانه]، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸. ۸. بد عاقبتها [زندگی ۲۵ تن از کسانی که در عرصه دینداری درخشیدند ولی سرانجام آنان به کفر انجامید]، اصفهان، انتشارات انمه، ۱۳۷۸. ۹. پرورش روح، جلد اول [چهل حدیث پیرامون چهل موضوع اخلاقی همراه با ترجمه و تذنیب]، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰. ۱۰. پرورش روح، جلد دوم [چهل حدیث پیرامون چهل موضوع اخلاقی همراه با ترجمه و تذنیب]، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰. ۱۱. حماسه عاشورا (اشعار) [چهارده بند به سبک محتشمی همراه ۱۲ بند اشعار محتشم کاشانی]، قم،

دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰. ۱۲. مبدأشناسی [ادله اثبات توحید و پاسخ به پرسشهای باب توحید و بررسی عوامل قرآن از مذهب]، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۹. ۱۳. پژوهشی پیرامون فطرت مذهبی، قم، انتشارات اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۶. ۱۴. نقد و بررسی اصول دیالکتیک، قم، انتشارات اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۳. ۱۵. شناخت پایه جهانبینی، قم، انتشارات اسلامی. ۱۶. زندگی پس از مرگ، قم، انتشارات اسلامی، چاپهای چهارم و پنجم، ۱۳۷۵. ۱۷. تأثیر محیط زیست در انسان، قم، انتشارات اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۳. ۱۸. پرتوی از اخلاق اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی. ۱۹. گوردناژ در نگرش اسلامی. ۲۰. دروسی معارف اسلامی، قم، نشر دانشگاه آزاد واحد قم. ۲۱. وام و ربا، مشهد، مرکز پژوهشهای اسلامی. ۲۲. تحریف ناپذیری قرآن (آماده چاپ). ۲۳. سیاستمدار مظلوم (زندگی سیاسی- الهی امام حسن مجتبی(ع» (آماده چاپ). ۲۴. تزکیة‌النفس، چهار جلد، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ۲۵. درسهایی از وصیتنامه سیاسی- الهی حضرت امام خمینی(ره) (به عنوان متن درسی دانشگاه)، چاپ نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه. ۲۶. ارتداد در فقه اسلامی (آماده چاپ). ۲۷. معارف روزه (آماده چاپ). ۲۸. تاریخسازان عاشورا (آماده چاپ). ۲۹. سیری در دیوان اشعار امام خمینی(ره) (آماده چاپ). ۳۰. مرتبت زن در نگرش امام خمینی(ره) (آماده چاپ). ۳۱. تساهل و تسامح در نگرش امام خمینی(ره) (آماده چاپ). ۳۲. تنظیم خانواده و احکام آن در فقه اسلامی (آماده چاپ). ۳۳. حماسه عاشورا و زیارت امام حسین در منابع اهل سنت (آماده چاپ). ۳۴. گفتار آفتاب، اشعاری در منقبت امیرالمؤمنین(ع). ۳۵. گفتار آفتاب، چهل حدیث در منقبت امیرالمؤمنین(ع) از زبان عایشه، در منابع اهل سنت و نیز چهل سخن از زبان پیامبر در منقبت علی(ع) از کتاب کنزالعمال و نیز چهل رهنمود از امام علی(ع) (آماده چاپ). ۳۶. راههای درمان نگرانی و اضطراب در نگرش اسلامی، قم، انتشارات نصر. ۳۷. کالبدشکافی شایعه (آماده چاپ). ۳۸. غنا در نگرش امام خمینی (آماده چاپ). ۳۹. غنا در نگرش اسلامی، نمایز حریم غنای حرام و غنای حلال (آماده چاپ). ۴۰. ترجمه نهج البلاغه (همکاری با شادروان محمد دشتی در کتاب ترجمه نهج البلاغه). ۴۱. ترجمه نهج البلاغه (همکاری با شادروان محمد دشتی در کتاب فرهنگ نهج البلاغه در شعر شاعران نامدار). ۴۲. علم، عالم، متعلم و معلم در اسلام (آماده چاپ). ۴۳. سیرة‌المعصومین (آماده چاپ). ۴۴. زید و زیدیان (آماده چاپ). ۴۵. عشق در نگرش اسلامی (آماده چاپ). ۴۶. سیری در سیره جاودانه امیرالمؤمنین (پروژه پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی قم) (آماده چاپ). ۴۷. حماسه عاشورا، قم، انتشارات اسلامی. ۴۸. گنج و رنج (زیر چاپ)، سازمان حج و زیارت. ۴۹. شعر انتظار (در دست چاپ). ۵۰. خود ارضایی در فقه اسلامی (آماده چاپ). ۵۱. عاشورا، حماسه جاویدان، سازمان حج و زیارت، ۱۳۸۱. ۵۲. سرچشمه‌های آرامش، قم، فرهنگ آفتاب، ۱۳۸۲. ۵۳. غنا و موسیقی: نگرشها و چالشها (آماده چاپ). ۵۴. زهد: عامل رشد، توسعه و شکوفایی اقتصاد سالم (آماده چاپ). ۵۵. نسیم معارف (دیوان اشعار) (آماده چاپ). ۵۶. عرفان اسلامی (در دست چاپ). ۵۷. نماز: نگرشها و چالشها (آماده چاپ). ۵۸. عبادت: نوشداروی زندگی (در دست چاپ). ۵۹. اصلاحات در نگرش اسلامی (آماده چاپ). ۶۰. آزادی در نگرش اسلامی (آماده چاپ). ۶۱. دیدگاه امام خمینی در باب غنا و موسیقی (مقاله در دانشنامه امام خمینی). ۶۲. رابطه میان فقه و سیاست (مقاله در دایرة‌المعارف فقه شیعه). ۶۳. عشق و عرفان: نگرشها و چالشها (آماده چاپ). ۶۴. صفای باطن، نشر پژوهشکده فرهنگ و معارف اسلامی. ۶۵. شورش دل در نوای عاشورا (آماده چاپ). ۶۶. نقدی بر نظریه نسبیت اخلاق، مرکز فرهنگی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه، ۱۳۷۹. ۶۷. معاد جسمانی: نگرشها و چالشها، مرکز فرهنگی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه، ۱۳۷۹. ۶۸. دغدغه‌های شیخ فضل‌الله نوری (آماده چاپ). ۶۹. شواهد و قراین جدایی‌ناپذیری دین و حکومت (آماده چاپ). ۷۰. همکاری با دایرة‌المعارف فقه شیعه زیر نظر آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی. ۷۱. اسراف در نگرش اسلامی (آماده چاپ). ۷۲. مردسالاری دینی در سیره امیرالمؤمنین(ع) (آماده چاپ). ۷۳. علی و فاطمه [دیوان اشعار مربوط به آنان] (آماده چاپ).

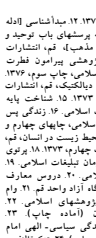

کتاب کتاب

پلورالیزم دینی یا پلورالیزم در دین

پلورالیزم دینی یا پلورالیزم در دین، نوشته دکتر سید حسن حسینی، چاپ اول، قطع وزیری، ۳۳۸ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۸۲، بها: ۲۰۰۰۰ ریال.

در این کتاب سعی شده است که نظریه پلورالیزم دینی رایج در غرب، از دیدگاه یکی از متفکران مدافع آن در فلسفه دین- جان هیک- بررسی و ارزیابی شود. نگارنده مدعی است که می توان با استفاده از اصول و مبانی تعالیم اسلامی و برخی مبانی فلسفی و معرفت شناسی اسلامی، به مفهوم جدیدی از «پلورالیزم در دین» نایل شد که به طور طبیعی و با توجه به اختلاف جنس و سنخ، در طیف مذکور قرار نمی گیرد و ماهیتی متفاوت با آن دارد.

در این تفسیر جدید از پلورالیزم، وحدت حقه حقیقی ادیان همسو با تکثر واقعی ادیان ارزیابی می شود و لذا این دو مقوله، نه تنها یکدیگر را نفی نمی کنند که مکمل هم نیز هستند. بر چنین مبنایی است که در عنوان کتاب، بین دو اصطلاح «پلورالیزم دینی» و «پلورالیزم در دین» تفاوت گذاشته شده است. «پلورالیزم در دین» اصطلاحی است که مؤلف آن را با توجه به محتوای نظریه تکثر دینی از دیدگاه اسلام، در مقابل اصطلاح معروف «پلورالیزم دینی»- که معنا و مدلول دیگری دارد- وضع کرده است. در اصطلاح «پلورالیزم دینی»، تفکر رایج در تکثرگرایی مورد نظر است، اما در اصطلاح «پلورالیزم در دین» این معنا مورد تأکید است که دین، حقیقت واحدی است که به صور و اشکال مختلف و معتدد، تکثرانی پیدا کرده است. این مضمون در کتاب حاضر در مقابل نگرش رایج در پلورالیزم دینی بررسی شده است. این تفکر نقطه مقابل نگرش حاکم بر آن طیف است که در ابتدای آن، تاکید بر وحدت و حقیقت دینی خاص، منافی حقیقت یابی در ادیان دیگر، و در انتهایش، تأکید بر اصالت تکثر ادیان (پلورالیزم)، مانع از وحدت حقیقی ادیان است.

بانو گشسپ نامه

روایت شاعری شیعی از پهلوان بانویی ایرانی

بانو گشسپ نامه؛ با مقدمه، تصحیح و توضیح دکتر روح انگیز کراچی، چاپ اول، قطع وزیری؛ ۲۲۸ صفحه؛ ۲۰۰۰ نسخه؛ انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ تهران، ۱۳۸۲؛ بها: ۱۴۰۰ تومان.

بانو گشسپ نامه، روایتی از زندگی دلاورانه بانو گشسپ دختر رستم و نبردهای پهلوانانه اوست. او پادشاهی را از بند جادو می رهاند، پسر افراسیاب -دشمن ایران زمین -را در بند عشق خویش می کشاند و زبونیش را به او نشان می دهد، ناتوانی و ضعف خواستگارانش -شاهان هند و همسایگان ایران -را به آنها می نمایاند و در انتها، همسری را که پدرش از میان سرداران و پهلوانان بنام ایرانی برایش انتخاب کرده بود در شب زفاف به بند می کشد و به تمام مردان -حتی به پدرش رستم -ثابت می کند که او زنی مطیع و منفعل نیست تا به جای او دیگران تصمیم بگیرند.

ظاهراً بانو گشسپ نامه تنها حماسه ملی ایران زمین است که پهلوان بانویی، قهرمان اصلی قصه است و در وصف جنگاوریهایش منظومه‌ای حماسی و مستقل سروده شده است. حتی درباره پهلوانانی مؤنث مانند گردآفرید که نمونه شجاعت زن ایرانی بود و بابیگانه (سهراب) برای حفظ سرزمینش نبرد کرد و یا گُردیه که در پهلوانی و دلاوری چنان بود که خواستگار ترک خود و لشکر او را به فرار واداشت و حتی همسرش گستهم را کشت، منظومه و داستانی مستقل ساخته نشده یا باقی نمانده است.

این منظومه روایت جوانی تا ازدواج پهلوان بانویی به عنوان شخصیت اصلی حماسه‌ای است که در آن ۲۵ شخصیت دیگر نیز حضور دارند که برخی از آنان را مردانی تشکیل می دهند که در کنار قهرمان داستان، با شکست خورده‌اند، یا تحقیر شده، یا ضعیف و زبون. نام بانو گشسپ سه بار در شاهنامه فردوسی آمده و وی در شمار سی و دو زن شاهنامه است.

آفرینش چنین منظومه‌ای در بخشی از تاریخ ایران اسلامی (ظاهراً اواخر قرن پنجم هجری) و به وسیله سراینده‌ای شیعی، شاید حفظ و بقای تمدن ایرانی و آموزه‌های اصیل شیعی به وسیله یادآوری ارزشهای والا و سازنده زن در جامعه‌ای است که ارزشهایش رنگ باخته و بی ارزش شده‌اند و تعصبهای جاهلی، سختگیریهای اجتماعی و آزار و اذیت زنان به بهانه دینداری، رایج است و فرهنگهای عربی و ترکی، در جامه اسلام ترکتازی می کنند.

بانو گشسپ نامه، حدود ۱۰۳۰ بیت دارد و براساس نسخه‌هایی کهن تصحیح شده است. پیشگفتار بلند مصحح به اطلاعاتی بسیار درباره این اثر اختصاص دارد و نمایه‌ها و فهرستهای متعدد پایانبخش کتاب است.

ترجمه‌ای تصویری از قرآن کریم برای کودک و نوجوان

آموزش قرآن با ترجمه موزون و روان (ویژه کودکان و نوجوانان)، جلد ۱ و ۲، ترجمه محمود صلواتی، تصویرساز: مهرنوش مقدس‌زاده، چاپ اول، قطع وزیری، هر جلد ۱۶ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، نشر مبارک، اصفهان، ۱۳۸۲، هر جلد: ۳۵۰ تومان.

این کتاب در هر جلد، ترجمه سوره‌هایی کوتاه از قرآن کریم است که در آن رعایت قافیه و برخی پانوشتهای توضیحی در نظر گرفته شده و با تصویرگریهایی مناسب موضوع همراه گشته است.

تازه‌های دنیای دین

آزاده رئیسی

Muntaknab Ahadith: A Selection of Ahadith Relating to the Six Qualities of Da'wat and Tabligh

منتخب احادیث: گزیده‌ای از احادیث مربوط به شش ویژگی دعوت و تبلیغ

نویسنده: حضرت مولانا محمد یوسف کندلوی
Hazrat Maulana Muhammad Yusuf Kandhlawi
۴۲۸ صفحه ناشر: Idara Isha at-e- Diniyat
دسامبر ۲۰۰۳، ۷/۸۵ دلار.

این کتاب که به گردآوری احادیث معتبر درباره ویژگیهای دعوت و تبلیغ پرداخته، به صورت مبتکرانه‌ای توسط نویسنده فقید آن در روزهای پایانی زندگیش به پایان رسیده است. نویسنده با استفاده از منابع غنی و با دقت بسیار در به‌کارگیری قواعد، اصول و مقدمات، به نگارش این اثر اقدام نموده و با نگرش وسیع و دانش سرشارش در علوم اسلامی، دایرة‌المعارفی چندمنظوره فراهم آورده است که هدف اصلی آن حفظ باورها و اعتقادات بنیادین است. هم اکنون این اثر ارزشمند توسط هیئتی از فضلا و دانشمندان اسلامی ترجمه شده و راهنمایی برای بشریت به سوی پرهیزکاری و پارسایی و دوری از اعمال حرام و شیطانی برای رسیدن به جامعه‌ای مطلوب است.

منبع: www.Islamicbooks. com

The Vatican's Women: Female Influence at the Holy See

زنان واتیکان: حضور مؤثر زنان در قلمرو مقدس

نویسنده: پل هوفمان Poul Hofmann، ۲۲۴ صفحه، ناشر: St. Martins Press، توامبر ۲۰۰۳، بها: ۱۴/۹۵ دلار.

بیش از چهارصد تن از سه هزار و هشتصد نفری را که به طور دایم ساکن واتیکان (کوچکترین ایالت خودمختار دنیا) هستند یا در این شهر به کاری مشغول‌اند، زنان تشکیل می دهند. جمعیت آنان را اغلب، راهبه‌ها، برخی از خدمتکاران خانه‌های کشیشان و روحانیان تشکیل می دهند و بقیه آنها منشیان، مترجمان، نویسندگان، وکلا، کارمندان و مسؤولان اجرایی حاکمیت «پاپی» هستند. کوشش نویسنده در ارائه شرح حال، توانایی و قدرت برخی زنان صاحبنام واتیکان نظیر: سن کاترین سینی (St. Catherine of Sienа)، ملکه کریستینای سوئدی (خدمتکار و محرم پاپ پیوس دوازدهم)، و مادر ترزاست.

مؤلف به بررسی و مطالعه عکس‌العمل نظام پاپی در برابر نهضت آزادی زنان و راهبه‌های کاتولیک، نیز تلاش و مبارزه آنان در جهت ایجاد موقعیت مناسب در درون کلیساها می پردازد.

منبع: www. Barnes Noble.com

کتاب

حافظ، پیام، جوان

فال و تماشا: گلچینی از هفتاد غزل حافظ با تعابیر رفتاری برای جوانان، نوشته دکتر حسین باهر، چاپ اول، قطع رقعی، ۸۴ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، انتشارات طنین، تهران، ۱۳۸۲، بها: ۸۵۰۰ ریال.

این کتاب مجموعه‌ای است از ۷۰ غزل ۷ بیتی حافظ برای جوانان که در ذیل هر غزل پیام یا پیامهایی مرتبط با آن غزل برای جوانان آمده است و کاربرد تفأل را نیز دارد.

نویسنده در مقدمه کتاب چهار باور را به عنوان پیشنیاز و مقدمه تفأل به دیوان حافظ برمی‌شمارد:

۱. باور داشتن به این که هستی دارای شعور مرموزی است که می توان با آن در ارتباط بود.

۲. باور داشتن به این که برای ارتباط با شعور مرموز هستی می توان از «ارباطن مطمئن» استفاده کرد.

۳. باور داشتن به این که عموم پدیده‌های هستی، آیات الهی و لذا رابطان مطمئن هستند.

۴. باور داشتن به این که اولیای الهی -شامل انبیا، اوصیا، شهدا و عرفا، از جمله حافظ -لسان الغیب هستند.

ناصر غضنفری

غلامرضا علی‌بابائی، فرهنگ‌نگار، مؤلف و مترجم قریب به بیست سال است که در زمینه فرهنگ‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، تاریخ روابط خارجی ایران و نیز تاریخ ارتش ایران به کار تألیف و ترجمه مشغول است. فرهنگ ۷جلدی علوم سیاسی که در سال ۱۳۶۷ چاپ و منتشر شد و به فاصله کوتاهی به چاپ دوم رسید، به‌تحقیق گسترده‌ترین دانشنامه‌ای بود که در این حوزه به دست علاقه‌مندان رسید. مکمل این دانشنامه فرهنگ تاریخی- سیاسی ایران و خاورمیانه بود که در ۲ جلد در سال ۱۳۷۴ منتشر شد.

حاصل تجارب دو دهه گذشته و نیز تحقیقات میدانی وسیع، در چاپ و انتشار فرهنگ سیاسی آرش خلاصه می‌شود که به مدد منابع معتبر موجود، تألیف و در آستانه سال تحصیلی به دنیای کتاب عرضه شد.

با او درباره فرهنگ‌نویسی در ایران و جهان و آخرین کتابش «فرهنگ سیاسی آرش» به گفت‌وگو نشسته‌ایم.

گفت‌وگو با غلامرضا علی‌بابائی مؤلف فرهنگ سیاسی «آرش»

فرهنگ‌نگاری؛ مشکلات، راهکارها

لطفاً تعریفی از «فرهنگ» و «دایرةالمعارف» و تفاوت های این دو ارائه کنید.

فرهنگ یا فرهنگنامه برای بیان و توصیف بسیاری از انواع کتاب‌های مرجع به کار برده می‌شود. منظور از واژه‌نامه‌ها صورتی عموماً الفبایی از لغات یک زبان است که معانی آن را بیان می‌کند.

فرهنگ می‌تواند یک‌زبانه، دوزبانه یا چندزبانه باشد و چنانچه به واژه‌ها و اصطلاحات خاص بپردازد، حالت اختصاصی پیدا می‌کند.

اما معنا و مفهوم دایرةالمعارف در طول زمان تغییر یافته است. امروزه عموماً این تصور وجود دارد که دایرةالمعارف به مفهوم سابق خود باید حتماً کتابی (مجموعه‌ای) چندین و چند جلدی متضمن دانش عمومی و همراه با تعداد زیادی تصویر و نقشه باشد؛ ولی اخیراً مشاهده می‌شود که حتی یک کتاب ۷۷۰ صفحه‌ای نظیر «دایرةالمعارف تروریسم» چاپ لاوزال (LAVAUZELLE) فرانسه (۱۹۹۹) از عنوان دایرةالمعارف استفاده می‌کند.

با این حال مرز بین دایرةالمعارف و فرهنگ در دنیای خارج به استثنای تعدادی که با هدفی خاص تألیف شده‌اند، تا حدود زیادی رعایت می‌شود.

به نظرم تفاوت اصلی دایرةالمعارف با لغتنامه در این است که لغتنامه‌ها اساساً ناظر بر واژه‌ها هستند، در حالی که دایرةالمعارف‌ها بیشتر ناظر بر اطلاعاتی در باب موضوع‌های گوناگون و بحث کمابیش مختصری از آنهاست. اگر چه در بسیاری از موارد نمی‌توان حد و مرز قاطعی بین کتاب لغت (فرهنگ) و دایرةالمعارف معین کرد.

مختصراً درباره سابقه فرهنگ‌نویسی و نگارش دایرةالمعارف در دنیا و ایران بفرمایید.

تألیف دایرةالمعارف به معنای امروزی آن از سده هجدهم آغاز شد. در سال ۱۷۰۱ نخستین دایرةالمعارف ایتالیایی با عنوان کتابشناسی جهانی تألیف شد که فقط ۷ جلد آن به ترتیب الفبایی (A-Capue) منتشر شد.

در سال ۱۷۰۴ توسط جان هریس انگلیسی نخستین دایرةالمعارف الفبایی انگلیسی منتشر شد. در سال ۱۷۲۸ نیز چمبرز (Chambers) نخستین دایرةالمعارف را به نام دانشنامه (Cyclopaedia) منتشر کرد.

اما در فرانسه دانشمندانی چون ولتر، روسو، کندیلاک، منتسکیو و دیگران که به «اصحاب دایرةالمعارف» شهرت داشتند، «دایرةالمعارف فرانسوی» را تألیف کردند اما دولت وقت از نشر آن به دلیل توهین به حاکمیت پادشاه وقت و کلیسا جلوگیری کرد و «دیده‌ور» به زندان افتاد، ولی چاپ پنهانی آن در ۲۸ مجلد در سال ۱۷۷۲ به پایان رسید.

اهمیت این کار در این است که در دو سده اخیر دایرةالمعارف فرانسوی الگوی دایرةالمعارف‌نویسی بوده است.

در ایران چطور؟

اشاراتی در دست است که نشان می‌دهد سابقه فرهنگ‌نویسی در ایران به قرون سوم، چهارم و پنجم می‌رسد. ایرانیان که خود در برهه‌ای از تاریخ مشعلدار کاروان علم و تمدن بوده‌اند، در این رشته نیز بدطولایی داشته‌اند. نمونه‌هایی در دست است که نشان می‌دهد ایرانیان در امر فرهنگ‌نگاری اهتمام ورزیده‌اند و حتی واژه‌نامه‌هایی را به زبان عربی تألیف کرده‌اند. سابقه دانشنامه علایی ابن سینا به قرن پنجم برمی‌گردد.

بهترین و معتبرترین دایرةالمعارف‌های معاصر را در جهان و ایران نام ببرید.

از مهمترین دایرةالمعارف‌های معاصر می‌توان به دایرةالمعارف بریتانیکا اشاره کرد که به سه قسمت «Propaedia»، «Macropaedia» و «Micropaedia» در سی جلد تقسیم می‌شود. دایرةالمعارف آمریکانا، دایرةالمعارف بروکهاوس (آلمان)، دایرةالمعارف بزرگ لاروس (فرانسه) و دایرةالمعارف بزرگ اتحاد شوروی -که بین سال‌های ۱۹۲۶ تا ۱۹۴۷ در ۶۵ جلد منتشر شد- از دیگر دایرةالمعارف‌های مهم معاصر جهان هستند و این آخری که بولشایانام دارد، دارای یکصد هزار مدخل است و ۸ هزار دانشمند، ۱۰۰ هزار مقاله برای آن نوشته‌اند.

در کشور ما هم در سال ۱۳۶۶ نخستین جلد از دایرةالمعارف تشیع منتشر شد و تا سال ۸۰، ۸ جلد آن منتشر شده است. همچنین از سال ۱۳۶۷ تا ۸۰، ۱۰ جلد

به فرهنگ به‌عنوان یک کتاب مرجع از دو جنبه مادی و معنوی توجه می‌شود

از دایرةالمعارف بزرگ اسلامی منتشر شده است. انتظار می‌رود که این دایرةالمعارف در ۳۰ جلد تکمیل شود و به نظر می‌رسد باید روی آن ۲۰ سال دیگر کار شود تا بتوانیم شاهد نخستین دایرةالمعارف بسیار مفصل در کشور باشیم. یک روز آقای کامران فانی در جلسه‌ای می‌گفت همه ما از حرف الف شروع می‌کنیم و به ب و پ که می‌رسیم وسط کار می‌مانیم، چه بهتر که چند نفری از حرف ی شروع کنند و به بالا بیایند تا از این طرف هم چیزی داشته باشیم!

البته فرهنگنامه کودکان و نوجوانان به سرپرستی خانم تورانِ میرهادی هم قابل اشاره است که کار آن از ۱۳۵۸ آغاز شده است و ۶ جلد آن تا سال ۸۰ منتشر شده است.

فرهنگ‌های سیاسی در جهان...

بله، در این مورد می‌توان به فرهنگ سیاسی فرانسه نیز (که چاپ اول آن در سال ۲۰۰۰ و چاپ دوم آن در سال ۲۰۰۲ منتشر شد) در ۷۶۸ صفحه همراه با یک نمایه جامع و با ۱۵۰۰ مدخل تهیه شده است.

در زمینه استراتژی، فرهنگ استراتژی (به فرانسه) و در حوزه دیپلماسی هم فرهنگ دیپلماسی در ۶۹۷ صفحه در سال ۱۹۹۸ چاپ شد.

پیردازیم به کشور خودمان. قبل از بحث فرهنگ‌های سیاسی، لطفاً کمی از فرهنگ‌نویسی در دوران معاصر بفرمایید.

در دوران معاصر، دولت وقت در سال ۱۳۱۷ فرهنگنامه‌ای را به سعید نفیسی سفارش داد که به علت وقوع جنگ جهانی متوقف شد. در سال ۱۳۲۲ مجلس شورای ملی طرح انتشار لغتنامه دهخدا را تصویب کرد و خوشبختانه چاپ شد.

در سال ۱۳۳۵ مؤسسه انتشاراتی فرانکلین طرح تهیه دایرةالمعارفی را بر اساس طرح دایرةالمعارف یک‌جلدی کلمبیا وایکینگ آماده کرد و به این ترتیب غلامحسین مصاحب با همتی کم‌نظیر تهیه نخستین دایرةالمعارف فارسی را بر عهده گرفت. امروزه این دایرةالمعارف در ۳ جلد در دسترس عموم قرار دارد. این اثر دارای ۱۰ هزار مقاله تألیفی، ۳۰ هزار مقاله ترجمه و ۳۵۷۲ صفحه است. البته «چاپ» آن ۲۹ سال طول کشید (از ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۴) و از لحظه طرح تا پایان کار (از ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۴) ۳۹ سال به درازا کشید. البته الان وضع خیلی بهتر شده و به سبب رشد افراد تحصیلکرده و پژوهشگر، تعداد کسانی که می‌توانند برای دایرةالمعارف‌ها مقاله بنویسند، بیشتر شده است...

فرهنگ‌های تخصصی و بویژه سیاسی چطور؟

از عمر واژه‌نامه‌های تخصصی دوزبانه در ایران، زمانی طولانی نمی‌گذرد. اولین و معتبرترین آنها فرهنگ انسان‌شناسی فرانسه - فارسی است که به سال ۱۲۹۱ در تهران به چاپ رسید. در دو دهه اخیر تعداد واژه‌نامه‌های تخصصی برابر کل واژه‌نامه‌های دوران قبل بوده است. این امر خود معلول به‌وجود آمدن رشته‌های تخصصی در دانشگاههاست.

قبل از اینکه به فرهنگ‌های سیاسی برسیم لازم است به نکته‌ای اشاره کنم؛ به نظرم برای تألیف یک فرهنگ سیاسی خوب باید منابع معتبر را جمع‌آوری کرد. در ایران نمی‌توان یک فرهنگ را صرفاً از یک منبع ترجمه کرد و کار باید بر اساس چندین منبع معتبر صورت گیرد که از میان آنها چند مقاله انتخاب شود و بتوان با مقایسه آنها بهترین را برگزید. در جایی هم که لازم باشد باید از منابع فارسی بهره گرفت.

اما درباره پیشینه فرهنگ‌نویسی سیاسی در دوران معاصر، تا جایی که حافظه‌ام یاری می‌دهد، سابقه نگارش اینگونه فرهنگ‌ها به بیش از نیم قرن می‌رسد. قدیمی‌ترین نوع از این کتاب که در دوران معاصر به چاپ رسیده است، فرهنگ جهان نما (اعلام و اصطلاحات سیاسی و بین‌المللی) تألیف علی جواهر کلام است که در سال ۱۳۳۵ شمسی وارد عرصه نشر شده است. دیگری فرهنگ لغات سیاسی و اجتماعی در ۱۳۱ صفحه تألیف سنخر می‌باشد که فاقد نام ناشر و تاریخ است؛ این مجموعه صرفاً تعریف تعدادی واژه است که در مجموع فارغ از بینش‌ها و جهت‌گیری‌های حزبی نیست.

اما کوچکترین یا به عبارت دیگر کم‌حجم‌ترین فرهنگ سیاسی تحت عنوان «مکاتیب، واژه‌ها و اصطلاحات سیاسی فلسفی» است که فاقد نام نویسنده، ناشر، تاریخ و مکان چاپ بوده و تنها در ۸ صفحه منتشر شده است. البته طبق تعریف یونسکو نمی‌توان نام کتاب بر آن نهاد. از سوی دیگر مشروح‌ترین اثر، فرهنگ علوم سیاسی است که در هفت جلد در سال ۱۳۶۷ توسط نشرویس منتشر شده و قریب به سه هزار صفحه مطلب را در خود جای داده است.

رایج‌ترین واژه‌نامه‌ها از این دست در پیش از انقلاب کتاب فرهنگ سیاسی داریوش آشوری بود که چاپ دهم آن در سال ۱۳۵۷ منتشر شد. در ابتدای انقلاب فرهنگ‌های منتشره از سوی احزاب و گروههای چپ تحت عنوان واژه‌نامه سیاسی- اجتماعی و واژه‌نامه مبانی و مفاهیم مارکسیسم شاخص‌تر بود و بازار را در اختیار داشت.

در مجموع در دوران بعد از انقلاب آثار نسبتاً خوبی در این زمینه چاپ و منتشر شد و مورد استقبال شایان توجهی نیز قرار گرفت. با این حال به لحاظ عدم رعایت اصول فرهنگ‌نگاری و فقدان منابع معتبر و فردی بودن تلاش‌ها، اینگونه فرهنگ‌ها در مقایسه با نوع غربی آنها، فاقد کیفیت مطلوب و مورد انتظار بود.

آماری از مجموع فرهنگ‌های سیاسی در کشور موجود است؟

بله، در مجموع حدود ۲۹ فرهنگ سیاسی با پسوندها و پیشوندهای گوناگون در ایران تألیف و ترجمه شده است.

اشاره‌ای داشتید به اشکالات کار فرهنگ‌نویسی در ایران. لطفاً کمی هم در این مورد بفرمایید.

کتابشناسی آثار غلامرضا علی‌بابائی

تألیفات

۱- فرهنگ علوم سیاسی (۷ جلد)، تهران: نشر ویس، ۱۳۶۷، چاپ دوم (در سه مجلد)، ۱۳۶۹.
۲- فرهنگ اصطلاحات روابط بین‌الملل، تهران: نشر سفیر، ۱۳۶۹.
۳- فرهنگ تاریخی سیاسی ایران و خاور میانه (۴ جلد)، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۴.
۴- تاریخ سیاست خارجی ایران، تهران: نشر درسا، ۱۳۷۵.
۵- فرهنگ روابط بین‌الملل، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۵.
۶- فرهنگ روابط بین‌الملل، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل، ۱۳۷۷.
۷- تاریخ ارتش ایران: از هخامنشی تا عصر پهلوی، تهران: آشیان، ۱۳۸۲.
۸- فرهنگ سیاسی آرش، تهران: آشیان، ۱۳۷۷.

ترجمه‌ها

۱- ارتش و تشکیل حکومت پهلوی در ایران، استفانی کرونین، تهران: نشر خجسته، ۱۳۷۷.
۲- تاریخ روابط آمریکا و شوروی: از انقلاب روسیه تا فروپاشی کمونیسم، نوشته پیترجی بویل، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۰.
در دست ترجمه
پی افکندن ایران مدرن: دولت و جامعه در دوران رضا شاه (۱۳۲۰-۱۲۹۹) ویراسته استفانی کرونین.

اصولاً کار فرهنگ‌نویسی در ایران، هنوز چندان مانند کار سازمان‌های فرهنگ‌نویسی دنیای غرب، نهادینه نشده است. از چند کار چاپ شده نیمه تمام بنیادهای دایرةالمعارف‌های مذهبی که بگذریم، اکثر قریب به اتفاق دانشنامه‌های تخصصی آثاری است که به مدد ابتکار و همت فردی تألیف می‌شود. مشکل بتوان به این زودی‌ها به پای کار فرنگی‌ها در این زمینه رسید. به نظر می‌رسد که برای چاپ فرهنگی نظیر «لاروس» به صد سال زمان نیاز داشته باشیم.

«پیر لاروس» مؤسس لغتنامه‌های لاروس، زمانی گفته بود کتابی تألیف خواهم کرد که در آن هر کس به ترتیب الفبایی، همه معلوماتی را که امروزه مغز بشری را غنی می‌سازد، به دست آورد. تا رسیدن به این هدف راهی بس طولانی در پیش روی داریم. مسأله کیفیت چاپ، کاغذ، طراحی، صفحه‌آرایی و... نیز بحث جداگانه‌ای می‌طلبد که از حوصله این گفت‌وگو خارج است.

فکر می‌کنم در ترجمه برخی مفاهیم هم مشکلاتی وجود دارد.

بله. دانش نوینی که ما می‌آموزیم، تماماً ترجمه است. در این زمینه از یک نظر مشکل دوگانه‌ای پیش روی ماست: یکی فهم مفاهیم و زبان و اصطلاحات نوینی است که مدام در دانش نو پدیدار می‌شود و دیگری برگردان آنها به فارسی و ساخت یا گزینش برابرنهادها یا معادل آنهاست. با وجودی که عمر برخی از برابرنهادهای فارسی از نیم قرن گذشته است، باز هنوز چنانکه باید جا نیفتاده است. علت آن به این شرح است: ۱- فرق اساسی در شیوه‌های جهان‌نگری شرقی و غربی ۲- سرعت ورود و راهیابی این دانش و گاهی هم شاید هجوم آن به زبان ما ۳- آسانگیری زبان‌های غربی و نماندن در چارچوب‌های تنگ کهنه و «ادبی» به هنگام واژه‌گزینی برای رشته و مفهوم‌های نو گوناگون. آنها بیشتر به مفاهیم توجه دارند تا به معنای لغوی.

به نظر شما در ارزیابی یک فرهنگ چه مواردی را باید در نظر داشت؟

به فرهنگ به عنوان یک کتاب مرجع از دو جنبه مادی و معنوی (محتوایی) توجه می‌شود: نوع حروف، نوع چاپ، جلد، استحکام صحافی و نوع کاغذ از جمله موارد ارزیابی مادی یا شکل ظاهری است اما به لحاظ معنوی یا محتوایی به مواردی چون مقدمه فرهنگ، اعتبار ناشر، اعتبار مؤلف، تاریخ نشر (به جهت هماهنگی و مطابقت با مسائل روز)، سطح کارکرد (از نظر مخاطبان)، اطلاعات ارائه شده، شیوه تنظیم و دستیابی به مدخل و...

بپردازیم به کتاب خودتان. انگیزه و هدف شما از تألیف این فرهنگ (فرهنگ سیاسی آرش) چه بوده است؟

هدف از این کار بدون تردید اطلاع‌رسانی به قشری است که تشنه دانستن مفاهیم کلیدی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل است. در دو دهه قبل به دلیل کمبود منابع اصلی در بازار کتاب؛ و دسترسی اینجانب و تنی چند از دوستان فرهیخته‌ام به اینگونه کتاب‌ها، بر آن شدم تا با گردآوری منابع دست اول موجود آنها را ترجمه کنم و در اختیار علاقه‌مندان قرار دهم. حاصل کار، چاپ و نشر فرهنگی گسترده بود که چاپ اول آن در ۷ جلد و چاپ دوم آن در سه مجلد فراهم آمد. علاوه بر ترمینولوژی سیاسی، انقلاب، جنگ و کودتا، واژگان مرتبط با سازمان‌های بین‌المللی، احزاب سیاسی جهان و نیز زندگینامه رجال، مجلدات بعدی را تشکیل می‌دادند.

در فرهنگ حاضر نیز سعی شده است تا با استفاده از منابع درجه اول که از نمایشگاههای بین‌المللی کتاب فرانسه، آلمان و انگلستان در سده جدید تهیه شده است، نوعی «هندبوک سیاسی» (PoliticalHandbook) به شکلی مطلوب در اختیار خواننده متعهد قرار گیرد.

چرا نام آن را آرش گذاشتید؟

آرش یکی از پهلوانان اساطیر باستان ماست که نماد فداکاری است. من خواستم آنچه را که در توان دارم بر سر این کار بگذارم و آن را الگوی خود قرار دهم.

ویژگی‌های این فرهنگ در چیست؟

در این فرهنگ سعی شده است که حدود یک هزار اصطلاح در زمینه‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل و نیز رشته‌های مرتبط با آن با زبانی تا سرحد امکان ساده مورد بحث و بررسی قرار گیرد. در این راستا تلاش بر آن بوده است که در وهله نخست به پیشینه اصطلاح و سپس به سیر تکاملی آن پرداخته شود.

در این فرهنگ اما کوشش بر آن بوده است تا ضمن ارائه یک کار علمی، کاستی‌هایی که در کتاب‌های مشابه دیده می‌شد برطرف شود. این کاستی‌ها عمدتاً عبارت بودند از: محدودیت اصطلاحات و واژه‌ها؛ محدودیت و ابهام در تعاریف برخی از واژه‌ها؛ جهت‌گیری‌های حزبی و گروهی و همچنین ارائه جزمیت‌های عقیدتی.

در بیان واژه‌های مرتبط با مکتب‌ها و مرام‌های سیاسی نیز هدف آن بوده است که به دور از جزم‌اندیشی‌های سیاسی و صرف‌نظر از بار مثبت یا منفی آنها حتی‌المقدور همانگونه که در مراجع رسمی به ثبت رسیده‌اند، عیناً نقل قول شوند.

یکی از حسن‌های این واژه‌نامه آن است که دستنویس‌های آن قبل از چاپ در اختیار اهل فن قرار گرفت و نکات اصلاحی مورد نظر در آن اعمال گردید. همچنین سعی شد تا این فرهنگ توسط تنی چند از دانشجویان نیز به عنوان خواننده مورد مطالعه قرار گیرد و نقطه‌نظرات آنها نیز ملحوظ شود.

طرفه آنکه کاربرد این فرهنگ به گونه‌ای است که مانند یک کتاب مرجع می‌تواند مورد استفاده طیف گسترده‌ای از افراد اعم از مبتدیان علوم سیاسی یا محققان و استادان این رشته قرار گیرد.

سابقه فرهنگ‌نویسی در ایران به قرون سوم، چهارم و پنجم می‌رسد

علت علاقه شما به دو حوزه تاریخ و فرهنگ‌نویسی بویژه فرهنگ‌نویسی سیاسی چیست؟

سؤال بسیار خوبی است. من از دوران نوجوانی علاقه زیادی به کتاب‌های لغت داشتم و بعدها سعی کردم خلأ موجود در زمینه‌های فرهنگ و تاریخ را پر کنم. البته هر دو حوزه از جاذبه‌های فراوانی به کار در حوزه دیپلماسی و مناسبات سیاسی میان ایران و کشورهای جهان مرتبط می‌شود.

در مورد کتاب «ارتش و تشکیل حکومت پهلوی در ایران» اثر استفانی کرونین که ترجمه کرده‌ام باید اشاره کنم که از اوان جوانی محل اقامت و کلاس‌های درسم مشرف به میدان سان و رژه و مانورهای نیروی هوایی بود و این انگیزه‌ای شد برای ترجمه آن کار.

کتاب تاریخ ارتش ایران نیز به بررسی چگونگی تشکیل و تکوین ارتش ایران از دوران هخامنشی تا پایان دوران پهلوی می‌پردازد و ساختار آن را در ادوار مختلف مورد بررسی قرار می‌دهد. تشکیل ارتش رنگارنگ ایران، بریگاد قزاق، ژاندارم خانه، پلیس جنوب ایران، اصلاح نظام لشگری، سربازگیری و تأسیس آموزشگاههای نظامی ایران، همکاری نظامی با آلمان نازی در دوران رضاشاه، تبدیل ایران به یک قدرت منطقه‌ای در چارچوب دکترین نیکسون و تجهیز نیروی هوایی به انواع شکاری‌های فوق مدرن از جمله اف-۱۴ در دوران پهلوی دوم از جمله مباحث مهم این کتاب مرجع است.

و آخرین کتابتان؟

یک کار در دست ترجمه دارم به نام «پی افکندن ایران مدرن»: دولت و جامعه در دوران رضاشاه که ویراسته استفانی کرونین است.

کتاب و کار

فرانک آرتا

یک داستان مینی‌مالیستی

محمد عیدی متولد ۱۳۵۳، تاکنون هفت عنوان کتاب منتشر کرده است: سه جلد راهنمای فیلم سالانه از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۰، نقد فیلم در ایران: ده فیلم دهه نود؛ از پیدا و پنهان (گفت‌وگو با آیدین آغداشلو) و مرگ یک روشنفکر و یازده داستان دیگر آخرین کتابی که بر خلاف کتاب‌های پیشین او درباره سینما نیست. هر دوازده داستان او، به‌صورت مینی‌مالیستی به رشته نگارش درآمده است.

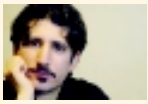

چه شد که داستان‌های «مرگ یک روشنفکر» را نوشتید؟

من از سال ۶۹ نقدنویسی را شروع کردم و از آن سال تا به حال ادامه دادم‌ام. عمده نوشته‌هایم نقد فیلم هستند و نقد تئاتر. ضمن اینکه هر از گاه راجع به هنرهای دیگر هم نوشته‌ام. اما فکر می‌کنم نقدنویسی هم نوعی داستان‌نویسی است. منتقد دارد خودش را توضیح می‌دهد، با موا جهه خودش- خودایش- را با یک اثر. در نتیجه چندان فرقی بین نقدنویسی و داستان‌نویسی نمی‌بینم. ضمن اینکه طی ده دوازده سال گذشته پیگیر ادبیات هم بودم و گاه راجع به آن هم نوشته‌ام. من عاشق نوشتن هستم و برعکس غالب عشاق سینما، علاقه‌ای به فیلم ساختن ندارم. در نتیجه همیشه دوست داشتم داستان بنویسم. هفت هشت سال پیش شروع کردم به نوشتن یک رمان، اما نیمه‌کاره ماند. چهار پنج سال پیش بود که بالاخره تصمیم گرفتم، علاقه‌ام به مینی‌مالیسم و نلانثم برای رسیدن به یک نثر بالوده -که همیشه فکر می‌کردم این تلاش در نقدهایم نمود دارد- را در قالب داستان کوتاه پیاده کنم. اولین داستانی که نوشتم «لولوها» بود و همین طور ادامه یافت که شما حاصل آن را سال ۸۱ در کتاب «مرگ یک روشنفکر و یازده داستان دیگر» می‌بینید که آقای مرادی در نشریه آینه سابق و ورجاوند امروز (که با همیاری خاتم نیلبی اداره می‌شود) زحمت انتشار آن را کشید.

از اسم کتاب به نظر می‌رسد که از دیدگاه روشنفکرانه به همه چیز نگاه شده، اما اتفاقاً برایم جالب بود که به خیلی چیزهای ریز و جدی زندگی آدم‌های عادی اشاره شده. راوی در ارتباط با آدم‌های جامعه است. چرا این نام را برای کتاب انتخاب کردید؟

خب البته «مرگ یک روشنفکر» اسم یکی از داستان‌های کتاب است. حتماً هم می‌دانید که این داستان راجع به کسی - بخوانید روشنفکری- است که سال‌های سال کتاب خوانده و حالا به نه خط رسیده و دارد جملات مختلفی راجع به زندگی را مرور می‌کند تا به مرگ نزدیک و نزدیک‌تر می‌شود. این یک داستان کتاب است و همین یک داستان هم همان‌طور که از عنوانش برمی‌آید مشخصاً راجع به روشنفکر و روشنفکری است. شخصیت‌های بقیه داستان‌ها هر یک به شکلی هستند، گیرم که در برخی‌شان رگه‌های روشنفکری هم دیده شود. ضمن اینکه توجه کنید اسم کامل کتاب هست: «مرگ یک روشنفکر و یازده داستان دیگر».

چرا داستان‌ها اینقدر کوتاه و مینی‌مال هستند؟

شاید ناخودآگاه به این نتیجه رسیده‌ام که هر چه کوتاه‌تر بهتر. از طول و تفصیل بدم می‌آید. نقدهایم هم غالباً کوتاه هستند و هیچ‌وقت نقدی نوشته‌ام که مفصل باشد. توضیح واضحات و توصیف کردن را نمی‌پسندم. فکر می‌کنم برای شعور خواننده باید ارزش قائل شد. همان‌طور که انتظار دارم یک نویسنده برای شعور من به عنوان خواننده ارزش قائل شود. به تعبیر دیگر من برای خواننده باشعور می‌نویسم در نتیجه نیازی نمی‌بینم که همه چیز را شیرفهم کنم. او با کوچکترین اشاره یا تلنگری مطلب را می‌گیرد و نیازی به توضیح بیشتر نیست.

هر یک از این داستان‌ها در عین حال که هویت مستقل دارند، در ارتباط با هم هستند. آدم فکر می‌کند قصه اول - که یک فضای ذهنی و کافکایی دارد- به شکلی در قصه بعدی مثلاً «هوای آفتابی» ادامه پیدا می‌کند، درست مثل یک فیلم ایزودیک. راوی اصلی انگار در همه داستان‌ها حضور دارد.

خوشحالم که این را می‌گویید. من هیچ ارتباط عامدانه‌ای بین این قصه‌ها برقرار نکرده‌ام. هیچ دو قصه‌ای نیست که در یک شب یا حتی یک ماه نوشته شده باشند. هر یک در زمان‌های جداگانه و با حال و هوای ویژه خود نوشته شدند. هر ارتباطی هست کاملاً ناخودآگاه بوده و از این قضیه که مثلاً دیگران به من یادآوری کرده‌اند که موتیف‌هایی مثل خواب، باران و مرگ در قصه‌ها تکرار شده- و حالا هم شما به شخصیت‌ها اشاره می‌کنید- خوشحالم.

به نظر می‌رسد که تأثیر کافکا و قصه‌های شما خیلی زیاد است، بخصوص در داستان اول...

البته کافکا یکی از محبوب‌ترین نویسندگان زندگی‌ام است. اولین باری که «مسخ» را خواندم- حدود ۱۵،۱۴ سال پیش- دیوانه‌وار عاشقش شدم و بعدها بیشتر و بیشتر دنیای غریب این نویسنده بی‌نظیر را کشف کردم. خب اگر تأثیری هست شما باید بگویید، اما قطعاً به عمد سعی نکردم که مثل کافکا بنویسم. الان که قصه اول را می‌خوانم می‌دانم که فضاهای کافکایی را به یاد می‌آورد و از این جهت خوشحالم. اصلاً دیوانه این نوع فضاها هستم؛ فضای «مسخ» کافکا، «موف کور» هدایت، «ملکوت» بهرام صادقی و نمونه سینمایی‌اش «جاده مالهالند» دیوید لینچ.

فضای بعضی داستان‌ها خیلی غریب است. داستان «بزرگراه» را یک روح روایت می‌کند، کسی که تصادف کرده و حالا مرده‌اش وسط بزرگراه است. با این حال خیلی فضای ملموسی است. او می‌گوید: «مثل اینکه نمایش داره تموم می‌شه. دورم حسابی خلوت شده. افسره به تایلون انداخته رو سرش. اما کسی به فکر نیست چیزی رو من بکشه. راستش هیچ‌وقت از مردن نمی‌ترسیدم، فقط گاهی فکر می‌کردم اگر زیاد بارون بیاد، من زیر خاک خیس می‌شم و این چقدر بدد. حالا زیر خاک نرفته دارم خیس می‌شم...» این برای من تکان‌دهنده بود. به این فضا چطور رسیدید؟

سال‌ها قبل- سال ۶۷-۶۸، که درس فیلمسازی می‌خواندم در سینمای جوان، فکری داشتم که می‌خواستم فیلم کنم: مردی تصادف می‌کند و دوربین از نگاه او دور و اطراف را می‌بیند که همه گرد او جمع شده‌اند. چشم‌های او باز و بسته می‌شوند و اصلاً فکر کرده بودم که برای جلو عدسی دوربین پلک بزرگی درست کنم که باز و بسته شود و در پایان به کل بسته شود و فیلم به پایان برسد. این فکر سال‌ها در ذهنم بود تا این که با یک اتفاق واقعی روبه‌رو شدم: در بزرگراه مدرس، یک نفر در اثر تصادف مرده بود و کسی نبود که جسدش را از وسط بزرگراه بردارد. تمام بزرگراه ساعت‌ها بند آمده بود و من که ساعت‌هایشت ترافیک گیر کرده بودم، این قصه به ذهنم رسید و همان شب نوشتم. جمله آخری هم که اشاره کردید، حسی بود که خودم برای لحظه‌ای داشتم: یک موقع که باران می‌آمد فکر کردم چقدر بد است که مرده‌ها زیر خاک خیس می‌شوند و هیچ کاری هم نمی‌توانند بکنند!

بازتاب کتاب چطور بود؟

بازتاب‌های شفاهی که عالی بود. عکس‌العمل‌های آدم‌های کاملاً مختلف در سطوح گوناگون نقریباً به طور کامل مثبت بود. هر کس خوانده بود حداقل یا چند داستان ارتباط خیلی خوبی برقرار کرده بود. آدم‌ها تکانی را در داستان‌ها پیدا کرده بودند که برای خودم همه جالب بود. چند نفری هم که به نظرشان بسیار اهمیت می‌دهم، خوشبختانه نظر کاملاً مثبتی داشتند. اما فکر می‌کنم که اهل ادبیات خیلی دلشان نمی‌خواهد که کسی وارد جمعشان شود. یکی از آنها که اتفاقاً منتقد و نویسنده خوبی هم هست، یکی از داستان‌های این کتاب را شاهکار توصیف می‌کند و به طور شفاهی در اینجا و آنجا آنقدر از این داستان تعریف می‌کند که من خودم شرمنده می‌شوم، اما حدود شش ماهی هست که او قرار است نقدی بر این کتاب بنویسد، ولی نمی‌نویسد. نمی‌فهمم چرا. همین متأسفانه راجع به جایزه‌های ادبی هم هست: نه این که جایزه برایم اهمیتی داشته باشد. که هیچ‌وقت نداشته و نشانه‌اش اینکه من با وجود نوشتن دهها نقد و مقاله در هر سال- حتی یک بار هم در جشنواره مطبوعات شرکت نکرده‌ام- اما برایم عجیب است که جمعی بهترین داستان‌های کوتاه سال ۸۱ را معرفی می‌کنند، بی‌آنکه هیچ کدام از داوران آنها- به اقرار خودشان- داستان‌های مرا خوانده باشند! داستان‌نویس دیگری هم که مسؤول یک جایزه ادبی ظاهرآ مهم است، چند روز پیش به ناشر من گفته که کتاب من اصلاً به دستشان نرسیده و دیگر هم نیز نشده، در حالی که ناشر برگه فرستادن کتاب توسط یک به تاریخ چند ماه پیش را نشانم داد! آنها برخوردهای قشنگی نیست. خوشبختانه من به کارم ایمان دارم و نظر آن دو سه نفری که به سوادشان باور دارم برایم از هر نقد و جایزه‌ای مهمتر است، اما حساب کنید که این اتفاق برای کسی بیفتد که به این جایزه‌ها یا نقدهای مطبوعات دل بسته باشد!

و کارهای تازه؟

یکی دو کتاب هست درباره سینما. داستان‌نویسی را هم کماکان ادامه می‌دهم و البته خیلی طول می‌کشد تا یک مجموعه دلخواه دیگر مهیا کنم.

یادداشت

مجید آل ابراهیم

اسپرت سازی

فناوری و دانش ساخت چراغ های خودروها آنچنان پیچیده است که علیرغم تلاش فراوان، خودروسازان ایرانی تاکنون نتوانسته‌اند به آن دست یابند و معمولاً برای طراحی چراغی جدید، طراحی و ساخت قالب های اصلی را به کشورهای دیگر سفارش می دهند.

تعجب نکنید. هر کدام از خطوط در هم و برهمی که روی شیشه چراغ خودروها می بینید دنیایی از محاسبات پیچیده ریاضی را در دل خود دارند. شکل و عمق قاب، نوع لامپ و توانش و نوع شیشه و در نهایت ساخت آن هر کدام باید از اصولی مبتنی بر قوانین فیزیک تبعیت کنند.

این اصول آنقدر اهمیت دارند که خودروسازان برای صادر کردن تولیدات خود به یک کشور دیگر باید استانداردهای آنجا را دقیقاً مطالعه و در تولیدات خود رعایت کنند. به عنوان مثال خودروساز ژاپنی برای صادر کردن تولیدش به اروپا باید استانداردهای اروپایی و برای آمریکا، استانداردهای آمریکایی را رعایت کند. قابل ذکر است که این استانداردها در قالب کتاب هایی برای کارخانه ها تدوین شده است. کتاب استانداردهای چراغ خودرو برای آمریکا که کتابی است در قطع رحلی و حاوی حدود ۹۰۰ صفحه جدول و نمودار، چندی پیش برای استفاده بخش تحقیق و توسعه یکی از کارخانه های داخلی توسط گروهی از اساتید فیزیک دانشگاهها ترجمه شد. تمام این مطالب به یک طرف و ذوق و هنر ایرانی هم یک طرف؛ همان هنری که فقط نزد ایرانیان است و بس!

فقط کافی است به بعضی از خودروهایی که در سطح شهر تردد می کنند نگاهی بکنید تا ببینید این هنر ایرانی چه بلایی بر سر تمام آن محاسبات و استانداردها آورده است. پیکان یا پیرایدی را می بینید که شبیه هر خودرویی هست به جز همان نامی که بر پیشانی دارد. هنرمند ایرانی ابتدا به علت نارسا بودن صدای بوق خودرو آن را با دو الی سه بوق شیپوری و زنگی و غیره عوض می کند و بعد به علت زشت بودن! چراغ های آنها را با انواع و اقسام برچسب ها می پوشاند و اگر هم نشد، آنها را رنگ می کند و اگر خودرو مشکی باشد چراغ های خطر و راهنما را که بی خودی! به رنگ قرمز یا زرد ساخته شده‌اند به سیاه تغییر رنگ می دهد و چون طراح کره‌ای یا فرانسوی فاقد عقل بوده و فراموش کرده که چند فلاش پرنور روی خودرو بگذارد، پشت ماشین را پر می کند از انواع و اقسام فلاش های قوی و در نهایت دو سه عدد چراغ مه شکن هم جلوی ماشین آویزان می کند که کمبود نور در هنگام سبقت های آنچنانی در بزرگراهها را جبران کند. در نهایت برای تکمیل پروژه بعد از دستکاری در موتور و اگزوز چند تا بلندگوی اساسی هم در داخل وصل می کند و این می شود همان «شترگاوپلنگی» که قدیم به آن زرافه می گفتند و امروز «خودروی اسپرت»!

ذوق و هنر ایرانی فقط به اسپرت سازی خودروها محدود نمی شود و هر چیزی که جنبه‌ای از نوآوری در آن دیده شود یا به فناوری های جدید در همه جا مشهود است و نیازی به تفحص ندارد. مرتبط باشد را در بر می گیرد. استفاده نابجا از تجهیزات و امکانات و کاربرد برعکس فناوری های جدید در همه جا مشهود است و نیازی به تفحص ندارد. کاربرد رایانه یا تلفن همراه یا همین اینترنت مثال های دیگری از این ذوق سرشارند.

گفتیم رایانه و یاد کتاب هایی افتادیم که امروز در بازار کتاب به وفور پیدا می شوند و همان زیباسازی ها در آنها به کار رفته، بدون اینکه توجهی را به خود جلب کنند.

بعضی از کتاب هایی که در زمینه رایانه در بازار پیدا می شوند حالت پیکان اسپرت شده را دارند. بعضی از بخش ها حذف و بعضی چیزها به کتاب اصلی اضافه شده‌اند و ترجمه ها گاهی از آسمان می گویند و گاهی از ریسمان. گاهی یک ناشر فقط با تغییر جلد ادعای چاپ راهنمای کامل نسخه ۲۰۰۳ یک نرم افزار را می کند در حالی که با رجوع به داخل کتاب متوجه می شویم که این کتاب را قبلاً هم خریده‌ایم ولی به عنوان نسخه سال ۲۰۰۰. تغییراتی که در جلد به وجود می آید کوچکترین نوع «اسپرت سازی» ممکن از سوی بعضی از ناشران است و چیزهای دیگری هم هستند که اصلاً قابل ذکر نیستند.

جالب اینجاست که در ابتدای هر کدام از این کتاب ها جمله‌ای به چشم می خورد که ناشی از خط و نشان کشیدن ناشر برای ناقضان کپی رایت است و بیشتر به «نظر قربانی» می ماند تا هشداری جدی. چه اگر واقعاً این جمله اعتبار و صحتی داشت خود آن کتاب هم به وجود نمی آمد.

یادداشت

مهستی خیری

انتشارات پیرسون

پیرسون یکی از بزرگترین ناشران تخصصی دنیاست که با تولید کتاب، مالتی مدیا و برنامه های آموزشی برای تعلیم و تربیت دانش آموزان و دانشجویان در تمام مراحل سنی و در هر جای دنیا فعالیت می کند.

این ناشر به دوصورت دیجیتالی و سنتی به ارائه خدمات می پردازد. شما می توانید به صورت Online به بیش از ۲۰۰۰ عنوان کتاب Text دسترسی داشته باشید و اگر آموزگار یا استاد دانشگاه هستید با بهترین منابع و ابزارهای پیشرفته و تخصصی کمک آموزشی و همچنین روش های نوین تدریس آشنا شوید یا اینکه به صورت سنتی از راهنمایی های اهل فن و متخصصان آموزش برای مشاوره‌های شغلی استفاده کنید.

این ناشر به گروههای زیادی تقسیم شده که در هر کدام از آنها تعدادی ناشر وجود دارد که در بخش های خاصی فعالیت می کنند.

اساس این تقسیم‌بندی ها گروه سنی و مقطع تحصیلی می باشد به عنوان مثال گروههای آموزشی پیش دبستانی، مقدماتی، دانشگاهی، تخصصی و حرفه‌ای که در هر کدام از این بخش ها ناشرانی در حوزه‌های تخصصی خود فعالیت دارند. مثلاً در مورد کتاب های دانشگاهی و تخصصی بخشی وجود دارد به نام PTG که به ناشران صنعتی اختصاص دارد مانند انتشارات ادیسون وسلی، آدوب، سیسکو و کیو و یا ناشران معتبری مثل لانگ من، آلین و باکون بنجامین کامینگ، پرنتیک هال و کامستوم که در قسمت کتاب های فنی و دانشگاهی فعالیت دارند.

آموزش پیش دبستانی و مقدماتی

یکسری از تولیدات این بخش مخصوص دانش آموزان و شامل کتاب و بسته های آموزشی است. کتاب ها موضوعات مختلف دارند مثلاً برای کودکان پیش دبستانی کتاب هایی تهیه شده که کودک را برای خواندن و نوشتن آماده می سازد و همین طور بسته های آموزشی یا همان مالتی مدیا که در واقع سیستم‌های آموزشی دیجیتالی هستند که به دانش آموزان اجازه می دهند ببینند، بشنوند، یاد بگیرند و در پایان بهترین را برای انجام دادن انتخاب کنند. در این روش سعی شده مسائل آموزشی را با استفاده از پویانمایی (کارتون)، انواع بازی ها و سرگرمی ها و طنز به کودک آموزش دهند تا با به کار گرفتن تمامی حواس، بیشترین تأثیر و ماندگاری را در ذهن او ایجاد کنند و بدین وسیله یادگیری دروسی مثل ریاضی و علوم را آسانتر کنند.

پیرسون دارای ۲۵ مرکز نشر است که به ۱۳ زبان مختلف تولیدات خود را ارائه می دهد

سری دیگر تولیدات

مخصوص معلمان و برای آشنایان آنها با روش های تدریس در سطح مقدماتی و چگونگی ایجاد انگیزه و شوق در بچه ها بوسیله وسایل کمک آموزشی است.

کتاب های فنی و دانشگاهی

یکی از ناشران معتبر این گروه ادیسون وسلی است که در سال ۱۹۴۲ توسط ملبورن وسلی و لئو ادیسون تأسیس شد. کتاب هایی با موضوعات کامپیوتر، اقتصاد مالیات، علوم ریاضی و آمار این ناشر از جمله پرفروشترین کتاب های دنیا است و روزانه هم کاربران زیادی به صورت Online از منابع و Text های این ناشر استفاده می کنند.

بنجامین ناشر دیگری است که مدتی است باادیسون وسلی همکاری دارد و این دو با هم در زمینه های مختلف علوم مانند آناتومی، فیزیولوژی، بیولوژی، شیمی، علوم کامپیوتر، اقتصاد، علوم ریاضی، میکروبیولوژی، فیزیک، نجوم و آمار، آثار زیادی را عرضه کرده‌اند.

لانگ من را هم که حتماً می شناسید و با لغت نامه های آن آشنایی دارید. این ناشر هم در بخش کتاب های فنی و آموزشی پیرسون فعالیت دارد بخصوص در زمینه آموزش زبان برای بزرگسالان حدود ۳۲ لغت نامه مجز برای استفاده بیش از ۱۵۰ مختلف منتشر کرده است.

شبکه جهانی

پیرسون دارای ۲۵ مرکز نشر است که به ۱۳ زبان مختلف تولیدات خود را ارائه می دهد همچنین دارای ۷۰ وب سایت منطقه‌ای در آسیا، استرالیا و نیوزیلند، کانادا، اروپا، آفریقا و آمریکای لاتین است. نمایندگی های پیرسون در آسیا در کشورهای هونگ کنگ، کره، ژاپن، تایوان و هند وجود دارد.

با مراجعه به سایت های آنها می توانید کتاب های دلخواه خود را انتخاب و سفارش دهید.

برای استفاده از تولیدات رایگان، بازی ها و خرید کتاب های Text می توانید به سایت این ناشر مراجعه کنید. دانش آموزان هم برای استفاده و خرید کتاب های مخصوص خودشان می توانند به آدرس www.dealsdealsdeals.com مراجعه کنند.

گنجینه های گمشده در کذر زمان

فریا پایروند ثابت

نادر، گرانبها

این بار به زمان معتضد خلیفه عباسی برمی گردیم و نسخه‌ای نادر و گرانبها را از دل قرن‌ها بیرون می کشیم. این رساله قسمتی از شرح دانشمند بزرگ نیریزی بر کتاب اصول اقلیدس است و از نظر تاریخ ریاضیات دوره اسلامی و یونانی بسیار اهمیت دارد. از این کتاب تنها یک نسخه در ایران موجود است که شاید ماجرای پیدا شدن آن جالب باشد. مرحوم جلال‌الدین همایی، در دوران پربار زندگی خود، یک نسخه عربی ناقص در شرح و تفسیر کتاب اصول اقلیدس که متعلق به سیدمحمد روضاتی اصفهانی بوده است را مورد بررسی قرار می‌دهد و نیریزی را صاحب این نسخه ارزشمند حدس می‌زند. این رساله بعدها به کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی آورده می‌شود، اما تا چند سال پیش، حتی مورخان علوم نیز این کتاب را گمشده می‌دانستند و کمتر کسی خبر داشت نسخه موجود در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی همان نسخه روضاتی است. تا اینکه در کنگره بزرگداشت نیریزی در سال ۱۳۷۹، تنها رساله موجود این کتاب در ایران مشخص و معرفی شد.

این اثر گرانبها رساله اصول‌الهندسه و الحساب نام دارد که کتابی ارزشمند در ۱۱۲ صفحه و به شماره ۶۵۳۶، در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی در قم نگهداری می‌شود. تاریخ کتابت این کتاب اواخر سده سوم هجری و یا اوایل سده چهارم هجری است. این رساله به خط نسخ و اندازه ۲۳در۱۲ سانتی‌متر است و مشخصات کامل آن در جلد هفدهم فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی صفحه صد و دوازدهم آمده است.

در آغاز (ابتدای هر نسخه خطی) افتاده این نسخه داریم: «وافتتین علیه، قال‌العزیزی کانّه یرید المعنی الذی قاله ارشمیدس انه اقصره اتجام (پایان هر نسخه خطی) آن نیز چنین است. «مثل ن قاذا اب بز مجموعین اعظم من ج ط و ه مجموعین و ذلک ما اردنا ان نبین»؛ «اما ابوالعباس فضل بن حاتم نیریزی، اهل نیریز فارس و یکی از ریاضی‌دانان و منجمان بزرگ دوره اسلامی است. وی از نیمه دوم سده سوم هجری تا اوایل سده چهارم هجری فعالیت علمی داشته است که معاصر با دوران معتضد عباسی بوده است.

از این دانشمند بزرگ آثار گرانبهای دیگری نیز به جا مانده که از آنها می‌توان به رساله «اسطرلاب کروی» و رساله «المصادرةالمشهوره لاقلیدس» نام برد.

کتاب

کف های بتنی

طراحی و اجرای دالهای متکی بر زمین ترجمه و تألیف: مهندس مجید هوشیار، ناشر: مؤسسه انتشارات کتاب آذرگان، قیمت: ۲۰۰۰ تومان.

مؤلف کتاب حاضر معتقد است: «کفهای بتنی در ساختمانهای صنعتی، تجاری و انبارها نقش مهمی ایفا می کنند». همچنین وی می افزاید: «با توجه به این مهم، به طراحی و ساخت این نوع کف ها توجهی نمی شود و مراجع زیادی به زبان فارسی در این باره وجود ندارد.»

با این دیدگاه مجید هوشیار سعی کرده تا در کتاب «طراحی و اجرای دالهای متکی بر زمین» با ارائه مفاهیمی از جمله کاربری کف ها، خواص بتن، طرح سازه‌ای کف، جزئیات درزها و... در طراحی و ساخت کف ساختمان، این نارسایی ها را تا حدودی جوابگو باشد.

تا آنجا که وی در بخش فلسفه طراحی کف های بتنی می گوید: «کف های با عملکرد مناسب نیز وجود دارند، اما قطعاً این کف های مطلوب از روی تصادف خوب از کار در نیامده‌اند. این کف ها مستلزم طراحی خوبی‌اند که لازم آن نگرشی منطقی و جامع به موضوع است. همین طور رسیدن به طرح مطلوب کار، چیزی بیش از تعیین بارگذاری کف و طرح سازه‌ای آن برای تحمل بار مورد نظر است که برای پرهیز از بروز مشکلات، لازم است هنگام طراحی و ساخت کف نیازهای کاربران مورد توجه قرار گیرد.»

از مهمترین خصوصیت های این کتاب وجلدی اشاره به استانداردها و مراجع در متن آن است که خواننده با مراجعه به آنها به جزئیات مطالب گفته شده دسترسی می یابد.

گفتنی است کتاب «طراحی و اجرای دالهای متکی بر زمین» در ۱۵ جلد تنظیم شده است که در انتهای آن واژه ها و اصطلاحات تخصصی مورد نیاز مخاطبان وجود دارد.

چه کتابی خوانده اید؟

عبدالعلی دستغیب: مترجم و منتقد

آقای دستغیب، هفت - هشت ماهی را که در شیراز بوده‌اید، فرصت مطالعه هم داشتید، آیا کتابی خوانده‌اید که درباره‌اش صحبت کنید؟

به دلیل نقاهتی که دارم خواندن و نوشتن برایم مقداری مشکل است. با این همه سعی می کنم از جریانات ادبی روز هم غافل نباشم. ولی در این روزها رمان «من و ویس» از فریده رازی را دارم می خوانم. رمان کم حجمی است.

ارزیابی شما از این رمان چیست؟

من نمی توانم الان قضاوت کنم. چون خواندن این رمان را تازه شروع کرده‌ام و بیش از چند صفحه نخوانده‌ام. اما ظاهراً پیداست که این رمان در فضایی مدرن جریان دارد. حالا چه اندازه موفق است، الان نمی توانم قضاوت کنم. باید تمامش کنم تا نظر بدهم.

آخرین کتابی که به طور کامل خوانده‌اید چه بود؟

در این یک ماه که به تهران برگشته‌ام. بیشتر سفرنامه خوانده‌ام و کتاب دیگری هم که برایم جالب و خوب بود، «زندگی من» اثر تروتسکی است. این کتاب را قبلاً هم خوانده بودم، چون هم جنبه ادبی دارد و هم جنبه سیاسی.

«زندگی من» لئون تروتسکی را چه کسی ترجمه کرده؟

ترجمه این کتاب به قلم هوشنگ وزیری است. آقای وزیری گویااین کتاب را از متن آلمانی به فارسی برگردانده و نمی توانم در مورد چگونگی ترجمه‌اش حرفی بزنم. ولی از نظر سیاق ترجمه، می توانم بگویم ترجمه خوبی است.

این کتاب از نظر محتوا چطور بود؟

تصوراتی که ما در دوران جوانی داشتیم راجع به انقلاب بلشویکی روسیه و تبلیغاتی که از آن ناحیه می شد و توسط عده‌ای در ایران اشاعه پیدا می کرد، همیشه برای ما سؤال برانگیز بود. برای خودمن هم تاریخ این انقلاب جذابیت داشت و دوست داشتم کیفیت اجتماعی، تاریخی و روانشناسی قضیه را بدانم. ابتدا آثار مدودف را هم خوانده بودم که به اسم «در دادگاه تاریخ» چاپ شده بود و یا به اسم «آن روی سکه تاریخ» توسط منوچهر هزارخانی ترجمه شده بود.

کتاب تروتسکی از چه منظری برایتان جالب بود؟

کتاب «زندگی من» هم به خاطر جامعیت‌اش و مباحث مهمی که داشت، اطلاعات وسیع ادبی تروتسکی و اطلاعات سیاسی‌اش موجب می شود که تروتسکی شرح می دهد که چگونه این انقلاب سرانجام به استبداد استالینی می رسد. تروتسکی از زمانی که از روسیه خارج می شود تا زمان مرگش در مکزیک که توسط تروریسم بین‌المللی کشته می‌شود، خیلی جذاب رویدادها را شرح می دهد.

وجه ادبی این کتاب چطور است؟

تروتسکی تعابیر خیلی شاعرانه‌ای را در این نوشته به کار می گیرد. صحنه سازی روایتش خیلی جالب است. به نوعی این کتاب تبدیل به اتوبیوگرافی می شود. یک اتوبیوگرافی تاریخی. نویسنده در واقع همراه با مسؤولیت و کارهای خودش، کارهایی که سران حکومت شوروی انجام می دهند، شرح می دهد. البته من در جایگاهی نیستم که قضاوت کنم تروتسکی درست می نویسد یا غلط. ولی مطالبی که بعداً در کنگره بیستم حزب توسط خروشچف بیان می شود، نشان می دهد آنچه تروتسکی نوشته، اکثراً درست بوده است و امثال خروشچف و بولگانین و... هم در این ماجراها دست داشتند. منتها بعد از مرگ استالین، دوره کوتاهی لیبرالیسم نمودار می شود که سرانجام هواداران استالین، خروشچف را از صحنه خارج می کنند. به هر حال این کتاب به نظرمن شاید یکی از بهترین سندهایی باشد که عمق فاجعه را می کاود. من که از خواندنش اطلاعات فراوانی به دست آوردم و لذت بردم. درس بزرگی که من از این کتاب گرفتم، این است که نباید فکر کرد با یک دگرگونی کمی نظیر انقلاب های فرانسه، روسیه و چین می شود سرشت و ماهیت کلی بشری را که در تنازع بقا و فرد محوری استوار است، به این سادگی و به این زودی ریشه کن کرد و تغییر داد و نتیجه‌ای که از این کتاب و مطالعات دیگر به دست آوردم این بود که انقلاب چین اصیل تر و مردمی تر از انقلاب روسیه بود و توانست بحران‌های بزرگ جهانی را از سر بگذراند و به نوعی خود را با جهان امروز هماهنگ کند.

آقای دستغیب کتاب جدیدی هم در دست انتشار دارید؟

چند کتاب از من هست که انتشارات نوید شیراز قرار است منتشر کند.

عناوین این کتاب‌ها را می شود بفرمایید؟

البته اینها کتاب‌هایی نیست که امسال نوشته باشم. این کتاب‌ها را طی چند سال اخیر نوشته‌ام که حالا به فکر انتشارشان افتاده‌ام. یک کتاب درباره حافظ است به نام «مستی شناسی حافظ» که انتقادی از تفسیرهای تأویلی یا هرمنوتیک روی غزلیات حافظ است. «پیدایش رمان فارسی» کتاب دیگری است که درباره رمان‌های اولیه فارسی نوشته شده است. مثل رمان «تهران مخوف» مثل «زیبا» از آثار محمد حجازی، آثار محمد مسعود، به نوعی رمان‌های تاریخی، رمان بوف کور هدایت و... است. این کتاب پیرامون تاریخ پیدایش رمان فارسی است. اینکه چه زمانی ما صاحب رمان ایرانی شده‌ایم. یکی دیگر از کتاب‌هایم ترجمه‌ای است از مارگریت مید «مردم‌شناس آمریکایی - به اسم «فرهنگ و تعهد». کتاب بعدی من «آن طور که بخواهیم» از

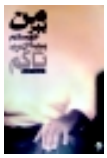

شکسپیر است که با همکاری آقای دکتر دولتشاهی ترجمه کرده‌ام. این کتاب یک نمایشنامه است. کتاب دیگری هم هست به نام «رویکردهای نقد ادبی»، منتقدان ادبی وقتی که یک متن را می خوانند از چه پایگاهی حرکت می کنند؟ از پایگاه جهان‌شناسی است، یا روانشناسی و یا اسطوره‌ای و یا... است.

کتاب دیگری هم دارید؟

بله. کتاب دیگری دارم به نام «فلسفه کانت» که این کتاب را قرار است نشر پرسش در اصفهان چاپ و منتشر کند.

کدامیک از این آثار زودتر به بازار می‌آید؟

کتاب دیگری به اسم «فلسفه و حقیقت» دارم که انتشارات نوید شیراز بزودی راهی بازار می کند. این کتاب از نیچه است، اثری از دوران جوانی نیچه. گمان می کنم «مستی شناسی حافظ» را هم ناشر زودتر از کتاب‌های دیگر چاپ و منتشر کند.

داوود غفارزادگان: نویسنده

آقای غفارزادگان طی ماههای اخیر چه کتابی خوانده‌اید؟

اغلب آثار قدیمی تر را خوانده‌ام. کتاب‌هایی که قبلاً ترجمه شده بودند و یا مجدداً با ترجمه دیگری منتشر شده‌اند، مثلاً رمان «ویکونت دو نیم شده» از کالوینو را که آقای شهدی ترجمه کرده‌اند، دوباره خوانده‌ام. غیر از این تریلوژی «ارباب حلقه‌ها» اثر تالکین را خوانده‌ام که آقای رضا علیزاده ترجمه کرده‌اند.

شما هر سه جلد را خوانده‌اید؟

بله، هر سه جلد را خوانده‌ام. به نظرمن این رمان هم ژانر خاصی دارد و این ژانر آنقدرها هم در ایران کار نشده است. نمی شود گفت نوعی ادبیات فانتزی است. شاید نوعی ادبیات مدرن و تخیلی است. به نظرمن یک کار خاص آمد که ظاهراً این نوع رمان در ایران هنوز باب نشده است و نویسندگان ایرانی با این سبک و سیاق کار نکرده‌اند. حتی باب بحث چنین رمان‌هایی هم باز نشده است.

فیلمش را هم دیده بودید؟

فیلمش را دیده بودم. ولی به نظرم فیلم خوبی نبود. نمی گویم این کتاب، یک رمان خیلی خاص است. ولی به خاطر موضوع و سبک نویسنده‌اش برای ما تازگی دارد. از این جهت خواندن و بررسی چنین اثری خیلی خوب است. ترجمه چنین اثری هم باید کار پرزحمتی بوده باشد. ترجمه بسیار خوبی هم داشت چون راحت آن را خواندم و قبلاً هم نقدی و یا مقاله ماندی به قلم مراد فرهادپور در باره این اثر خوانده بودم. کاش بحث‌های بیشتری در این حوزه‌های می شد.

از نویسندگان ایرانی هم اثری خوانده‌اید؟

رمان «من بیر نیستم...» از محمدرضا صفدری را خواندم. مثل تمام آثار صدری یک اثر خاص و مشخصه‌های دیگر آثارش را دارد.

البته آثار دیگر صفدری ساده‌تر از این رمان است.

به نسبت صفدری نویسنده ساده‌نویسی نیست. اما این رمان کمی پیچیده‌تر از دیگر آثارش هست ولی در مجموع این رمان یک کار اساسی و عالی در زمینه رمان بود و به‌ویژه در حوزه زبان اثری ممتاز است. رمانی است که نمی شود بی اعتنا از کنارش گذشت و با آن را نادیده گرفت.

آثاری هم بودند که به مراحل نهایی چند جایزه ادبی رسیده‌اند، آیا هیچ‌کدام از این آثار را خوانده‌اید؟

نمی دانم به کدام‌یک از این آثار اشاره می کنید. ولی دادن این جایزه‌ها کار بدی نیست. این جوایز باعث شد که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از اتهام نادیده گرفتن آثار ادبی بیرون بیاید. معلوم شد که همه ما نویسندگان کار جدی و شاخص ننوشته‌ایم. به نظرمن حیرت‌انگیز بود وقتی داوری مهرگان هیچ اثری را به عنوان رمان برتر انتخاب نکرد.

شما آثاری را که به مرحله نهایی مهرگان رسیده‌اند، خوانده بودید؟

«شهربازی» یاوری بود. رمانی از جولایی و رمانی از صفدری بود. شهربازی یاوری مثلاً کتاب کم‌اهمیتی نیست. کاری نیست که بتوان آن را کنار گذاشت، با کار جولایی. صفدری که جای خود دارد. حداقل این است که وضعیت خودمان را برای خودمان روشن کرده‌اند.

«شهر بازی» یاوری را چطور دیده‌اید؟

این رمان را من خواندم و به نظرم اثر بسیار خوبی است. هر یک از این آثار شکل‌های متفاوتی از نوشتن را نشان می دهند. به نظرم هر کدام یک هوای تازه و یک صدای جدید را نوید می دهند.

یاوری در این رمان از دیدگاه زبانشناسی موفق‌تر بود یا...

در مجموع رمان یاوری، رمان خوبی بود. هم به خاطر تعلیق، هم به خاطر زبان ساده و راحت.

فکر می کنید چرا مهرگان هیچ اثری را شایسته جایزه ندانست؟

نمی دانم. ظاهراً این جایزه به نمایندگی از ناشران داده می شود و ناشران هم با این حرکت داشتند به نویسندگان پیام می دادند که چیزی بنویسید که ما بتوانیم بیشتر بفروشیم. حرف این جایزه این بود. در انتخاب آثار برتر در حوزه ادبیات کودک و نوجوان هم کارشان بسیار خنده‌دار بود. اشکال ندارد، با همه این مسائل بودن چنین جوایزی بهتر از نبودنشان است. باید تمرین داوری کنیم تا به خلوص و صافی برسیم.

از میان مجموعه داستان‌های منتشرشده، چه کتابی خوانده‌اید؟

کتاب جدیداحمد غلامی را هم خوانده‌ام. مثل اغلب کارهایش بود. یکی-دو داستان خیلی خوب داشت.

آقای غفارزادگان، کتاب جدیدی هم در دست چاپ دارید؟

یک مجموعه قصه دارم که انتشارات افق همین روزها منتشر می کند. این مجموعه که حدود چهارده داستان دارد «دختران دلریز» نام دارد. تا آنجا که من اطلاع دارم می بایست این کتاب همین روزها چاپ می شد و به بازار می آمد.

چهره‌ها و کتاب‌ها

محمدجواد بهروزی

محمدجواد بهروزی آذر سال ۱۳۰۰ در بوشهر متولد شد اما در اصل اهل کازرون بود.

محمدجواد پس از پایان تحصیلات ابتدایی در کازرون، تحصیلات خود را در شیراز پی گرفت و پس از اخذ دیپلم ادبی راهی تهران شد و در رشته تاریخ و جغرافیا از دانشکده ادبیات تهران فارغ‌التحصیل شد و در بازگشت به شیراز مشغول تدریس گردید.

محمدجواد بهروزی پس از سی و پنج سال خدمت صادقانه به فرهنگ و تربیت فرزندان این مرز و بوم در سال ۱۳۵۲ بازنشسته شد و از آن پس به مطالعه و تصنیف و تألیف مشغول شد. وی در طول عمر خود بیش از ۳۵ عنوان کتاب در حوزه ادبیات و تاریخ و جغرافیا بویژه در زمینه فولکلور چاپ و منتشر کرد. از میان این آثار هفده عنوان به بازار آمد و دو جلد از آن زیر چاپ است که اولی با نام «یادبود یاران» توسط فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی در دست بررسی برای چاپ و انتشار است و دیگری با عنوان «شهر سبز» توسط بنیاد فارسی شناسی در شیراز چاپ و منتشر خواهد شد.

محمدجواد بهروزی در حوزه شعر «شراره‌های عشق» و «غوغای جوانی» را در سال‌های ۲۶ و ۲۷ در شیراز منتشر کرد. از اوایل دهه سی تا سال ۱۳۴۰ کتاب‌های «لغزها»، «تاریخ گیتی»، «جغرافیای گیتی» و «علوم اجتماعی» را که هر عنوان در سه جلد تدوین شده بود، منتشر کرد. در دهه چهل نیز «شهر سبز»، «تقویم تاریخی» و «چیستان در ادبیات» را تألیف کرد.

بهروزی حدود بیست سال سکوت کرد و در انزوا و خلوت خود نوشت بی آنکه به فکر چاپ آثارش باشد و در دهه هفتاد «واگوشک‌ها»، «گل‌های شهر سبز» و «زنان نامدار تاریخ ایران» را به دست چاپ سپرد.

محمدجواد بهروزی هشت عنوان کتاب منتشر نشده دارد که «ماده تاریخ» و «آئینه تاریخ» در چهار جلد و «دوگویی‌ها»، «زن و شاهکار آفرینش»، کتاب طنز «خر در چمن»، مجموعه شعر «تب خال‌ها»، «رمز اعداد در ادبیات فارسی» و «گلمب گل» از این جمله است. محمدجواد بهروزی همانگونه که در ماه آذر چشم به جهان گشود، در ماه آذر سال ۸۲ چشم از جهان فروبست.

کتاب هفته

صاحب امتیاز: خانه کتاب ایران

مدیر مسؤول: احمد مسجد جامعی

سردبیر: علی اصغر رمضانپور

امور فنی: گلبرگ گرافیک

لیتوگرافی وچاپ: ایرانچاپ

نشانی: خیابان قائم مقام فراهانی اول فجر (جم)، شماره ۹، طبقه دوم

صندوق پستی: ۳۱۳-۱۳۱۴۵

تلفن: ۸۸۴۰۱۹۹، ۸۳۱۸۶۵۴

نشانی اینترنتی:

http://www.ketabehafteh.com

اسماعیل همتی: نویسنده

چند کتاب زیر چاپ دارم که تا پایان سال منتشر می‌شوند. یک کتاب در باب پلورالیسم دین به اسم «تأملاتی در باب پلورالیسم دینی» است که مجموعه مقاله‌ها و مصاحبه‌هایی است که در داخل و خارج کشور داشتم. ناشر این کتاب «دفتر بازخوانی اندیشه مدرن» نام دارد که مؤسسه‌ای جدید است و کتاب‌هایی از من و دکتر داوری و چند تن از نویسندگان و متفکران را در دست چاپ دارد. یک کتاب دیگر هم دارم که درباره سکولاریزم است. این کتاب هم مجموعه مقالات و مصاحبه‌هاست. اسم این کتاب را گذاشتم «سکولاریزم در بوته نقد». سعی کردم در این کتاب نشان بدهم سکولاریزم به چه معنا غلط است و به چه معنا درست است. سکولاریزم حداقلی چیست، سکولاریزم حداکثری چیست؟ معنای اولیه و کلاسیک سکولاریزم نزد هولیوآکه و بنیانگذار این تفکر که تحت تأثیر سوسیالیزم هم بوده، چه بوده است و امروز سوسیالیزم معاصر که به معنای مدیریت علمی جامعه است و به معنای استفاده از علم برای اداره جامعه است، چه تفاوت‌هایی با سکولاریزم پیدا کرده است.

کتاب دیگر که رساله فوق لیسانس من بوده و یک پژوهش جدید است و برای اولین بار مقایسه‌ای بین ملاصدرا فیلسوف مسلمان ایرانی با دکارت فیلسوف فرانسوی و پدر و بنیانگذار فلسفه جدید است. این هم مقایسه‌ای است در باب دلایل اثبات وجود خدا در فلسفه ملاصدرا و فلسفه دکارت. این کتاب مربوط به دانش فلسفه دین و فلسفه مقایسه‌ای است. من در این کتاب تمام برهان‌هایی که دکارت با وام گیری از سنت آنسلمی و دیگران مطرح کرده، نارسا و ناکافی دانستم و تحلیل کرده‌ام. بعد از دکارت هم تقریرهایی که سه فیلسوف دکارتی لایب نیتس، مالبرانش و اسپینوزا ارائه کردند آنها را هم به لحاظ منطقی خدشه‌دار دانستم. برهان‌های ملاصدرا را هم تقریباً تکراری دانستم و تنها برهان‌های صدیقین را ابتکاری دانستم و مقایسه کردم با تقریر ابن سینا و مرایایش را نشان دادم و بعد هم علامه طباطبایی و برخی شاگردان طباطبایی که می‌خواستند نوآوری کنند. من جمله استادم آقای مهدی حائری یزدی که فقط نظرات و تقریرهای ایشان را جدید یافتم که بر اساس منطق صوری و منطق سمبلیک جدید، این برهان را تقریر کردند و خیلی فیلسوفانه و عمیق است. بقیه شاگردان علامه طباطبایی مثل استاد مطهری و استاد مصباح و جوادی آملی نظریاتشان را ناکافی دانستم و دقیقترین تقریر را تقریر خود ملاصدرا می‌دانم. اسم این کتاب «خدا در فلسفه دکارت و ملاصدرا» است. این کتاب را به ناشری دادم که دو-سه سالی طول کشید. ناگزیر کتاب را به ناشر جدید یعنی «دفتر بازخوانی اندیشه مدرن» سپردم.

کتاب دیگری که از من در دست چاپ است و دو سال روی آن کار کردم و از انگلیسی به فارسی برگردانده‌ام، کتابی است که واتیکان چاپ کرده بود. اسم این کتاب «فلسفه و الهیات» است و یک مطالعه بین رشته‌ای است یعنی فیزیکدان‌ها و عالمان الهیات و فیلسوفان هم هستند. این کتاب مجموعه هیجده مقاله است که نویسندگانشان پروفسورها و استادان دانشگاههای آمریکا و اروپا هستند. این مقالات در کنگره‌ای ارائه شده بود که خود پاپ میزبان آن بوده و از بزرگترین و معتبرترین استادان دانشگاهها برای حضور در این کنگره دعوت شده بود. در این کنگره پاپ از همه فیلسوفان و دانشمندان عذرخواهی کرد و یکی از تالارهای واتیکان را به اسم گالیله و یک تالار را هم به اسم نیوتون نامگذاری کرد که خود من هم رفتم و دیدم. پاپ در این کنگره رسماً از سوی کلیسای کاتولیک عذرخواهی کرد و به کشیش‌ها هشدار داد که در کار دانشمندان علوم طبیعی دخالت نکنند و مداخله گذشته را خطا دانست. پاپ دخالت کشیش‌ها در قرون وسطی، در باب آفرینش و تفسیر کتاب مقدس و محاکمه گالیله و امثال اینها را خطا اعلام کرد.

من مقالات این کنگره را ترجمه کردم که تحت عنوان «فلسفه و الهیات» توسط پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی منتشر می‌شود. این کتاب به عنوان کتاب درسی دوره دکترا در رشته فلسفه علم تأیید و تصویب شده است. اگر این کتاب تا پایان سال منتشر شود، تصمیم دارم یک نسخه برای مقام معظم رهبری بفرستم و یک نسخه هم برای پاپ. این کتاب عملاً به گفت‌وگوی تمدن‌ها کمک می‌کند. این کتاب هفده صفحه پیام پاپ به زبان انگلیسی دارد.

یک کتاب دیگر هست که نزدیک به ۵ سال است به ناشر عزیزی دادم‌اه که همچنان مانده. این کتاب مجموعه مقالاتی است درباره ابعاد مختلف اندیشه حضرت امام، عرفان، کلام و دین‌پژوهی به اسم «امیر قافله عشق». من در این کتاب سعی کردم برای نسل جوان به دور از تعصب، به صورت تحقیق دانشگاهی نظرات و دیدگاههای امام را مطرح کنم. متأسفانه در کشور ما برخی ناشران با رویای کاسبکارانه و بازاری دارند و با برخوردشان طوری است که دستشان بسته است و امکانات چاپ و کاغذ ندارند. من هم اهل چانه‌زنی با ناشر نیستم. الان هم چهار-پنج عنوان کتاب دیگر آماده چاپ دارم و تایپ شده هم هست. به‌علاوه کل «دایرةالمعارف فلسفه پارکینسون» را ترجمه کردم و

اسماعیل همتی

سیدمحمد اعرابی

توسط نشر گستره در دست چاپ دارم.

اگر ناشری پیدا بشود، چند کتابی که آماده چاپ هست، حاضرم قراردادی امضا کنم و به دست چاپ بسپارم. یکی «گفتمان دینی در جهان متغیر» که بحث قرائت‌ها و هرمنوتیک و رابطه دین و علم و دین و دموکراسی و دین و توسعه است.

یک کتاب دیگر هم «مشق حضور» است که رهیافت سورن کی یر کگور و اگزیستانسیالیست‌ها به دین را مورد بحث قرار می‌دهد. مقایسه شریعتی و مطهری است، بحث‌هایی درباره کلام جدید و هرمنوتیک، از ماکس وبر و از بوئتمان. کتاب دیگر «دین در جهان معاصر» است. کتاب دیگر هستی‌شناسی دین در فلسفه سیرواری است که در چند سمینار بین‌المللی مقالاتش را ارائه داده‌ام و یک مقدمه انگلیسی نوشتم و...

یک کتاب دیگر راجع به «دانشگاه و فرهنگ در ایران معاصر» است که هم انتقاد از وضع دانشگاه و تفکر موجود و فضای فرهنگی کشور دارم هم ناظر بر این جریاناتی است که متأسفانه جفاهایی بر دانشگاهیان رفت و حرمت‌شکنی‌هایی که نسبت به دانشگاه شده است و موانع توسعه علمی و توسعه علم در ایران را بحث کرده‌ام. یک تحقیق در مورد «الهیات فمینیستی» دارم انجام می‌دهم که مقاله‌اش همین الان جلو من است.

من تا به حال در زبان فارسی تحقیقی درباره «الهیات فمینیستی» ندیده‌ام، کتابی که الهیات فمینیسم را بحث کند، نه جنبش زنان را و مطالبات و جامعه‌شناسی زنان را حتی روانشناسی فمینیستی بوده و زمان و نقد فمینیستی بوده ولی الهیات فمینیستی در کشور ما موضوعی ناشناخته است. من متکفلانی مثل خانم الیزابت شوسلر فیورنزا یا خانم زیماری ردفورد رویتر یا مریداتی را دارم معرفی می‌کنم که اینها یک بازخوانی و قرائت جدیدی از الهیات مسیحی را ارائه می‌کنند.

یک کار هم در دست دارم به نام «عرفان عهد جدید» که مقایسه عرفان‌های سنتی دینی با عرفان‌های جدید و فرقه‌های جدید عرفانی مثل ذن، بودیسم، مثل انتکار، یوگا و... است. موضوع این پژوهش هم یک کار جدید است. من زیاد می‌نویسم و کم چاپ می‌کنم.

دکتر عباس منوچهری: مترجم

کتابی در مورد «مفاهیم اساسی در فلسفه سیاسی» در دست نوشتن دارم. این کتاب البته هنوز برای آماده شدن چند ماهی طول می‌کشد و هنوز هم قول چاپ این کتاب را به ناشری نداده‌ام.

مقداری به کارگیری روش‌های اندیشه‌شناسانه در این کتاب مطرح هست. این کتاب در واقع دو فصل اصلی دارد. یک بخش ارائه چند روایت از فلسفه سیاسی است. روایت تاریخی، روایت مفهومی و... بخش دوم مفاهیم اساسی فلسفه را با توجه به ارتباطی که این مفاهیم با یکدیگر داشتند، در دوره‌های مختلف فلسفه سیاسی، توضیح دادم هر کدام از این مفاهیم را جداگانه.

بنابراین سیر این مفاهیم در طول تاریخ فلسفه سیاسی توضیح داده می‌شود.

تا مفهوم مستقل از شرح کلی مکاتب به دست داده شود. در چارچوب دوره‌های مختلف تاریخی، این مکاتب و آرای متفکران هر مکتب در باب هر مفهوم مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. این کتاب یک اثر تألیفی است و هنوز تصمیم قطعی در انتخاب ناشر نگرفته‌ام ولی احتمالاً به نشر نی خواهم سپرد.

سید محمد اعرابی: نویسنده و مترجم

کتابی به اسم «مدیریت خدمات» اخیراً از من چاپ و منتشر شده است که ناشرش دفتر پژوهش‌های فرهنگی بود.

هفته دیگر جلد دوم این کتاب به بازار می‌آید که این کتاب در مجموع ۱۲۰۰ صفحه می‌شود.

اقتصاد اصلش بر اساس کشاورزی و خدمات است. پیش‌بینی‌ها در دنیا این است که روند به سمت این است که بخش خدمات در اقتصاد کشور، ارزش افزوده‌اش از دیگر بخش‌ها بیشتر است. الان هم فاصله بین کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته این است که در کشورهای توسعه یافته ارزش افزوده بخش خدمات بالاست و پیش‌بینی می‌شود این فاصله به مراتب سال به سال افزایش پیدا می‌کند در کشورهای شبیه کشور ما هم نظر بر این است که خدمات کم‌کم جای خود را پیدا می‌کند. خدمات بازرگانی خدمات مهندسی، خدمات دولت داریم. خدمات فقط دلالی که نیست. خدمات بخش‌های مختلف دارد. نویسنده این کتاب چهره مشهوری در دنیاست و این کتاب هم به‌عنوان کتابی مرجع شناخته شده است. اسم نویسنده کتاب فیتز زیمونس است.

بعد از این، کتاب «مدیریت سیستم‌های اطلاعاتی» را زیر چاپ دارم که نویسنده‌اش شخصی به نام کلارک است. ما در این زمینه دو موضوع داریم که یکی سیستم اطلاعات مدیریت و دیگری مدیریت سیستم‌های اطلاعاتی است. این دو موضوع با هم تفاوت‌هایی دارند.

این کتابی که از من زیر چاپ است «مدیریت سیستم‌های اطلاعاتی» در واقع مدیریت استراتژیک سیستم‌های اطلاعاتی است که می‌آموزد مدیران عالی رتبه چگونه سیستم‌های اطلاعاتی را مدیریت می‌کنند.

این کتاب الگوی یک پارچه‌ای در رابطه با سطح استراتژیک سیستم‌های اطلاعاتی از دو جنبه انسانی و فنی است. کار دیگرم «استراتژی بازاریابی» است که چهار-پنج نویسنده دارد. ولی مشهورترینشان والکر است. این کتاب هم متعلق به سال ۲۰۰۳ میلادی است.

در زمینه بازاریابی، کتاب‌های زیادی داشتیم در ایران و معروفترین آن هم به قلم کاتلر بود. کتاب دیگری هم دارم به نام «عنصر استراتژیک» که شاید در این حوزه اولین کتابی باشد که در ایران ترجمه و منتشر می‌شود. کتاب دیگر هم زیر چاپ دارم یکی «تحقیق مدیریت» و دیگری «تحقیق سازمانی» است. این هفت کتاب از من زیر چاپ است و تا پایان فصل زمستان منتشر خواهند شد. کتاب تحقیق در مدیریت از شخصی به نام اسمیت و «تحقیق سازمانی» از شخصی به اسم نیلوارد است.

تازه‌ها

روزوشب یوسف

رمان گمشده سال‌های دور محمود دولت‌آبادی سرانجام با عنوان «روز و شب یوسف» از سوی مؤسسه انتشارات نگاه چاپ و منتشر می‌شود.

شبابان سور

«شبابان سور» مجموعه سه داستان بلند از خسرو حمزوی است که از سوی نشر افق بزودی چاپ و منتشر می‌شود.

اصفهان نصف جهان

«اصفهان نصف جهان» اثر معروف صادق هدایت از سوی انتشارات آزاد مهر بزودی به بازار می‌آید. لازم به ذکر است که داستان هوسباز و سامبینگه در همین مجموعه آمده است و این کتاب سال‌ها در ایران چاپ نشده بود.

مناظر سرزمین انسانی

دفتر دوم مناظر انسانی سرزمین من از سوی نشر دنیای نو بزودی چاپ و منتشر می‌شود. این کتاب منظومه‌ای بلند از ناظم حکمت است که در زندان سروده و توسط ایرج نیوخت به فارسی ترجمه شده است. دفتر اول این منظومه هفته گذشته به بازار آمده بود.

تذکرة الشعراء

تذکرة‌الشعراء، اثر سلطان محمد مطربی سمرقندی (۹۶۶-۱۰۴۰ه.ق) ادیب و تذکره‌نویس شهیر ماوراءالنهر که شرح حال ۳۴۳ تن از پادشاهان و شاعران ماوراءالنهر با ذکر نمونه‌ای از اقوال و سروده‌ها و لطایف آنهاست، از سوی نشر میراث مکتوب بزودی چاپ و منتشر می‌شود.

گات‌های زردشت

«گات‌های زردشت» و «رویدادهای تاریخ‌دار شاهنامه» دو عنوان از کتاب‌های نشر نوید شیراز است که به قلم فرانک دوالو بزودی چاپ و منتشر می‌شود.

تماماً مخصوص

رمان جدید عباس معروفی نویسنده ایرانی مقیم آلمان با عنوان «تمام مخصوص» بزودی از سوی انتشارات ققنوس چاپ و منتشر خواهد شد. همین ناشر اخیراً از این نویسنده مجموعه سه نمایشنامه را تحت عنوان «اُونگ خاطره‌های ما» منتشر کرده است.

به سوی غرب

«با شب به سوی غرب» نام رمانی به قلم بریل مارکهام است که با برگردان ابراهیم یونسی بزودی از سوی نشر پاپلی چاپ و منتشر خواهد شد. یونسی چندی پیش کتابی از شرحی لیزر با نام «گشتی در کردستان ترکیه» را ترجمه کرده و توسط همین ناشر به بازار فرستاده بود.

مفهوم مرگ

«پژوهشی در مفهوم مرگ در ذهن کودک» عنوان کتابی به قلم دکتر عبدالعظیم کریمی است که مؤسسه انتشارات قدیانی طی هفته آتی به بازار می‌فرستد.

هزار و یک شب هرمس

انتشارات هرمس کتاب (الف لیله و لیله) با هزار و یک شب ترجمه عبداللطیف تسوجی تبریزی را که یکی از بهترین ترجمه‌ها محسوب می‌شود، در دست انتشار دارد. این کتاب بر اساس مقابله با نسخه‌های چاپی عربی و ترجمه‌های انگلیسی و سایر نسخ فارسی تدوین شده و ترجمه آیات شریف قرآن و لغات عربی را نیز دارد. ضمن اینکه مقاله‌ای مفصل درباره خاستگاه هزار و یک شب، تاریخچه تدوین نهایی اثر، بررسی ترجمه‌های مشهور و تحلیل ساختاری آن نیز ضمیمه چاپ حاضر است.

کافه زیبردریا

انتشارات کتاب خورشید از مجموعه در دانه‌ها، کتاب «کافه‌ای در زیر دریا» شامل داستان‌های کوتاه ایتالیایی از اسقانو بنی را با ترجمه رضا قیصریه بزودی چاپ و منتشر خواهد کرد.

ناجیان خداوند

«ناجیان خداوند» تریلوژی نیکوس کازانتزاکیس نویسنده مشهور ایتالیای است که با ترجمه مسیحا برزگر تحت عنوان «بیداری» و «صفر» و «سکوت» توسط انتشارات کتاب خورشید چاپ و منتشر می‌شود.

دانی جان ناپلئون

«دانی جان ناپلئون» معروف‌ترین رمان طنز ایران که پس از انقلاب هرگز فرصت چاپ و انتشار پیدا نکرد، سرانجام توسط انتشارات صفی علیشاه منتشر خواهد شد. نویسنده «دانی جان ناپلئون» ایرج پزشکزاد است که تا سال ۵۸ر چهارده بار تجدید چاپ شده بود. بر اساس این رمان سریالی به همین نام توسط ناصر تقوایی پیش از انقلاب ساخته و پخش شده بود.

نیچه و معرفت‌شناسی

«نیچه و معرفت‌شناسی» عنوان کتابی از آرمین مهرگان است که انتشارات طرح نو در دست چاپ و انتشار دارد. از این نویسنده چندی پیش کتاب «دیالکتیک نهادها» با پژوهش در ساخت غریزی ذهن چاپ و منتشر شده بود.